



بهار ۱۴۰۱

شماره ۳۱۵

خبرنامه الکترونیکی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری

مدیر مسئول:

دکتر مصطفی معین

سرمدبیر:

دکتر مریم مالمیر

همکاران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

محبوبه آطاهریان

محمد خان احمدی

لیلا مظفری

تهیه و تنظیم: کمیته انتشارات انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری

سخن نخست

بیانیه انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری (دربارهٔ حادثهٔ فروریزش ساختمان متروپل آبادان)

گاه آنچه آوار میشود تنها یک «سازه» نیست، بنای «اعتماد» ملتی است که اگر فرو ریزد به آسانی جبران نخواهد شد. گاه آنچه از تپش باز میایستد، تنها «نبض» یک تن، یا تنی چند نیست؛ بلکه «قلب امید» است که اگر از جنبش باز ماند جریان حیات از شریان‌های یک ملت رخت بر می‌بندد. زمانی که حادثه و خسارت، نه به سبب واقعه‌ای طبیعی یا حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی، بلکه به‌رغم پیش‌بینی‌های کارشناسان و هشدارها، به علتِ مسئولیت‌ناشناسی نهادینه شده و سهل‌انگاری ساختاریافته، و در یک کلام «بی‌اخلاقی» و شیوع فساد رخ دهد، آن هنگام است که بنای اعتماد فرو ریخته و قلب امید از کار افتاده است. جای بسی تأسف است اگر جامعه‌ای خود را در چنین وضعیتی بیابد. مباد که ما آن جامعه باشیم. بر اساس گزارش‌های رسمی، مواردی از نقض قانون و بی‌اعتنایی به ضوابط معماری و مهندسی و طراحی و ساخت و ساز که خود نشانگر گسترش یافتن فساد ساختاری است، علت بروز فجایی چون آتش‌سوزی و ریزش ساختمان پلاسکو، فروریختن متروپل و یا حادثه مرگبار قطار مشهد به یزد است که در مقابل چشمان مسئولان سازمان‌های گوناگون مدیریت شهری و جاده‌ای، و نظارهٔ انواع دستگاه‌های عریض و طویل نظارتی رخ داده و خسارات جانی و مالی جبران‌ناپذیر پدید آورده و نه تنها تهران و آبادان، بلکه ایران را به سوگ نشاند است. انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری، ضمن ابراز همدردی عمیق با خانواده‌های عزیز به سوگ نشسته و مجروحان و خسارت‌دیدگان این حوادث، در جهت ایفای رسالت علمی و اجتماعی خود توجه همگان را به نکات زیر جلب میکند.

۱- برجسته کردن حوادث، اعتراض نسبت به خطاهای محرز، درس گرفتن از آنها و اهتمام به پیشگیری از موارد مشابه، اصلی است عقلایی و اخلاقی و تأمین‌کنندهٔ مصلحت ملک و ملت. فرسنگ‌ها فاصله است بین آنچه سیاه‌نمایی خوانده میشود، با تذکر مشفقانه و معطوف به عبرت و پند گرفتن از اشتباه‌ها. به تعبیر سخندان بزرگ فرهنگ و زبان فارسی: "پند گیر از مصائب دگران تا نگیرند دیگران به تو پند" (سعدی، گلستان) امیداست به گوش نصیحت نبوش مسئولیت‌شناسان این تذکارها سنگین نیاید و در راه ادارهٔ بهینه کشور به کار آید.

۲- در روزگار پیش‌رانی دانش آکادمیک در جهان، بهره‌گیری از ظرفیت علمی دانشگاهیان متخصص و متخلق به اخلاق حرفه‌ای در همهٔ امور، به‌ویژه امر ارزیابی حوادث خاص، ضرورتی است انکارناپذیر. حال که در عرصه ملی نیز اصطلاح «دانش‌بنیان» مورد توجه قرار گرفته، امید است این تعبیر به شعار و زینت تبلیغی تقلیل نیابد، و مسئولان امر هر چه زودتر گروهی از دانشگاهیان متخصص را به‌منظور شناسایی همهٔ زمینه‌های فنی، اجتماعی، مدیریتی و اخلاقی فاجعه فروریزش ساختمان «متروپل آبادان» گرد آورند و با حمایت کامل از آنان و اجتناب از مسامحه و مصالحهٔ ناصواب، به شناسایی و تبیین علمی ابعاد حادثه اقدام کنند. باشد تا ضمن اطلاع‌رسانی شفاف و همگانی، درس‌آموخته‌های حادثه به تنظیم دستورالعمل‌های پیشگیرانه از حوادث، در طرح‌های عمرانی کلان و ساخت و سازهای مشابه بینجامد.

۳- در جوامع توسعه‌یافته، حوادث بزرگ به مثابهٔ نمونه‌هایی برای «مطالعهٔ موردی» (case study) «توجه پژوهشگران، متخصصان و دانشگاهیان روزآمد را جلب میکند و نتایج تحلیل و تحقیق علمی دربارهٔ حوادث به تولید مقاله و ارائه در همایش‌های علمی منجر میشود و به درس‌های دانشگاهی راه مییابد. امید است استادان و پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های ذیربط در شاخه‌های مختلف علوم و فناوری؛ از رشته‌های دانشگاهی عمران و معماری و محیط‌زیست، تا مدیریت بحران و اخلاق حرفه‌ای و اورژانس و فوریت‌های پزشکی، در این مسیر پیشگام شوند و مطالعه و تولید دانش در این باره را به اشارات و فرآیندهای خاص و بروکراتیک موقوف نکنند.

۴- برخورد قانونی با عاملان خاطی حادثه، بدون توجه به مقام و منصب و گروه‌بندی‌های سیاسی، خواستی است معقول. این خواست نه از باب دامن زدن به زنجیرهٔ انتقام یا تسویه حساب‌های سیاسی و جناحی، بلکه از آن باب است که به تعبیر استاد سخن: «دزدان دست کوتاه نکنند تا دستشان کوتاه کنند.» (سعدی، گلستان)

۵- جبران خسارت حادثه‌دیدگان و حمایت مالی، روانی و اجتماعی برای التیام زخم‌هایی که جبران کامل آن ممکن نیست، وظیفه‌ای است اخلاقی که لازم است بدون فوت وقت و تعمیق زخم صورت پذیرد.

۶- هم‌اکنون ساختمان‌های در معرض آسیب در کشور کم نیستند؛ حال، یا مانند متروپل آبادان قصور آشکار در اجرای طرح، عامل آسیب‌پذیری است، یا عمر زیاد ساختمان و فرسودگی تدریجی آن. جا دارد پیش از آن که خدای ناکرده خبر فاجعهٔ مشابه دیگری دل‌ها را به درد آورد، بناهای در معرض خطر، پیش از خرابی شناسایی شوند و بر اساس ضوابط، برای مقاوم‌سازی و هر گونه رفتار اصولی با آنها اقدام لازم به عمل آید.

۷- در نهایت، امید است عقلای قوم در موقعیت‌های گوناگون دولتی و غیردولتی، بدین دقیقه‌التفات یابند که حوادثی همچون حادثهٔ متروپل، نه در اثر فقدان دانش و کمبود مصالح و ضعف فناوری، بلکه در اثر ضعف اخلاقی حرفه‌ای و مدیریت پدید می‌آیند. تقلیل ندادن آموزش دین و اخلاق به پاره‌ای مناسک و مراسم ظاهرگرایانه و اهتمام به آموزش اخلاقی مسئولیت‌شناسانهٔ اجتماعی در مدرسه و دانشگاه، و بسترسازی برای ایفای نقش نهادهای اجتماعی و مدنی در امر نظارت عمومی و ستیز با زمینه‌های فساد، درس‌های مهم اخلاقی از حادثهٔ اخیر است که عنایت مجذانه به آن میتواند پیش‌گیرنده از تکرار حوادث زیانبار مشابه باشد.

آشنایی با اندیشمندان و محققان حوزه اخلاق

دکتر احد فرامرز قراملکی

استاد گروه فلسفه و کلام دانشگاه تهران



احد فرامرز قراملکی زاده ۱۰ خرداد ۱۳۴۰ در تبریز، ایران، مشاور اخلاقی سازمان‌ها و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با درجه استادی است. ایشان تاکنون بیش از ۳۰۰ مقاله منتشر کرده و تحقیقات و تالیفات متعددی در حوزه های فلسفه و اخلاق منتشر کرده اند. در ادامه به برخی از مهم ترین تالیفات ایشان اشاره شده است:

- آشوریها، احترام و احد فرامرز قراملکی . قلمرو پیام پیامبران. : کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۰.
- فرامرز قراملکی ، احد و احترام آشوریها. "موضع علم و دین در خلقت انسان.": آرایه، ۱۳۷۳.
- فرامرز قراملکی ، احد و احترام آشوریها. "مبانی کلامی جهت گیری دعوت انبیاء.": پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ، ۱۳۷۶.
- فرامرز قراملکی ، احد. "قلمرو پیام پیامبران.": پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۶.
- آشوریها، احترام و احد فرامرز قراملکی . "سوه ساده زیستی در پرتو خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه.": وثقی، ۱۳۷۶.
- آشوریها، احترام و احد فرامرز قراملکی . "هندسه معرفتی کلام جدید.": مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
- فرامرز قراملکی ، احد و احترام آشوریها. "التقیح فی المنطق.": بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۷۸.

- آشوریها، احترام . "پرده پندار (تحلیلی از غفلت در پرتو خطبه ۱۷۴ نهج البلاغه).": انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۸۱.
- فرامرز قراملکی ، احد و آدینه اصغری نژاد . "تحقیق، تقدیم و تعلیق بر منطق الملخص فخر رازی.": دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۱.
- فرامرز قراملکی ، احد. "امامت پژوهی.": دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۱.
- فرامرز قراملکی ، احد. "استاد مطهری و کلام جدید.": پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳.
- فرامرز قراملکی ، احد. "اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی.": مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳.
- فرامرز قراملکی ، احد. "اخلاق حرفه ای.": تهران: نشر مجنون، ۱۳۸۵.
- فرامرز قراملکی ، احد و طیبه عارف نیا . "دوازده رساله در پارادوکس دروغگو.": موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۶.
- فرامرز قراملکی ، احد و رستم نوچ فلاح . "موانع رشد اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها.": موسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا، ۱۳۸۶.
- فرامرز قراملکی ، احد. "سازمانهای اخلاقی در کسب و کار.": نشر مجنون، ۱۳۸۶.
- فرامرز قراملکی ، احد. "درآمدی بر اخلاق حرفه ای.": سرآمد، ۱۳۸۹.
- فرامرز قراملکی ، احد. "از سنوات تا تجربه شغلی: مهارت های تجربه اندوزی.": تهران: اداره کل فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- فرامرز قراملکی ، احد. "حرفه گرایی و فلسفه.": تهران: اداره کل فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- فرامرز قراملکی ، احد. "نقش زیر ساختی کنش با خود در تعامل گونه های رفتار ارتباطی در انگاره و شاکله.": تهران: اداره کل فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- فرامرز قراملکی ، احد و محسن حیدریان. "اخلاق حرفه ای در فناوری اطلاعات و ارتباطات با رویکرد کاربردی برای مهندسان و مدیران ICT دانشجویان و محققان.": تهران: سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۹۳.

✚ عضو دبیرخانه علمی چهارمین کنگره سراسری اخلاق پزشکی،
۱۵/۰۹/۱۳۹۴، ایران، تهران

✚ عضو شورای ارزیابی کیفیت دانشگاه، ۱۶/۰۹/۱۳۹۴، ۱۲/۰۷/۱۳۹۶،
ایران، تهران

✚ عضو کمیته علمی اولین همایش ملی دولت کار آفرین،
۱۸/۰۹/۱۳۹۴، ایران، تهران

✚ عضو کمیته تخصصی الهیات، ۲۲/۰۹/۱۳۹۴، ایران، تهران
✚ عضو حقیقی کمیسیون تخصصی فرهنگ و تمدن شورای عالی علوم

✚ تحقیقات و فناوری، ۰۴/۱۱/۱۳۹۴، ۱۲/۰۷/۱۳۹۶، ایران، تهران
✚ عضو گروه تخصصی الهیات، ۰۲/۰۳/۱۳۹۶، ۰۳/۰۳/۱۳۹۸، ایران،
تهران

✚ عضو کمیته علمی همایش دانشگاه اخلاق مدار، ۲۵/۰۴/۱۳۹۶،
۲۳/۰۸/۱۳۹۷، ایران، تهران

✚ عضو گروه فلسفه، اخلاق و آموزش پزشکی و علوم زیستی
فرهنگستان علوم پزشکی، ۰۷/۱۱/۱۳۹۶، ۰۷/۱۱/۱۳۹۸، ایران،
تهران

✚ فرامرز قراملکی، احد و محمد قائم عابدی. "تعریف منطق." تهران:
مجنون، ۱۳۹۵.

✚ فرامرز قراملکی، احد و علی اکبر ناسخیان. "قدرت انگاره." تهران:
نشر مجنون، ۱۳۹۵.

برخی تالیفات دکتر قراملکی به عنوان کتب برگزیده در سالهای مختلف
مورد تقدیر قرار گرفته اند. از جمله؛ امامت پژوهشی (۱۳۸۵)، روش
شناسی مطالعات دینی (۱۳۸۵)، پارادوکس دروغگو (۱۳۸۶)، روش
شناسی مطالعات دینی (۱۳۸۶)، اخلاق حرفه ای در تمدن ایران و اسلام
(۱۳۸۹)، و اخلاق سازمانی (۱۳۸۹).

دکتر قراملکی در سال ۱۳۸۶ به عنوان پژوهشگر نمونه دانشگاه تهران
(نشان درجه دو)، در سال ۱۳۸۹ به عنوان پژوهشگر برجسته دانشگاه
تهران (نشان درجه یک) و در سال ۱۳۹۰ به عنوان مدیر پژوهشی برتر
دانشگاه ها و موسسات پژوهش انتخاب شد. از فعالیت‌های اجرایی
ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

✚ عضو کمیته تخصصی الهیات گروه علوم انسانی دفتر برنامه ریزی
آموزش عالی، ۱۹/۰۳/۱۳۹۴، ۱۹/۰۳/۱۳۹۶، ایران، تهران

✚ نماینده هیات اجرایی جذب اعضای هیات مدیره، ۰۲/۰۸/۱۳۹۴،
ایران، تهران

✚ عضو کمیسیون راهبردی اخلاق پژوهش و فناوری دانشگاه تهران،
۰۶/۰۹/۱۳۹۴، ایران، تهران

مصوبات هیات مدیره انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری در بهار ۱۴۰۱

✚ آیین نامه امور استانی

دکتر میلی منفرد: برای هریک از استانها یک نفر را به عنوان نمایندگان انجمن برای تشکیل شاخه در آن استان پیشنهاد خواهم داد و همکاری دوستان یک لیست در حال تکمیل است. بعد از تکمیل لیست باید به سراغ تشکیل هسته آن برویم و آیین نامه شاخه هی انجمن را باید اصلاح کنیم.

مقرر شد دکتر میلی منفرد لیست که تکمیل شد آن را در گروه قرار بدهند تا در جلسه آتی مورد بررسی قرار گیرد.

✚ ادامه همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی

در جلسه گذشته موضوعات متنوعی برای محوریت همایش مطرح شد که از جمله آنها: شهرنشینی، اخلاق و رفتار شهروندی (نقش و تاثیر دروغ)، شهرنشینی، مشکلات و آسیب‌های اجتماعی و اخلاق مدیریت شهری که در نهایت همایش اخلاق و فرهنگ شهر نشینی با محوریت موضوع اخلاق برنامه ریزی و مدیریت شهری تصویب شد. و در ادامه برای دبیر علمی با بحثهای که انجام شد آقای دکتر میرطاهر موسوی به عنوان دبیر علمی همایش ابقا شدند قرار شد آقای دکتر معین با ایشان صحبت کنند و با توجه به محدودیتهای زمان سال جاری برگزاری همایش به اوایل سال ۱۴۰۲ موکول شد.

✚ مجمع عمومی انجمن ۱۹ اردیبهشت ساعت ۱۸

دکتر شامخی گزارشی از فعالیتهای مربوط به برگزاری مجمع را قرائت کردند که شامل ارسال دعوتنامه به اعضای انجمن در قالب نامه الکترونیک در مورخ ۱۳ اسفند ۱۴۰۰ بود. ارسال آگهی به روزنامه اطلاعات و چاپ آن در روز ۲۹ فروردین ماه بود. برای یادآوری مجدد برای اعضا دوباره نامه دیگر و اطلاعیه به صورت پیامک نیز انجام شد. اطلاع رسانی ها در فضای مجازی نیز انجام شده بود.

مقرر شد برای مشارکت هرچه بیشتر اعضا حضور به صورت مجازی و شرکت در انتخابات با استفاده از سایت فراهم شود برای شرکت غیرحضور از آقای الوندی و کمیسیون انجمن های پیگیری لازم انجام شود. همچنین در صورت صلاحدید با اعضای انجمن صحبت تلفنی نیز انجام شود.

اعضای هیات مدیره انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری در فصل بهار سال جاری ۲ جلسه به ترتیب در تاریخ های ۲۹ فروردین ماه ، ۹ خرداد ماه ، تشکیل دادند که در ادامه خلاصه ای از دستور جلسات و مصوبات هر جلسه ارایه می شود:

جلسه فروردین ماه ۱۴۰۱

دستور جلسه:

- ۱- طرح اخلاق دانشگاهی (گزارش نهایی - برنامه ادامه کار)
- ۲- کمیته اخلاق دانشگاهی (پیشنهاد دکتر بنی اسدی)
- ۳- آیین نامه امور استانها (مطالب پیشنهادی دکتر میلی منفرد)
- ۴- ادامه همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی
- ۵- مجمع عمومی انجمن ۱۹ اردیبهشت ساعت ۱۸
- ۶- امور جاری

مصوبات جلسه:

✚ طرح اخلاق دانشگاهی (گزارش نهایی) - برنامه

ادامه کار - تشکیل کمیته اخلاق حرفه ای انجمن)

آقای منصوری: بخشی را که قرار بود گروه آقای دکتر مردانی تحویل بدهند تازه به دستمان رسیده است در حال بررسی آنها هستیم بعد از تکمیل برای بررسی خدمتتان استادان ارسال میشود و تکمیل نمودن نظرات برای دانشگاه شهید بهشتی ارسال میشود.

آقای دکتر بنی اسدی: علاوه بر گزارش مکتوب یک سی دی آموزشی نیز جهت ارسال به دانشگاه در حال تدوین هست که قرار هست همراه گزارش ارسال گردد.

مقرر شود آقای دکتر بنی اسدی پروپوزال پیشنهادی خود در خصوص تشکیل کمیته اخلاق دانشگاهی برای جلسه آتی آماده و داخل گروه قرار دهند.

دکتر معین: دکتر پارساپور که یکی از استادان حوزه اخلاق پزشکی است میتواند در کمیته اخلاق دانشگاهی باشد.

مقرر گردید گزارش طرح اخلاق دانشگاهی در اوایل اردیبهشت ارسال شود. و برای پیگیری طرح در دانشگاه با آقای دکتر نصیری صحبت شود.

جلسه خرداد ماه ۱۴۰۱

دستور جلسه:

این لیست اولیه است و اعضا اگر پیشنهادی دارند تا قبل از جلسه آینده اعلام کنند بنده نیز با آقای دکتر نصیری نیز مشورت خواهم گرفت. مقرر شد هیات مدیره یک فرد را به عنوان نماینده انجمن در آن استان انتخاب کنند که با پیشرفت کار بتوانند در آن شهر شعبه انجمن را تا تاسیس کنند. ویژگی های افراد توانمندی، مدیریت و فردی دارای اخلاق حرفه ای و علاقه مند باشد. نکات و پیشنهادات:

۱- قبل از تاسیس شعبه باید چهارچوب نظارت و کنترل شعبه را مشخص کنیم، تشکیلات و ساختار و رابطه بین انجمن و شعبه باید مشخص شود. سازو کار شاخه ها مشخص شود.

۲- برای نمایندگان یا رابطان یک دوره ۱ ساله بگذاریم بینیم در این دوره چگونه فعالیت داشته اند.

۳- بعد از تایید لیست یک سری جلساتی بصورت آموزشی داشته باشیم و دستورالعملهای مربوط به آن را بیان کنیم و پذیرش نهایی انجام شود

۴- پیشنهاد شد در هر استان حوزه یک علم موضوع را پیش برنند، به عنوان مثال در استان مرکزی بخش اخلاق صنعتی را پیگیری کنیم و به ثمر برسانیم و از نماینده خود مطالبه گری داشتیم.

۵- برای تدوین دستورالعمل و توصیه نامه مقرر شد از تجربه انجمن جامعه شناسی و انجمن فیزیک استفاده شود.

۵- پیشنهاد شد در لیست از استادان خانم نیز باشند.

۶- در لیست نیز میتوان از استادان وزارت بهداشت نیز حضور داشته باشد. (مانند خانم دکتر وفایی در شیراز)

همایش کنکاش مفهومی و نظری در ایران-

انجمن جامعه شناسی:

سخنرانان پنل: دکتر نجفلی حبیبی، دکتر مقصود فراستخواه و آقای اردشیر منصوری

عناوین سخنرانی اعضا:

دکتر نجفلی حبیبی: الزامات ارتقاء منزلت و جایگاه دانشگاه ایرانی
دکتر مقصود فراستخواه: دانشگاه اخلاقی، استقلال آکادمیک و آزادی علمی

اردشیر منصوری: اخلاق دانشگاهی، رویکرد حداقلی و حداکثری (که درباره دستاورد های انجمن اخلاق نیز صحبت خواهم کرد)

همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی:

دبیر علمی همایش مجدد دکتر میرطاهر موسوی خواهند بود و دبیر اجرایی مهندس مجتبی نوربان خواهند بود. و برای هماهنگی بیشتر بین دبیران مقرر شد دکتر معین با دکتر موسوی صحبت کنند.

۱- طرح اخلاق دانشگاهی

۲- آیین نامه امور استانها

۳- همایش کنکاش مفهومی و نظری در ایران - انجمن جامعه شناسی

۴- همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی

۵- امور جاری

مصوبات جلسه:

طرح اخلاق دانشگاهی

دکتر بنی اسدی: بسته آموزشی آماده شده ۱۰ نسخه از کتاب به همراه سی دی به دانشگاه شهید بهشتی ارسال شده است حدوداً ۷۰ درصد کار انجام شده و برگزاری کارگاه ها باقی مانده که امیدواریم در زودترین حالت ممکن بتوانیم آن مورد برگزار نماییم.

آقای منصوری: در روش کار مشکلی نبود و تنها مشکلی شاید وجود داشته باشد در ترسیم سیمای دانشگاهی بود.

نظرات پیشنهادی در خصوص تکمیل بسته: روش تحقیق بهتر است در مقدمه بیاید و نحوه ارائه گزارش و محدودیتهای موجود را طرح عنوان شود

تشکیل کمیته اخلاق دانشگاهی:

دکتر بنی اسدی: کمیته اخلاق باید سریعاً تشکیل شود و مستمر فعال باشد و جز رسالتهای همیشگی انجمن اخلاق باشد.

افراد پیشنهادی: دکتر بنی اسدی - دکتر مالیر - دکتر شمسی - دکتر بیرویدیان - آقای منصوری - دکتر امیری - دکتر اترک - یک نفر دیگر
دکتر نصیری معرفی نمایند.

برای گروه اجرایی کمیته مقرر شد بعد از تشکیل کمیته در مورد آن تصمیم گیری شود.

دکتر مالیر پیشنهاد دادند از دانشجویان فعالی که در حوزه اخلاق برای مجله مقالات ارسال میکنند درخواست همکاری شود.

دکتر معین: در قدم بعدی میتوانیم با اطلاع رسانی طرح انجام شده به سراغ دیگر دانشگاه ها برویم دانشگاه شریف و دانشگاه شیراز را پیشنهاد میدهم.

آیین نامه امور استانها

دکتر میلی منفرد لیست اولیه خود جهت معرفی نماینده های پیشنهادی در استانها را قرائت کردند در ادامه بیان داشتند که باید وظایف و توقعات از این افراد مشخص شود و آنها بدانند چه کاری باید انجام دهند

تا ۳ رزو در گروه واتسپی قرار دهند و سپس آقای منصوری متن اولیه
بیانیه بنویسد.
- مقرر شد برنامه راهبردی انجمن در داخل گروه قرار بگیرد و برای به
روزسانی آن در جلسه بعد گفتگو شود.

امور جاری:

-مقرر شد انجمن اخلاق درباره حادثه متروپل و مسائل جانبی آن یک
بیانیه صادر کند و قرار شد اعضای هیات مدیره نظرات خویش در حداکثر

گزارش مجمع عمومی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری در اردیبهشت ۱۴۰۱

آشناسازی و ارتقای اخلاق دانشجویی - فراهم آوردن زمینه های لازم برای اجرای موثر قانون « پیشگیری و مقابله با تقلب در اخلاق دانشجویی »؛ در ابتدا قرار بود با همکاری معاونت پژوهشی وزارت علوم انجام شود که به علت تغییرات مدیریتی این طرح با همکاری دانشگاه شهید بهشتی انجام شد.

همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی: دبیر علمی دکتر میرطاهر موسوی، دبیر اجرایی معصومه معارف وند بودند که ۲ روز متوالی - مجازی (دعوت از ۳۰ استاد برجسته در حوزه اخلاق، که شامل ارائه ۴۰ مقاله در ۱۱ پنل سخنرانی، ۵۱ مقاله پذیرش شده در همایش)، در تاریخ ۲۹ الی ۳۰ بهمن ۱۳۹۹ برگزار شد. کتاب مجموعه سخنرانی ها و مقالات در حال چاپ میباشد.

برگزاری جایزه استاد دکتر محمد قریب: برای ارج نهادن به مقام دانشمندان پاینده به مسئولیت های اخلاقی و اجتماعی بوده که در تاریخ یکم بهمن ۱۴۰۰ در سالن دکتر قریب بیمارستان طبی کودکان برگزار شد و طی برنامه از ۱۲ تن اساتید و پژوهشگران برتر اخلاق در حوزه های مختلف تقدیر و تشکر گردید. رئیس شورای علمی دکتر معین / دبیر علمی دکتر شامخی / دبیر اجرایی دکتر مال میر

سایر فعالیتها: چاپ کتاب میزگردها و سخنرانی های کنگره بین المللی اخلاق در علوم و فناوری ۱۳۹۶ با همکاری پژوهشکده مطالعات فرهنگی

برنامه ریزی برای دوره دوم همایش ملی اخلاق و فرهنگ شهرنشینی
بیانیه ها:

صدور بیانیه خصوص در رابطه با حوادث آبان ۹۸ و انتشار آن در خبرگزاری مختلف مانند ایرنا، جماران، ایسنا و.....

صدور بیانیه در خصوص مواجهه موثرتر جامعه با وضعیت پساکروناوی خرداد ۱۳۹۹ و انتشار آن در خبرگزاری مختلف

صدور بیانیه در خصوص پیرامون مسئولیتهای اخلاقی و علمی برای جلوگیری از گسترش شیوع کرونا شهریور ۱۳۹۹ و انتشار آن در خبرگزاری مختلف

صدور بیانیه در ضرورت راهگشایی ملی برای جلوگیری از اوج گیری شیوع کرونا آبان ۱۳۹۹ و انتشار آن در خبرگزاری مختلف
ارتباطات:

دستور جلسه:

- ۱-استماع گزارش هیات مدیره، دبیر و بازرس
- ۲-انتخابات هیات مدیره و بازرسین

مصوبات جلسه:

تشکیل هیات رئیسه:

آقایان دکتر محمد توکل (رئیس)، دکتر محسن فرخوی (ناظر اول)، علی اصغر گلسترخی (ناظر دوم) و مهندس محمدعلی دهباری (منشی) در جایگاه قرار گرفتند.

استماع گزارش هیات مدیره، دبیر و بازرس:

جلسه با سخنرانی دکتر مصطفی معین رئیس هیات مدیره انجمن اخلاق در علوم و فناوری آغاز گردید ایشان در چارچوبی کلی در خصوص اهداف تشکیل انجمن و فعالیت های صورت گرفته صحبت نمودند و در آخر از اعضای هیات مدیره دوره پیشین تشکر کردند.

در ادامه آقای دکتر تقی شامخی دبیر انجمن گزارشی از فعالیت های هیات مدیره دور ششم دادند که در ادامه توضیحات به طور کلی عنوان میشود:

معرفی اعضای دوره ششم هیات مدیره انجمن اخلاق: دکتر مصطفی معین (رئیس)، دکتر سعداله نصیری قیداری (نائب رئیس)، دکتر جعفر میلی منفرد (خزانه دار)، دکتر تقی شامخی (دبیر)، دکتر هادی خانیکی، دکتر محمدحسین بنی اسدی، دکتر مریم مال میر، آقای اردشیر منصوری، دکتر مریم نوری زاده / دکتر نجفقلی حبیبی (بازرس اصلی)، آقای محمد خان احمدی (بازرس علی البدل)

ساختار انجمن و کارگروه ها: کمیته اخلاق حرفه ای (دکتر بنی اسدی)؛ کمیته علمی-پژوهشی (دکتر خانیکی)؛ کمیته انتشارات و ارتباطات (دکتر مال میر)؛ کمیته اجتماعات (دکتر بنی اسدی)؛ کمیته طرح و برنامه ریزی (دکتر شامخی)

طرح مطالعاتی: طرح اخلاق دانشگاهی: که با هدف هدف اساسی و نهائی طرح پیشنهادی اصلاح و بهبود اخلاق دانشگاهی، از راه های زیر است: -بررسی وضعیت اخلاق آموزشی و پژوهشی در دانشگاه -ارتقای آگاهی و حساسیت اخلاقی عموم استادان و دانشجویان و کادر اداری و مدیریت -ترویج اخلاق حرفه ای در محیط های علمی و دانشگاهی و تثبیت مسئولیت شناسی و رعایت اخلاق حرفه ای در دانشگاهیان، اعم از استادان، مدیران، کارکنان و همچنین

اعضای اصلی هیات مدیره: دکتر مصطفی معین، دکتر جعفر میلی منفرد،
دکتر تقی شامخی، دکتر هادی خانیکی، دکتر احسان شمسی گوشکی،
دکتر محمدحسین بنی اسدی، دکتر سعداله نصیری قیداری، دکتر اشرف
بروجردی، دکتر مریم مالمیر

اعضای علی البدل هیات مدیره: دکتر سعید بیرودیان، مهندس مجتبی
نوریان

بازرس: آقای اردشیر منصوری

بازرس علی البدل: دکتر نجفقلی حبیبی

معرفی شدند.

همکاری و مشارکت در جلسات شورای انجمنهای شورای علمی ایران
همکاری با اتحادیه انجمنهای علوم اجتماعی ایران
همکاری و تعامل با انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، انجمن
جامعه شناسی ایران، انجمن ترویج علم ایران
و در انتها از حامیان مالی در این دوره تشکر کردند.

گزارش مالی انجمن

آقای خان احمدی (بازرس انجمن) گزارش مالی انجمن را قرائت نمودند

انتخابات هیات مدیره و بازرسین:

در ادامه با معرفی کاندیداها و در حضور نماینده کمیسیون انتخابات هیات
مدیره و بازرس انجام گردید و منتخبین دوره هفتم:

سخنرانی های انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری در زمستان ۱۴۰۰

هیستریکها و در پایین ترین سطح آن، مباحث کدینگ و غیره صحبت کنیم که از حوصله این جلسه خارج است. سعی می‌کنم به زبان ساده مساله را مطرح کنم.

صحبت امروز من در چند دسته خواهد بود. اول تاریخچه مختصری از هوش مصنوعی را خواهیم گفت. تحلیل ساختاری و معنایی هوش مصنوعی و انواع آن را خواهیم گفت، تسلط هوش مصنوعی بر جوامع، وضعیت جهان در دوران هوش مصنوعی قوی، و چالش‌های پیش رو. ما در دنیا با یک واژه به اسم ثروت مواجه هستیم. اگر بتوان ثروت ملل را تقسیم بندی کنیم، به سه دوره مشخص می‌توان آن را تقسیم کنیم. مرحله اول، ثروت ملل براساس نیروی بازوی فیزیکی تعریف می‌شد. به عبارت دیگر، قدرت بازوی نیروی نظامی جنگجو، تعیین کننده ثروت بود. یعنی جنگجویان با نیروی نظامی خود فتوحات جدید کرده و شروع به گرفتن مالیات می‌کردند و ثروت جمع می‌کردند. مرحله دوم، توسعه صنعتی متکی به نیروی بخار و نفت، عامل ثروت شد. به عبارت دیگر، در یک زمانی، مثلاً در بریتانیای کبیر، قدرت حرکت کشتی‌هایش به بریتانیا قدرت و ثروت می‌داد. یا در شوروی سابق، گفته شده صنعت باعث ثروت است. استالین می‌گفت سوسیالیسم یعنی آهن و فولاد، یعنی هرچه قدر آهن و سیمان بیشتری تولید کنید، ثروت بیشتری خواهید داشت. ولی از اواخر قرن گذشته، پدیده‌ای به عنوان ثروت مطرح شد، به این معنا که کشورهای دارای منابع ذهنی و اطلاعات بیشتر که می‌توانند این منابع را به فکت‌های اقتصادی تبدیل کنند یعنی ثروت بیشتری دارند. در اینجا ما با پدیده‌هایی در رابطه با ثروت مواجه هستیم که بدیع و نو بودند، مثل هوش مصنوعی که باعث ثروت در یک جامعه می‌شود. یا تحلیل کلان داده‌ها، یا تبدیل کلان داده‌ها به دانش، که البته اینها روش‌های خاصی دارند.

مساله هوش مصنوعی، سابقه ای در حدود دو الی سه قرن دارد. این واژه بعدها به هوش مصنوعی تبدیل شد. هوش مصنوعی در بستر ماشین هوشمند قرار می‌گیرد و از مسائل ابتدایی هم شروع می‌شود مثل تقلید از طبیعت. طبیعت را انسانها دوست داشتند و همیشه دوست داشتند در آن پرواز کنند. اما آنچه عملاً پدیده‌ای به اسم هوش مصنوعی را به وجود آورد، در قرون ۱۷-۱۸ بود. در این قرون یکسری سعی کردند مثلاً بازی شطرنج را خودکار کنند و از طریق یکسری مسائل مکانیکی اینکار را انجام بدهند. اینکار آغاز شد و بعد موتورهای تحلیلی بوجود آمد. این موتورها یکسری عملیات مکانیکی مثل چرتکه‌های پیشرفته را انجام

نشست دی ماه با عنوان :

"چالش‌های انسانی و اخلاقی هوش مصنوعی"

سخنران:

دکتر محمدحسین فاضل زرنندی

انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری

چالش‌های انسانی و اخلاقی
هوش مصنوعی

سخنران:
دکتر محمدحسین فاضل زرنندی
استاد پیشکوت دانشکده مهندسی صنایع و سیستم‌های مدیریت،
دانشگاه امیر کبیر

زمان:
دوشنبه ۱۳ دیماه ۱۴۰۰
ساعت ۱۷
به صورت لایو از شبکه جهانی اینستاگرام

iranethics.ir

نشست دی ماه انجمن ایرانی اخلاق در علوم فناوری در سال ۱۴۰۰ با سخنرانی جناب آقای دکتر محمد حسین فاضل زرنندی ، استاد پیشکسوت دانشکده مهندسی صنایع و سیستم های مدیریت دانشگاه امیر کبیر برگزار شد. مشروح نشست در ادامه ارایه شده است:
با سلام و تشکر، قبل از هر چیز از انجمن اخلاق که این فرصت را در اختیارم گذاردند، سپاسگزارم.
مبحث هوش مصنوعی، مبحثی بسیار تکنیکی است. وقتی که بخواهیم در این زمینه صحبت کنیم، باید روی مباحث تکنیکی، الگوریتمی و

شرکتهای بزرگ مثل آمازون، فیسبوک و مایکروسافت مراکز تحقیقاتی عظیمتر از دانشگاهها دارند و خیلی از مواقع حتی دانشگاهها USER آنها هستند. این خیلی مهم است بدانیم شرکتها در ایران روی تحقیقات چقدر باید سرمایه گذاری کنند. مراحل اولیه، تمرکز روی تحقیقات و پروتوتایپ سازی بود. پروتوتایپ سازی به این شکل است که مثلاً ساموئل سال ۱۹۶۳ یک بازی کامپیوتری در بستر هوش مصنوعی، درست کرد. بعد در سال ۱۹۶۳ نیوئل و همکارانش، چیزی که می توانست مسائل لاجیک را ران کند درست کردند. بعد در سال ۱۹۷۲، حل کننده مسائل آمد که یکسری مسئله می دادیم که به آن پاسخ می داد. مثلاً می گفت حل این مساله به شکل ریاضی به چه صورت است. سال ۱۹۶۹ توسط گرین، سیستم سوال و پاسخ درست شد. در این خلال تئوریهای مثل تئوری فازی هم مطرح شد. بعد ۱۰-۲۰ سال سرمایه گذاری و ارزیابی کردند که در زندگی اقتصادی کلان، چیزی نیاروده است. بنابراین گفتند به روش پیریشن ریسرچ سابق برگردید و گرند را یک مقدار کم کردند و یک وقفه در سرمایه گذاری در هوش مصنوعی ایجاد شد. تا اینکه سال ۱۹۷۸، دانشگاه استنفورد، یک سافت وی در بستر هوش مصنوعی برای ناسا گسترش داد به نام دندر آف پروگرام که این برنامه قادر بود خاک سطح کره مریخ را برداشته و آنالیز شیمیایی کند و این مساله بسیار خوب پاسخ داد. این پاسخ خوب توجه را به طرف هوش مصنوعی آورد و از هوش مصنوعی در مسائل ابتدایی بخصوص در سیستمهای خبره استفاده کردند. سیستمهای خبره، دانش خبره را به ماشین می دهد، دستورالعمل حل مساله را هم به ماشین می دهد و همان کاری که مثلاً تشخیص پزشکی انجام می دهد، با ماشین انجام می دهد. امروزه شاهدیم در خود هوش مصنوعی، فضاهای مختلفی وجود دارد. بسیاری از الگوریتمهای تکاملی همگی حمایت کننده هوش مصنوعی هستند. هوش مصنوعی یا AI به تنهایی خودش چیزی نیست. بلکه فضاهای مختلف جمع می شوند در کنار هوش مصنوعی. هوش مصنوعی، ارتباط با جاهای مختلف مثل کامپیوتر، سایکولوژی، فیزیولوژی، فلسفه، داروسازی، ریاضی و غیره دارد. به زبان ساده، اینکه می گوئیم، می خواهیم کاری کنیم که ماشین تقلید کند از انسان به چه معنا است؟ مکانیزم استدلال انسان، به سه بخش تقسیم می شود. اول حافظه کوتاه مدت است. این حافظه از طریق سنسورهای چشم و گوش و غیره اطلاعات را از خارج می گیرد و بعد یک حافظه دائمی انسان دارد. حافظه دائمی، انسان در خودش از زمانی که دنیا می آید، برای این است که دانش را اندوخته و قاعده سازی کنید. قاعده سازی یا از طریق تجربه بدست می آید یا خواندن، که یک جا ذخیره می شود. مکانیزم دیگری هم انسان دارد به نام فکر، فکر واسطه ای است بین حافظه کوتاه مدت و بلند مدت. ملا هادی می گوید: «حرکت من المبادی، و من المبادی الی المراد»

می دادند که می توانست محاسبات ریاضیات چهار عمل اصلی را انجام بدهد. مرحله بعدی، ظهور کامپیوترها بود. ظهور کامپیوترها چشم عظیم در محاسبات بود. به عبارتی پردازشهای سریعی که می توانست برنامه های کامپیوترها که به صورت الگوریتمهای از قبل تعیین شده، برنامه هایی را اجرا و بعد چاپ می کرد. در مرحله بعدی، واژه های به اسم هوش مصنوعی مطرح شد. برنامه های هوشمندی که رفتار هوشمند را با استفاده از دانش و نه اطلاعات، یعنی اطلاعات را به دانش تبدیل کند. کار هوش مصنوعی این بود که این کار را بکند و دانش را به صورت سمبل و نماد دربیورد. البته پایه های هوش مصنوعی، تلاش ریاضی دان های بزرگی مثل گودر، چرچ، راسل، و تورینگ بود که هنوز هم مسائل تورینگ در دانشگاهها و کتابهای الگوریتمی مطرح است. ماشین تورینگ، توسط خودش در ۱۹۵۰ اختراع شد و یک پردازشگر ساده بود که اعداد را می توانست به سمبل و نماد تبدیل کند و این بسیار مهم بود. به عبارت دیگر، پایه های هوش مصنوعی که از مغز انسان تقلید می کند، منطق است. تا زمانی که منطق نمادین نشده بود امکان ایجاد هوش مصنوعی هم بود. کار ماشین تورینگ این بود که اعداد را می گرفت و با سمبلها ترکیب می کرد و یکسری کارها را انجام می داد. بعد هم تورینگ تست بود که هنوز هم یک مقدار از آن استفاده می شود و کارش این است که هوش ماشین را با هوش انسان مقایسه می کند. یعنی یک کار را به ماشین می دهد انجام بدهد و با هوش انسان مقایسه می کند به نام تورینگ تست. واژه هوش مصنوعی توسط جان مکرتی مطرح شد. مکرتی با پشتیبانی IBM یک دیدگاه خوشبینانه مطرح کرد و گفت می خواهیم عملیات مغز انسانها را که خیلی مهم است، بفهمیم. من زمانی که می خواستم هوش مصنوعی را می خواستم خوب بفهمم، ۳-۴ سال همه کارهایم را کنار گذاشته و فقط روی مغز کار کردم که ببینم چه چیزی در مغز می گذرد. واقعاً مسائل ناشناخته ای در مغز وجود دارد که انسان حیرت می کند. مکرتی سال ۱۹۵۶ گفت می خواهیم کاری کنیم که ظرف ۲۵ سال در حالی که همه کارها را کامپیوتر می کنند، انسانها مشغول گذران اوقات فراغت و تفریح خودشان باشند. این ادعا خیلی عجیب بود. اما اکنون که این نظر مکرتی را بررسی می کند، متوجه می شود خیلی خوشبینانه بوده است. اگرچه هوش مصنوعی در همه زمینهها گسترش عظیمی داشته ولی این ادعا خیلی بزرگ بوده اگرچه هوش مصنوعی تحولات بزرگی را هم ایجاد کرده است. روند مسائل هوش مصنوعی از تحقیقات و تولید پروتوتایپها شروع شد و علی القاعده تحقیقات آن زمان متمرکز روی دانشگاههای بزرگ مثل استنفورد و تورنتو بود. یعنی دانشگاههایی که روی مسائل کامپیوتر و غیره حرف برای گفتن داشتند. اینها پروتوتایپ سازی می کردند. البته امروزه اینگونه نیست. در دنیای غرب، تحقیقات فقط از طریق دانشگاهها نیست.

خیلی جالب بود. معتقد بود که پزشکی مدرن، پزشکی هوش مصنوعی محور است. هوش مصنوعی، در حال بلعیدن همه جهان و انسانها است. مثلاً در بخش‌هایی مثل پزشکی، هم طراز پزشکان عمل می‌کند و در بخش‌هایی هم بسیار بهتر از پزشکان عمل می‌کند. پزشکان برای کار آینده خود باید فکری کنند. مثلاً در ساخت واکسن کرونا، هوش مصنوعی یاد گیرنده، یعنی آنچه بر اساس بیگ لرنینگ است، بسیاری از مشکلات را حل کرد و زمان را خرید. تولید واکسن ۵-۶ سال طول می‌کشد ولی هوش مصنوعی آن را به ۸-۹ ماه کشاند. این بسیار جالب است. برای اطلاعات بیشتر MIT review را مطالعه کنید گزارش بسیار جالبی دارد.

مطالعات نشان داده هوش مصنوعی یاد گیرنده برای خواندن، و فهمیدن تصاویر آسیب شناسی اکنون قادر است با دقت ۹۷ درصد همه سرطان‌های ریه را بهتر از پزشک تشخیص دهد. یا هوش مصنوعی در خواندن و اسکن رایدولوژی تا ۱۱ درصد از پزشکان بهتر عمل می‌کند. یا ترکیبی از محققان در دانشگاه MIT و شرکت IBM با استفاده از هوش مصنوعی، اخیراً در سیستم واتسال که سیستم معروفی در هوش مصنوعی است، از این فناوری در موارد مختلف، از قبیل شناسایی مبتلایان به کووید ۱۹- که در معرض ریسک هستند، مثلاً بیماری قلبی و یا دیابت و غیره دارند، طراحی پروتئین‌ها برای جلوگیری از پیوند ویروس‌ها با سلول‌های انسانی، آزمون اثر بخشی ماسک‌های صورت، پیش‌بینی تاثیر داروهای موجود برای مبارزه موثر با ویروس، برنامه‌ریزی برای تهیه واکسن‌ها و حتی قرص‌ها کرونا، را هوش مصنوعی دارد عمل می‌کند. مثلاً در یک زمینه حرفه‌ای ۳۰ ساله، یک پزشک با تجربه می‌تواند هزاران بیمار را ویزیت کرده و صدها مقاله بخواند که به روز باشد. اما یک برنامه ساده هوش مصنوعی، با کدینگ در بستر پایتون، داده میلیونها بیمار را بگیرد، صدها هزار مقاله را ظرف چند دقیقه، بخواند، تحلیل کند و نتیجه را ارائه نماید. در پرواز هواپیماها، بازار سهام، صنایع کوچک و بزرگ، سیستم‌های اتوماتیک، بر همه اینها، هوش مصنوعی تسلط دارد. هوش مصنوعی قهرمان شطرنج جهان را شکست دارد. صنایع نظامی مدرن، همه بر محور هوش مصنوعی هستند. مخلص کلام، اینکه هوش مصنوعی در تئوری و عمل، می‌تواند کارهای تحلیلی بسیار پیچیده را بهتر از انسان انجام دهد. هرچه موضوع پیچیده‌تر، مزیت‌های هوش مصنوعی بارزتر. حتی در مسائل فقه، اصول، این مساله الان مطرح است. کار یک فقیه این است که جامع المقدمات و معالم و غیره را می‌خواند و به حدی می‌رسد که بحث خارج بخواند. ۸-۷ سال هم ممکن است طول بکشد. کار یک فقیه این است که براساس قرآن و سنت و اجماع و عقل، استنباط و حکم کند. قرآن یک کتاب است، احادیث همگی کتاب است، علم رجال در کتب است. البته یکسری

یعنی فکر می‌بیند در حافظه کوتاه مدت چه چیزهایی هست، بعد به حافظه بلند مدت رفته ببیند چه دانشی در اینجا وجود دارد، بعد هم اگر قاعده وجود دارد، پاسخ سوال را پیدا می‌کند. اگر پاسخ سوال را پیدا نکند، می‌گوید روی آن باید فکر و قاعده سازی کرد. همین موضوع را برای هوش مصنوعی هم کپی کرده‌اند. به عبارت دیگر در هوش مصنوعی سه ماژول مجزا علیرغم سیستم‌های الگوریتمی که در هم است، وجود دارد و اینها کاملاً مستقل از هم هستند. اما کاملاً ربط و ارتباط با هم دارند. اول حافظه کاری است. دوم پایگاه دانش است. بعد هم موتور جستجو است. مثلاً انسان ممکن است سردرد داشته باشد در دو روز آخر ماه و این موضوع از تارهایی که جلوی چشم می‌آیند و قوی می‌شوند و سپس سردرد حمله می‌کند شروع می‌شود و بعد حالت تهوع و بی‌حوصلگی به من دست می‌دهد. به دکتر مراجعه می‌کند و دکتر می‌گوید اگر زمانی که پرپود می‌شوید این حالت به شما دست می‌دهد، ممکن است شما میگرن دارید. دکتر این حرف را براساس دانش خود می‌گوید. شما می‌توانید همین ویژگی‌ها را به ماشین بگویید و موتور جست و جو برای شما آن را پیدا کند که چه میزان سردرد وجود دارد. یک مکانیزمی که در هوش مصنوعی است، چون از انسان تقلید می‌کند و در سیستم‌های الگوریتمی کمتر است عبارت از مکانیزم توضیح است. مکانیزم توضیح در غرب اینطور است که اگر یک بیمار به دکتر مراجعه کند و دکتر بگوید که شما این بیماری را دارید، بیمار می‌تواند سوال کند که چرا این حرف را می‌زنید؟ در آنجا طبق قوانین دکتر مجبور است همه موارد تشخیصش را به بیمار بگوید. هوش مصنوعی هم در دنیای امروز همینطور است. یعنی هر سوالی که دارید را توضیح می‌دهد. امروز دنیا، دنیای اطلاعات است. هوش مصنوعی را می‌توان به سه دسته مختلف تقسیم کرد. ۱- هوش مصنوعی سنتی: خبره محور بود. یعنی نظرات خبره را می‌گرفت و کد می‌کرد و ماشین را جای خبره می‌نشانده. ۲- هوش مصنوعی داده محور: در بستر مدلسازی داده و امروزه در بستر بیگ دیتا عمل می‌کند. بیگ دیتا را که به نظر من، اگر مدلسازی نشود به درد نمی‌خورد. دیتا باید به مدل باید تبدیل شود که براساس آن به صورت بتوان تصمیم‌گیری کرد. ۳- هوش مصنوعی تلفیقی: از خبره و دیتا است و امروزه خبره، فقط فیزیکی نیست. بسیاری از برنامه‌های هوش مصنوعی، خودشان سیستم‌های خبره هستند که می‌توانند عملی انجام بدهند. امروزه حوزه نفوذ هوش مصنوعی، مسائل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره است و حتی بسیاری از فناوری‌های مدرن بدون هوش مصنوعی اصلاً امکان فعالیت ندارند. مثلاً پزشکی، یک شاخه‌ای است که به شدت تحت تاثیر هوش مصنوعی است. من با چند پزشک خبره صحبت کردم و دیدم آنها خودشان یک پایه از هوش مصنوعی هستند. یعنی عملاً یک پزشک بسیاری از مسائل هوش مصنوعی را از من بهتر می‌دانست، این برای من

به انسان هویت و احساس موفقیت و کرامت و شان و احساس مفید بودن می‌دهد، وقتی بیکار می‌شود، اهدافش را گم می‌کند. یا امکان دارد بگوییم انسانها به سمت فراغت بیشتر و مطالعات بیشتر خواهد رفت. اما فراغت بیشتر، مهارت شغلی را از بین می‌برد. وقتی فراغت فرد بیشتر باشد دیگر مهارت شغلی را بالا نخواهید برد. مک اوان اینطور مطرح می‌کند: «هوش مصنوعی امکان دارد انسان را برده زمان کند، امکان دارد که یک رنسانس عمومی پدیده آید، آزادی عشق ورزشی، دوستی فلسفه، هنر، طبیعت پرستی، ورزش و سرگرمی، بوجود آید، اما در کنارش جرایم خشن آنلاین هم بوجود خواهد آمد، مثل مشمت زنی‌های در رینگ مجازی، پرنوگرافی مجازی، قمار برخط، روی آوردن به مواد مخدر، مشروبات الکلی، بی حوصلگی و افسردگی» البته معتقدم هوش مصنوعی، ممکن است شغل‌های زیادی تولید کند. کاهش اشتغال یک مشکل عظیم است. اما حتی اگر بتوان این معضل را حل کرد، هوش مصنوعی ما را با مشکل بزرگتری مواجه می‌کند. آن هم این است که با گسترش هوش مصنوعی، این فناوری امکان دارد از کنترل خارج شود. ما دو نوع هوش مصنوعی داریم، یکی هوش مصنوعی ضعیف، دیگری هوش مصنوعی قوی. در هوش مصنوعی ضعیف، یک ماشین یا کامپیوتر برای تکمیل کار مثل عمل جراحی برنامه‌ریزی می‌شود و این کار را به نحو احسن انجام می‌دهد. مثلاً تومور را از بدن انسان خارج می‌کند. اما هوش مصنوعی قوی، خلاقانه فکر می‌کند، قضاوت کرده و تصمیم می‌گیرد، یعنی جهش در ظرفیت شناختی، یک پدیده بنیادین و اساسی در هوش مصنوعی است و تئوری فازی در این زمینه بسیار تاثیرگذار است.

مثلاً یک بازی به نام بازی تخته گرد داریم که حرکت‌های زیادی دارد. یعنی حرکت‌های این بازی به اندازه اتم‌های کره زمین است. برنامه آلفاگو که توسط گوگل تولید شد، در ماه مارس ۲۰۱۶، لیسدون قهرمان جهان در برد گیم را شکست داد و در ماه مارس ۲۰۱۷ آلفاگوزیرو تولید شد که صد بار آلفاگو را شکست داد. در سال ۲۰۲۰ برنامه هوش مصنوعی، فقط با مشاهده ۱۰۰ها بازی در یک بار، این بازی‌ها را یاد گرفت و تمام آنها را شکست داد. این قدرتمندی هوش مصنوعی از هوش و خلاقیت انسان سرچشمه می‌گیرد. اما اگر برنامه‌های هوش مصنوعی فقط در تقلید انسان متوقف می‌شد می‌گفتیم انسانها آن را کنترل می‌کنند، ولی مساله این است که در آینده آنها بسیار عمیق‌تر از انسانها فکر کرده و سریعتر از انسانها عمل می‌کنند. در نظر بگیرید، امروزه کامپیوترها بدون درک محتوا متون را خوانده، ترجمه می‌کنند به زبانهای مختلف، حالا اگر محتوا را فهمیده و آنالیز کنند و براساس این آنالیز عمل کنند، مشکل ایجاد خواهد شد. به عبارت دیگر، بسیاری از دانشمندان معتقدند در نهایت انسان است که کامپیوتر را روشن و یا خاموش می‌کند و اگر

اجماع و عقل را قبول ندارند که در فقه مدرن آن را آورده‌اند. ما امروزه، به راحتی می‌توانیم تکست را ماشین اسکن کند، آیات و احکام را دسته بندی کند، تمام احادیث را دسته بندی کند و براساس علم رجال احادیث غیرموقوق را از موقوق جدا کند و براساس اینها حکم صادر کند. حتی احکام محدثه را اعلام کند. در آینده ما شاهد خواهیم بود خیلی از انسانها، به جای مراجعه به فقیه، به هوش مصنوعی مراجعه کنند.

مک ایوان، الان در اثر بدیع خودش به نام «ماشین‌هایی مثل من»، حتی اعلام می‌کند، هوش مصنوعی امروزه قادر است بهترین داستانها را بهتر از هر نویسنده‌ای بنویسد، یا بهترین اشعار را بگوید. یا ام آی کی ریویو، نشان داده که هوش مصنوعی توانسته بین ۳۲-۵۰ میلیون نفر را کمک کند که از انتقال ویروس به همدیگر جلوگیری کنند. علی القاده هوش مصنوعی، دارای یکسری مسائل و چالش است که باید به طریقی با آنها بسازیم. اولین چالش انسانی و اخلاقی درباره هوش مصنوعی این است که بسیار شبیه سایر نرم افزارها، به ابزار کنترل تبدیل می‌شود و انسانها خیلی دوست ندارند کنترل شوند، دوست ندارند دیگران بدانند که چه می‌خورند یا چه کار می‌کنند. دومین چالش، این است که هوش مصنوعی به دلیل اینکه بهره وری را به شدت افزایش می‌دهد، سریعاً برنامه‌های هوش مصنوعی جایگزین یقه آبی‌ها و یقه سفیدها خواهند شد و انسانهای بسیاری را بیکار خواهند کرد. هوش مصنوعی اگر بتواند مستندات، موارد و واقعیات و الگوها را به سرعت اسکن کند، دیگر نیازی به وکلا نخواهیم داشت. هوش مصنوعی اگر لوکومتیو، ماشین، هواپیما براند، دیگر نیازی به راننده و لوکومتیو ران نخواهیم داشت. امکان دارد هوش مصنوعی، در کوتاه مدت، اثر ملموسی در این زمینه‌ها نداشته باشد، ولی در آینده بی‌شک، تغییر دهنده زندگی انسانها است. انسانها باید آماده باشند. کرونا، با تمام سختی‌هایش، یک آموزش برای انسانها بود. یکسری البته تئوری‌های توطئه را هم مطرح می‌کنند که من نمی‌دانم، هرچند خودم همیشه نسبت به چین مشکوک بودم و چین را همیشه عامل بحران می‌دانم و اینکار هم از چین بعید نیست. تنها کارگران کارخانه‌ها نیستند که ربات‌ها جایشان را خواهند گرفت، بلکه حسابداران، پزشکان، بازاریابان، و خیلی‌ها را بیکار خواهد کرد. برای همین در اعتصابات اخیر در نیوکاسل، کارگران خودروسازی کردند یک شعر بی‌قافیه سرودند که: «همه نگراند، به زودی بسیاری از ما بار دیگر باید هدف زندگی خود را مجدداً فکر کنیم و در زندگی که برای ما کاری وجود ندارد چه کار باید کنیم» دولت فنلاند روی این مساله در حال فکر است که ۶ ساعت کار در روز و ۴ روز در هفته و برای آینده چه کار باید کرد.

چالش بعدی هوش مصنوعی این است که امکان دارد باعث شود انسانها اهدافشان را گم کنند. به عبارت دیگر، وقتی انسان، کار ندارد، چون کار

خودش کار کند. حالا اگر هوش مصنوعی، بدون آشکار کردن منطق آن، پاسخ بهتری از انسانها به انسانها بدهد چه اتفاقی می‌افتد؟ این اتفاق می‌افتد که انسانها هوش مصنوعی را پرستش خواهند کرد و این مساله بسیار جدی و اساسی است و باید روی آن فکر کرد. در بسیاری از مسائل کاری از دست ما بر نمی‌آید، مثل جهانی شدن، که جلوی آن را نمی‌توانید بگیرید. البته شاید یک راه حل، بازگشت به هوش جمعی انسانها و کنار گذاشتن خود محوری و خود تکوینی باشد.

در پایان، هوش مصنوعی، اخیراً با انقلاب مهندسی زیستی همراه شده که این هم خودش مساله است. یعنی باعث شده انسانها قوی‌تر و سالم‌تر باشند و طول عمر بیشتری داشته باشند. حتی این تکنیک را دارند که رنگ چشم بچه به دنیا نیامده را انتخاب کنند. یا اصلاً دختر یا پسر بودن را انتخاب کنند. این یک واقعیت است. من باید بگویم درست است که هوش مصنوعی این مسائل را دارد ولی در طول تاریخ انسانها به خاطر ویژگی‌هایی غیر از قدرت محاسبات، از قبیل شجاعت، وفاداری، سخاوت، ایمان، عشق، وطن دوستی، ایثار، از خودگذشتی و غیره مورد ستایش قرار گرفته‌اند. اما شاید یکی از عمیق‌ترین پیامدهای سلطه هوش مصنوعی این باشد که به انسانیت و اصالت انسان برگردیم و به آن ارج نهیم. از حوصله شما متشکرم.

هوش مصنوعی بخواهد کار خطرناکی بکند، انسان او را خاموش می‌کند. اما اگر هوش مصنوعی به این امر آگاهی پیدا کند و اجازه ندهد User یا کارشناس او را خاموش کند چه اتفاقی می‌افتد؟ امکان دارد فاجعه به وجود آید. اوایل انقلاب با آقای دکتر شیبانی به یک وزارتخانه داشتیم می‌رفتیم، تازه اعلام شده بود که گفته بودند خانم‌ها باید حجاب داشته باشند. دکتر شیبانی وارد جایی شد که یک خانم حجاب نداشت. دکتر شیبانی به آن خانم گفت، حجاب بگیرید. ایشان هم پاسخ داد نمی‌خواهم. حالا اگر هوش مصنوعی هم گفت خاموش نمی‌شوم چه باید کرد؟ این مساله را باید در نظر گرفت. یا مثلاً نگاه کنید، چالش بعدی هوش مصنوعی، به چالش کشاندن قضاوت انسانها توسط هوش مصنوعی است. به عبارت دیگر، هوش مصنوعی امروزه به اسم بلک باکس عمل می‌کند. یعنی یک ورودی و یک خروجی دارد که نمی‌دانید در آن چه می‌گذرد. در دوران تسلط هوش مصنوعی چنین خواهد بود.

کیسینجر، این سوال را مطرح می‌کند که آیا توسعه هوش مصنوعی به معنای پایان عصر روشنگری و تسلط انسان است؟ جنبش روشنگری که در قرون ۱۸ شروع و اوج گرفت، تعقل انسان را برتر از خرافات، جزمیت و پرستش کورکورانه قرار داد. امانوئل کانت، روشنگری را ظهور انسان از عدم بلوغ خودتحمیلی نامید و گفت بشریت باید رشد کرده و با عقل

که یکی از مسائل بشر، کنجکاو است، هرچقدر هم قانون بگذاریم، نمی‌توانیم جلوی این خواسته‌ها را بگیریم.

یکی از مشکلاتی که در انسان داریم، این است که پیوندی از غریبه یا فامیل باشد و HLA آن کامل نباشد، ممکن است Reject بخورد. مطالعات اخیر به دنبال این هستند که قلب، ریه و سایر اندام‌ها را از بدن حیوانات به بدن انسان پیوند بزنند. اینها توانسته‌اند از غیر انسان، چنین کاری را بکنند و هنوز هم آن فرد زنده است و زندگی می‌کند.

اما سوال اینجاست که، اگر با دستکاری ژنتیکی ابرنسان ایجاد کنیم یا یک لشگر شبیه به هم درست کنیم، آیا خوب است یا بد؟ کرونا نشان داد اگر یک ویروس بیاید، تفاوت‌های موجود در انسان‌ها باعث می‌شود واکنش‌های متفاوتی در برابر ویروس شکل بگیرد. به طوریکه در مقابل ویروس کرونا یک عده فوت کردند و عده‌ای هم بیماری سخت گرفته و زنده ماندند و یک عده هم سبک رد کردند. این به خاطر فرق کردن ویروس نیست، ویروس همان است بلکه به خاطر تفاوتهاست که اگر یک اتفاقی برای بشر بیفتد، خودش را می‌تواند جمع و جور کند، یک عده زنده بمانند و مواظب باشند نگیرند. البته ممکن است از یک ویروس دیگری برایشان مشکل پیش بیاید. ولی از یک ویروس همه از بین نروند. اینکه دست‌ورزی کنیم همه افراد زیبارو و یا قوی‌هیکل باشند، اولاً دیگر جالب نخواهد بود چون همه یک شکل و یک مدل هستند. اما مهمترین خطر این است که در مقابل مشکلاتی که برایشان پیش می‌آید یک واکنش نشان خواهند داد و ممکن است از بین بروند و کسی دیگر باقی نماند. در نتیجه این دست‌ورزی تا جایی خوب است که بتواند به بشر کمک‌هایی مثل جراحی‌های پیوند اعضا، بکند.

امروزه، ژنتیک و پزشکی به سمت Personalize medicine می‌رود یعنی دارویی مخصوص هر فرد ایجاد کردن. اینکار یعنی، دارویی که بدرد شما می‌خورد، برای من ممکن است مضر باشد. از این روی با توجه به ژنتیک هر فرد می‌توان گفت برای هر فرد چه رژیم غذایی مناسب است، چه ورزشی کند بهتر است، چه داروهایی مضر و چه داروهایی مفید است. چنین مسأله‌ای به ویژه در حوزه سرطان اهمیت دارد، چون داروها گران است، باید تست‌های آن انجام شود و حسب اینکه فرد مشکلاتش چیست، داروهای مخصوص استفاده شود که زمان خریداری شود و هزینه کمتر شود.

بنابراین، اگر تفاوت نبود، اجدادی در کار نبود و ما همه در حد اجداد و انسانهای اولیه باقی می‌ماندیم. اینکه یک عده تغییراتی کردند و توانستند خودشان را در مقابل سختی‌ها نجات دهند به خاطر تفاوتی که در بدنشان وجود دارد، کسانی که در نیمه شمالی در سوئد هستند، بینی آنها بالاتر است به این خاطر که بهتر بتوانند نفس بکشند. یا موهایشان

نشست بهمن ماه با عنوان:

" اخلاق و مهندسی ژنتیک؛ پیامدهای اخلاقی بی‌نقص سازی "

سخنران:

دکتر سید مسعود هوشمند

سخنران:
دکتر سید مسعود هوشمند
دکترای تخصصی ژنتیک پزشکی
استاد گروه ژنتیک پزشکی پژوهشگاه ملی ژنتیک

دوشنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۴۰۰ ساعت ۱۷
به صورت زنده از شبکه جهانی اینستاگرام

iranethics.ir
Live

نشست بهمن ماه انجمن ایرانی اخلاق در علوم فناوری در سال ۱۴۰۰ با سخنرانی جناب آقای دکتر سید مسعود هوشمند، استاد گروه ژنتیک پزشکی پژوهشگاه ملی ژنتیک انجام شد. در ادامه مشروح نشست ارایه شده است:

بشر دنبال این است که بتواند ژن‌های معیوب را که در بیماران مختلف وجود دارد، با ژن‌های سالم جایگزین کند. کسانی هستند که می‌خواهند ابر انسان یا لشگری از سرباز بی‌نقص برای خودشان داشته باشند. از آنجا

انسان پیوند دهد. دوست دارد هرچقدر هم جلویش را بگیرد، اینکار را ادامه بدهد. در بسیاری از لابراتوارهای مخفی که در کشورهای مختلف وجود دارد، کارهایی از این قبیل انجام می‌دهند. فیلم‌های تخیلی که بشر می‌سازد، همان چیزهایی است که در آینده اتفاق خواهد افتاد. وقتی ژول ورن کتابش را نوشت هیچکس اصلاً زبردربایی را نمی‌شناخت و این تخیل ژول ورن در آن زمان بود. انسان هرچه را فکر کند به آن خواهد رسید. زمانی که من بچه بودم، فیلمی به نام فضا در سال ۱۹۹۹، در این فیلم وسیله‌ای شبیه به موبایل داشتند و تصویر همدیگر را می‌دیدند. برای ما تعجب آور بود. ولی الان مشابه آن موبایل را داریم و استفاده می‌کنیم. یا زمانی فیلم‌های جمیزباند را می‌دیدیم که عکس می‌گیرد و به جاهای مختلف می‌فرستد برایمان تعجب آور بود اما الان هرکس می‌تواند اینکار را بکند. در همین فیلم‌ها هم خطرات زیادی هست و آن هم اینکه همه چیز در کنترل ما نیست. همه چیز آنطور که ما می‌خواهیم پیش خواهد رفت.

خیلی‌ها معتقدند، بسیاری از ویروس‌ها بر اثر کنجکاوای بشر است و به خاطر یک سهل‌انگاری داخل جامعه پخش شده است. بسیاری از ویروس‌های قبلی، را می‌گویند از آفریقا آمده است، علت چیست؟ شاید کسی در آنجا آزمایش انجام داده و گفته یک دهکده ایزوله است ولی به یک باره یک میمون یا حیوانی آنجا آمده و پخش کرده و خیلی‌ها به این ویروس مبتلا شده‌اند. در نتیجه اینکارها مخاطرات بسیاری برای انسان دارد. دو سال است که همه ما روی ویروس کرونا که هنوز منشأ آن مشخص نیست که چگونه پخش شده، حتی اگر دست ساز نباشد و به طور اتفاقی از یک آزمایشگاه پخش شده باشد، توانسته خیلی‌ها را فلج کند. خیلی از کشورها و اقتصادها فلج شدند و زندگی ما را دگرگون کرده است. بنابراین دست ورزی و کار کردن هر چقدر امن باشد، اگر برایش قانون نباشد، در یک چارچوب خاص اتفاق نیفتد، ممکن است کسی ژوراسیک پارک درست کند که در آن حیوانات خطرناک را درست کرده است.

حتماً نباید ژنتیک را دستکاری کرد و از خودمان سوپرمن درست کنیم. چون اگر خودمان مثل همدیگر باشیم، بزرگترین لشکر تاریخ هم داشته باشیم ظرف چند ثانیه بر اثر ویروس از بین خواهد رفت، چون همه شبیه همدیگر هستند. در حالی که اگر شبیه همدیگر نباشند، ممکن است این اتفاق پیش نیاید. همین مساله باعث شد ما کرونا را رد کنیم. بشر وقت گذاشت برای تولید واکسن، داروهای مختلفی هم بیرون آمد، به این خاطر بود که شبیه هم نیستیم و دست ورزی اشتباه‌ترین کاری است که بشر بخواهد انجام بدهد و خیانت است در حق بشریت. اگر تفاوت بین افراد مختلف نباشد، زشتی و زیبایی دیگر معنا نخواهد داشت. یک زندگی

روشن تر است که جذب نور خورشید را داشته باشند. در حالی که هرچقدر به سمت آفریقا برویم، این موضوع برعکس می‌شود. بنابراین تفاوتها هستند که می‌توانند در آینده انسانها را مصون نگه دارد و نژاد بشر را نجات دهد. از هر تفاوتی باید استقبال کرد. خیلی‌ها می‌گویند کسانی که سندرم داون دارند، متفاوت هستند. نظر من این است که این تفاوت خوب است. چون شما هیچ بشری را مثل کسانی که سندرم داون دارند با محبت نمی‌بینید. شاید آنها اصل هستند و ما فرع هستیم. اگر بتوانیم روی مشکلات جسمی این افراد فائق بیاییم، یکی از خصوصیات بسیار خوب آنها مهربانی و لبخند است. شما بچه سندرم داون نمی‌بینید که پرخاشگر باشد یا کسی را اذیت کند. شاید این مسائل را ساده فرض کنیم. چون در جامعه ما ساده بودن یک ایراد است، مهربان بودن عیب است، ولی به نظر من اینها اصل است. شاید این افراد اصل هستند و ما فرع که انقدر بد شده‌ایم. در نتیجه از هر تفاوتی باید استقبال کرد. همه افراد بشر، به نوعی نابغه هستند. فقط باید نبوغ آنها از حالت پنهان، خارج کرد و گسترش داد. اکثر دانشمندانی که به نام هستند، به عنوان کودکان و درس نخوان از مدرسه اخراج می‌شدند. همچون ادیسون و خیلی‌های دیگر، همه می‌گفتند این افراد در آینده هیچی نخواهند شد. باید دید چه نبوغی فرد دارد آن را شکوفا نماییم. خیلی‌ها می‌گویند IQ مهم است، ولی به نظر من IQ همه ما تقریباً در یک سطح است و بعضی‌ها یک مقدار بالاتر یا پایین‌تر هستند، ولی اینطور نیست که فاصله از زمین تا آسمان باشد. فاصله‌ای که در جامعه ما هست، به خاطر عدم برقراری عدالت اجتماعی است. یکی از کسانی که کار نظافت انجام می‌دادند، همیشه چای می‌خورم، یکبار ایشان پرسید چه فرقی بین من و شماست؟ گفتم ممکن بود شما جای من بنشینید و من کار شما را انجام بدهم. حالا شما مجبور بودید خرج خانواده خود را بدهید، نتوانستید درس بخوانید و صد درصد ممکن است از من باهوش‌تر باشید، یا از من شجاعت‌تر باشید. من در یک مسیر افتادم و شما هم در مسیر دیگری، اگر افراد در مسیر خودشان باشند، لازم نیست که دست ورزی کنیم و یک لشکر بسیار قوی درست کنیم. هر فردی را باید قوی کرد که خاصیت خودش را داشته باشد و از او بهترین استفاده را بتوانیم بکنیم. اگر بتوان ذات درونی هر فرد که برای یک کار، بسیار خوب است را تقویت کنیم می‌تواند خیلی موفق‌تر باشد. دست‌ورزی‌ها از زمانی پیش آمد که ما کولونینگ را اختراع کردیم و گفتیم از یک سلول می‌توانیم افراد مشابه بسازیم. بعد گفتند ممکن است این افراد مشکلاتی دیگری داشته باشند. هر دست ورزی، یک قسمت مثبت و یک قسمت منفی دارد. قسمت مثبت این است که کنجکاوای بشر ارضاء شد. بشر همیشه به دنبال این است که کاری کند که پیشرفت داشته باشد مثل اینکه ارگان خوک را به

واکسن و دارو با وجود مشکلاتی که هست، زیاد است. یک زمان وقتی از ژنتیک حرف می‌زدیم، کسی نمی‌شناخت. اما الان از تست PCR صحبت می‌شود. چه مقدار باعث شده از فناوری‌های دیجیتال استفاده کنیم که کمترین آسیب را برساند. ما الان بیشتر از کارت بانکی استفاده می‌کنیم و یا کارها را می‌توانیم از راه دور انجام بدهیم.

اگر ما اخلاق را از جامعه بگیریم، جامعه دیگر چیزی نخواهد داشت. فرقی هم نمی‌کند شما در کجا باشید. تعهدات و اخلاق محقق و دانشمند را وادار می‌کند که کارش را درست انجام بدهد. ممکن است خیلی‌ها در این زمینه اذیت شوند. نباید اینطور فکر کرد که درختی که بار می‌دهد سنگ خورش زیاد است. یعنی کسی که پیشرو هست مشکلاتش زیاد خواهد بود که دلسرد شود. ولی خوشبختانه افراد پوست کلفت هم در ایران زیاد هستند. ما کشوری هستیم که انقلاب و جنگ را دیدیم و مهاجرت برای کسب علم هم زیاد داریم. وقتی بلا بر سر انسان بیاید، انسان آبدیده می‌شود. در مقابل مسائل مختلف ایستادگی انسان بیشتر می‌شود. اگر یاس و ناامیدی از جامعه برداشته شود، جامعه خوبی خواهیم داشت. نگذاریم اخلاق از بین برود، چون پایه تمام علوم اخلاق است. وقتی به کسی استاد می‌گویند، به نظر من استاد کسی است که از راه و روش و منش او دانشجویانش بخواهند استفاده کنند. هر وقت به این مرحله برسیم، استاد هستیم. وگرنه استاد و دانشیار فقط در کاغذ است و کارایی ندارد. اگر اخلاق را پایه کار بگذاریم در هر رشته که هستیم، فایده خواهد داشت در غیر این صورت فایده ندارد.

خسته کننده برای همه خواهد شد. تفاوت‌ها باعث می‌شود در زندگی روحیه وارد شود. از نظر اخلاقی باید قوانینی بگذاریم که به سمت دست ورزی نرویم. دست ورزی زمانی خوب است که در خدمت بشر و درمان بیماری‌ها باشد. اگر بتوانیم علم را به صورت ارزانتر و متحدتر در جامعه با کارهایی که انجام می‌دهیم بیاوریم خیلی خوب است. یک زمان در مرکز طبی کودکان، بسیاری از خانواده‌ها نمی‌دانستند بیماری‌شان چیست. الان بیماری نقص ایمنی را به خوبی قبل از تولد تشخیص می‌دهند و به خانواده‌ها کمک می‌شود و از پاشیده شدن بسیاری از خانواده‌ها جلوگیری شد. خیلی از خانواده‌ها بچه‌شان که بدنیا می‌آید نمی‌دانستند نقص ایمنی دارد و با اولین واکسنی که می‌زدند بچه فوت می‌کرد. از این امر جلوگیری شده و از تمام همکارانم در آنجا تشکر می‌کنم و هر روز بهتر می‌شوند. پیوند مغز و استخوان برای بسیاری از بیماری‌ها در ایران استفاده می‌شود که می‌تواند کمک کننده باشد. اگر امکانات را خوب بدهند، از انیمال مدل‌های مختلف برای درست کردن ارگانهایی که برای بیماری‌های مختلف است استفاده شود. اما اینکار باید قانونمند باشد. شما اگر بهترین ماشین را هم داشته باشید، ممکن است از آن درست استفاده نکنید. ماشین برای این ساخته شده که انسانها را ایمن کند و اگر پیچ خطرناکی بر سر راه انسان قرار گرفت، پیچ را بدون زدن صدمه به خود یا دیگری رد کنند. هر تکنولوژی ابتدا باید فرهنگ استفاده از آن بیاید. رمزارزها خوب هستند اگر یک کاری را بلد نباشیم و وارد شویم ممکن است اذیت شویم. کرونا نشان داد، قابلیت کشور ما برای درست کردن

جامعه. در واقع علم اقتصاد را از علوم اجتماعی جدا کرد و در همان زمانی که آدم اسمیت به این چارچوب فکری رسید که برای نظم اقتصادی احتیاجی به اخلاق نداریم، و منفعت شخصی کفایت می‌کند، جامعه شناسانی مثل دورکیم نشان دادند در دنیای مدرن به اخلاق جدید احتیاج داریم و اگر در دنیای قدیم تعاملات فردی و آیین های دین باورانه نیازهای جمعی را تامین می‌کرده است. برای همین ما به انجمن‌های صنفی اخلاق احتیاج داریم که زندگی جمعی دچار از هم گسیختگی نشود و نظم اجتماعی یا هنجارهای زندگی جمعی باقی بماند. در غیر این صورت، جامعه بشری با یک آنمی روبرو می‌شود. این تفکر آدم اسمیت، در سایر اقتصاد دان‌ها ادامه پیدا کرد و آنها هم به گروه‌های مختلف تقسیم بندی می‌شدند. اما هیچکدام از آنها، حتی آنهایی که وضعیت موجود را مثل مارکس، ریکادو و کینز، دنیای ایده آل یا نظم یافته نمی‌دیدند و معتقد بودند دنیای امروز پر از بحران است. ولی راه حل آن را راه حل اخلاقی می‌دانستند و معتقد بودند آنچه ممکن است بشر را از بحران نجات بدهد، تغییر سیستم بازار آزاد به این سمت که دولت بتواند به نمایندگی از آن نظم را ایجاد کند و مشکلات اقتصادی را حل کند. این تفکر که ما برای نظم اقتصادی، احتیاجی به اخلاق نداریم، تا دهه ۱۹۹۰ میلادی در اقتصاد، به عنوان جریان اصلی شناخته شده بود و طی چند دهه اخیر، نیاز به اخلاق در علم اقتصاد به وجود آمده به خاطر تغییر نگاهی که نسبت به چگونگی کارکرد اقتصاد وجود دارد.

آدم اسمیت، روابط اقتصادی را خیلی ساده در نظر می‌گرفت. سادگی مبادلات و اقتصاد را بعدها اقتصاددان‌ها زیر سوال بردند و دیدگاه دیگری مطرح کردند. این دیدگاه به این شکل بود، آدم اسمیت می‌گفت معاملاتی که انجام می‌دهید، مثل وقتی که به قصاب مراجعه می‌کنید، قصاب به این خاطر که بتواند پول بیشتری بدست بیاورد به خاطر سود شخصی خود، کالای مورد نیاز شما از نقاط مختلف فراهم کرده و در اختیار مشتری قرار می‌دهد. اینجا هیچ چیزی جز منافع شخصی را دنبال نمی‌کند. بنابراین اگر مشتری بتواند سود لازم را به قصاب بدهد، کالای مورد نیاز خودش را می‌تواند دریافت کند. در دهه ۱۹۹۰ اقتصاددان‌ها گفتند این خیلی بخش محدودی از معاملاتی است که انجام می‌دهیم. معاملات دنیای واقعی پیچیده‌تر هستند. این پیچیدگی باعث می‌شود بدون اخلاق و فقط به خاطر منافع شخصی، نتوانیم نیازهای عمومی و فردی خود را تامین کنیم. مثلاً وقتی به بانک مراجعه می‌کنید برای دریافت تسهیلات، بانک براساس فقط اینکه شما چه قیمتی را پرداخت می‌کنید در اختیار شما تسهیلات بگذارد یا نگذارد. یعنی وقتی به قصاب مراجعه کنید و قیمت بالاتری بدهید، او تشویق می‌شود کالای مورد نیاز شما را تهیه کند. اگر کالا در نزدیکی شما کم باشد، به تدریج مجبور

نشست اسفند ماه با عنوان :

" راه حل اخلاقی برای سه بحران فقر، بیکاری و تخریب محیط زیست "

سخنران:

دکتر احمد میدری

The poster features a blue background with a globe in the center. At the top, there is a logo in Persian script. The main title is written in Persian: "راه حل اخلاقی برای سه بحران فقر، بیکاری و تخریب محیط زیست". Below the title is a portrait of Dr. Ahmad Midrī. Underneath the portrait, his name and affiliation are listed: "دکتر احمد میدری اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز". The date and time of the event are provided: "دوشنبه ۹ اسفندماه ۱۴۰۰ ساعت ۱۷:۰۰". The location is "به صورت زنده از شبکه جهانی اینستاگرام". The website "iranethics.ir" is also mentioned. The poster includes decorative elements like a yellow pencil and a red outline.

نشست اسفند ماه انجمن ایرانی اخلاق در علوم فناوری در سال ۱۴۰۰ با سخنرانی جناب آقای دکتر احمد میدری، اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز انجام شد. در ادامه مشروح نشست ارائه شده است:

از پیدایش علم اقتصاد که به آدم اسمیت نسبت داده می‌شود، یک بی‌نیازی نسبت به اخلاق در علم اقتصاد بوجود آمد. به این معنی که وقتی انسانها منافع شخصی خود را دنبال می‌کنند و هدفی به جز منافع فردی ندارند، می‌توانند منافع همگانی را تامین کنند و از این نظر احتیاجی نیست که یک زندگی سعادتمند را داشته باشیم چه در فرد و

روبرو هستیم. از دولتها انتظار داریم به عنوان نماینده نسل آینده و منافع ما جلوی این کار را بگیرند. اما عده‌ای اخلاق مدار، افرادی که شاید کمتر از افراد دیگر در معرض تخریب محیط زیست بوده‌اند، جنبش‌های حفظ محیط زیست را ایجاد کردند. اعتراضات مختلف کردند، فیلم ساختند و کتاب نوشتند و به همه مردم هشدار دادند که اگر این روند را بشر بخواهد ادامه بدهد، اکوسیستم و جو زمین نابود خواهد شد. کسانی که حاضرند برای حفظ محیط زیست دست به اقدام بزنند، برای منافع شخصی خودشان نیست. به خاطر منافع نسل‌های بعد شاید باشد، اما این افراد بیش از آنکه منفعت ببرند هزینه می‌دهند. این اخلاق مداری که طرفداران محیط زیست ایجاد کردند، یکی از عواملی است که باعث شده، دولتها تغییر رفتار بدهند. درست است که دولتها در پاریس یا پیمان کیوتو جمع می‌شوند و توافق می‌کنند باید محیط زیست سالمی داشته باشیم اما در واقع اقدامی که انجام می‌دهند، در پرتو یک جنبش محیط زیستی بوده که انسانهای اخلاق مدار ایجاد کردند. در غیر این صورت اخلاق حکم می‌کرده هرکدام از ما به تنهایی سر در لاک زندگی شخصی خود داشته باشیم و محیط زیست را حفظ نکنیم و تخریب آن را افزایش دهیم. اگر به مساله فقر نگاه کنید، آن چیزی که می‌تواند جهان را از فقر و نابرابری نجات دهد و ما دنیای بهتری داشته باشیم، احتیاج به یکسری جنبش‌های ضد فقر است که بتواند دولتها و شرکت‌های بزرگ را به تغییر رفتار وادار کند. بشر علیرغم همه دستاوردهایی که داشته که توانسته با آنها سوءتغذیه را کاهش و سطح آموزش را افزایش بدهد، بی‌خانمانی را کم کند، ولی واقعیت این است که جهان با نابرابری فزاینده روبرو شده که از عواملی است که ثبات اجتماعی و سیاسی را در تمام دنیا تغییر داده است. آنچه امروز تحت عنوان پوپولیست همه کشورهای دنیا از جمله آمریکا و اتریش با درآمد سرانه بسیار بالا با آن روبرو هستند، زاینده نابرابری زیاد است. وقتی نابرابری در اقتصادها افزایش پیدا می‌کند، به طور مثال براساس بررسی‌های موسسه آکستون، امروزه ۸ خانواده در جهان ثروتی برابر با ۵۰ درصد جمعیت جهان دارند. این رقم در حدود ۱۵ سال قبل ۳۸۸ خانواده بود که ۵۰ درصد ثروت جهان را داشتند. در آمریکا که دولت مالیات زیادی می‌گرفته و برای نابرابری اقداماتی را انجام می‌داده، خانواده‌ها و الوارد به اندازه ۴۰ درصد مردم آمریکا ثروت دارد. این نابرابری در کشورهایی است که به خاطر سیستم مالیاتی توانسته‌اند نابرابری را کاهش دهند. در کشورهایی مثل ایران، این میزان نابرابری به شدت بیشتر وجود دارد. پیامد این نابرابری، یک یأس فراگیر است که داخل نظم اجتماعی که زندگی می‌کنیم، نمی‌تواند نیازهای اولیه ما را تامین کند و به همین علت، با شورش‌های اجتماعی مختلف روبرو هستیم. مردم یکباره به فردی نام ترامپ رای می‌دهند، هرچند خودش از

هستید قیمت بیشتر بپردازید چون برای دریافت آن کالا مجبور هستید به فروشگاه‌های مرکز شهر بروید. اگر فروشنده‌ای نزدیک شما باشد قیمت بالاتری می‌پردازید و کالای خود را می‌خرید. آنچه که اینجا هماهنگ می‌کند، صرف تغییرات قیمت است. ولی وقتی سیستم بانکی مراجعه کنید، سیستم بانکی نگاه نمی‌کند شما چقدر حاضر به پرداخت نرخ سود بیشتر هستید. چون مهم این است که شما در آینده قدرت بازپرداخت خواهید داشت یا خیر. وقتی قدرت بازپرداخت نداشته باشید، هر نرخ سودی که بدهید، بانک حاضر به پرداخت تسهیلات نخواهد بود. بانک باید از کیفیت و صلاحیت ما در طول زمان آشنا باشد. یا مثلاً یک فردی قرار است برای شما واحد مسکونی بسازد، اگر صلاحیت لازم را نداشته باشد، شما با او قرارداد نخواهید بست. وقتی به پزشک مراجعه می‌کنید که ببینید این فرد صلاحیت لازم را دارد یا نه، به نکات مهمی باید توجه کنید. اینجا یک شکاف اطلاعاتی بین پزشک و بیمار وجود دارد. پزشک به روش‌های مختلف می‌تواند از بیمار سوءاستفاده کند. شما مثلاً به یک دندانپزشک مراجعه می‌کنید که ایشان می‌تواند با تجویز آنتی بیوتیک شما را درمان کند. از طرفی می‌داند که شما اطلاعات لازم را ندارید و جراحی لثه را به شما می‌تواند توصیه کند. اینجا چه امری باعث می‌شود رفتار غیراخلاقی نکند و به خاطر سود شخصی منافع شما را زیر پا نگذارد؟ اینجا منفعت شخصی، علیه طرف مقابل عمل می‌کند. اگر شما وضعیت حاد داشته باشید امکان مراجعه به دیگر پزشکان وجود ندارد. کارهایی که در طول زندگی انجام می‌دهیم بیشتر از نوع رفتار یک پزشک با یک بیمار است. معلمان حقوق برابر می‌گیرند، ولی اینکه یک معلم به خوبی درس بدهد، بستگی دارد به اینکه معلم چقدر به اخلاق پایبند است. البته به نظارت خانواده‌ها روی دانش آموز و یکسری مسائل غیر از اخلاق هم بستگی دارد. ولی چیزی که باعث می‌شود فرصت طلبی‌ها را در دنیای واقع محدود کنیم این است که یکی از عوامل اصلی، میزان پایبندی به اخلاق است. اما آیا مشکلاتی که بشر امروز با آن دست و پنجه نرم می‌کند، راه حل اخلاقی دارد یا رفتارهای غیر اخلاقی منجر به مشکلات دنیای امروز شده است؟ پاسخ برخی از اقتصاددان‌ها که یکی از آنها را بررسی کردم، مثبت است. سه بحران است که منشأ غیر اخلاقی دارد که به کمک اخلاق یا باید در کنار سایر تدابیری که می‌اندیشیم، از اخلاق کمک بگیریم که این بحرانها را حل کنیم. ۱- تخریب محیط زیست ۲- فقر و نابرابری ۳- بیکاری، چرا این بحران‌ها ریشه اخلاقی دارد؟ بحث محیط زیست که همه جا در دنیا و ایران با آن روبرو هستیم، افراد به خاطر منافع شخصی خود، جنگل‌ها را تخریب کردند و بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی برداشت کردند، هوا را آلود می‌کنند، بنابراین با مشکل فراگیر تخریب محیط زیست در دنیا

شکل دهند که در کنار منافع خودشان، منافع اجتماعی دیگران را هم تامین کند. به طور مثال، محمد یونس در فرانسه از شرکتهای بزرگ مثل رنو دعوت می‌کند شعار ملی با عنوان فرانسه بدون فقیر را پیشنهاد می‌کند و می‌گوید کاری کنید فقر کاهش پیدا کند. براساس کاری که محمدیونس با شرکتهای بزرگی مثل رنو و سیلوا که بزرگترین شرکت تولید کننده لنز و عینک در فرانسه است و شرکتهای مواد خوراکی مطرح در فرانسه کرد، نشان دادند از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۰ در فرانسه فقر به شدت کاهش پیدا کرده است ولی از آن سال تا امروز تعداد فقرا در فرانسه ۸ میلیون نفر باقی مانده‌اند. او مطرح کرد که چگونه می‌توان این تعداد را از فقر نجات داد. هرکدام از این شرکتهای مسئولیت قبول کردند به عنوان کاری که می‌تواند جنبه اقتصادی با نرخ سود کمتر داشته باشد یا جامعه جدیدی را هدف قرار دهد، از این طریق فقر را کاهش دهند. به طور مثال، شرکت رنو، برای اینکه بتواند گروه‌های کم درآمدی که نمی‌توانند ماشین خریداری کنند به دنبال راه حل بوده که مثلاً وام‌های طولانی مدت به آنها بدهد. اما در آخر به این راهکار رسید که بسیاری از فقرا در فرانسه ماشین رنو قدیمی دارند ولی هزینه تعمیر ندارند. او هزینه تعمیر را برای گروه‌های فقیر ۵۰ درصد کاهش داد. از نوع مدل ماشین این افراد متوجه سطح درآمدشان می‌شد و از این طریق شبکه تعمیرگاهی مختص افراد فقیر در فرانسه ایجاد کرد. یا شرکت سیلوا عینک‌هایی را برای سالمندان فقیری که به لنز دسترسی ندارند، لنز ارزان قیمت ایجاد کرد. یعنی قیمت لنز را برای فقرا ۹۰ درصد کاهش داد. محمد یونس این اقدام را در سطح دنیا با شرکتهای بزرگ انجام داده و نام آن را هم کسب و کار اجتماعی گذاشته است. درواقع ایده اساسی این است که به شرکتهای و به صاحبان کسب و کار این توجه را بدهیم که می‌توانند به فقرا کمک کنند، زبان هم نبینند، اما هدف اجتماعی بزرگی که ایجاد همبستگی و پیوندهای اجتماعی است را برقرار کنید. این اقدام محمدیونس در دنیای امروز طرفداران بسیاری پیدا کرده چنانکه بانک گرامین او هم که وام بدون وثیقه را ایجاد کرد، در تمام دنیا از جمله ایران، وام‌های زنجیره‌ای را به وجود دارد و این کسب و کار اجتماعی امروزه به عنوان یک ترم مطرح شده است.

بحث بر سر این است که بحران بشر همچون سال ۱۹۲۲ در امریکا، ۱۹۹۷ در شرق آسیا، ۲۰۰۸ در امریکا و خیلی کشورهای دنیا که با سقوط بازار بورس و بانک‌ها روبرو شدند، نشان داد دولتها هرچقدر توانمند باشند، نمی‌توانند بر رفتار انسانها نظارت کنند. بانکداران می‌توانند مثل دندانپزشکان غیر اخلاقی سوءاستفاده کنند و متأسفانه سوءاستفاده گسترده در بخش‌های مالی در دنیا رخ داده است. هرچقدر انتظار داشته باشید دولتها منافع عمومی را بتوانند تامین کنند، واقعیت این است که

کسانی که ثروت نجومی دارد، اما با این شعار که کل سیستم را تغییر می‌دهد و نظام و تمدن جدید خلق می‌کند، انتخاب می‌شود. چیزی که بعد از جنگ جهانی اول، با ظهور فاشیسم روبرو بودیم، همچون هیتلر که با شعار من می‌توانم جهان بهتری را برای آلمان رقم بزنم، به قدرت رسید. درواقع با نابرابری فزاینده‌ای که با فقر گروه‌های مختلف روبرو است و گروه‌های حاشیه‌نشین مختلفی را ایجاد می‌کند، با ظهور حکامی روبرو هستیم که آنها عوامزده و عوامگرایانه، سیاستهایی را به مردم پیشنهاد می‌کنند، تا صندوقهای رای به دست بیاورند. اگر می‌خواهیم این میزان نابرابری حل شود، باید انرژی اجتماعی به وجود بیاید همچنان که برای محیط زیست بوجود آمد تا فقر و نابرابری را در دنیای ما کاهش دهد. این انرژی اجتماعی می‌تواند شرکتهای و دولتها را به تغییر رفتار وادار کند.

ما در دنیا با بیکاری روبرو هستیم، که به دلیل تحولات تکنولوژی به شدت افزایش پیدا کرده است. بحث‌های نظری مختلف در این مورد وجود دارد. یک اقتصاددان و یک فعال اجتماعی به نام محمدیونس، اقدامات عملی انجام داده که بتواند این سه مشکل را که ذکر کردم، براساس اصول اخلاقی آنها را حل کند. کتابی به فارسی ترجمه شده تحت عنوان دنیای بدون سه صفر، که محمد یونس آن را نوشته و اتاق بازرگانی آن را ترجمه کرده است. در این کتاب نکاتی درباره فقر فزاینده و نابرابری فزاینده و تخریب محیط زیست و بیکاری جوانان در دنیا روبرو هستیم، وجود دارد که برایش شواهد کافی می‌آورد و نتیجه راهکار هم این است که تا زمانی که براساس اصول اخلاقی آدم اسمیت روابط اقتصادی را طراحی می‌کنیم، این وضعیت را نمی‌توانیم تغییر بدهیم. این وضعیت به این علت ایجاد شده که تمدن بشری را براساس منفعت شخصی بنا کردیم و تمام کسانی که ثروت‌های نجومی دارند براساس قوانین موجود و اقتصاد رسمی توانسته‌اند به این ثروت دست پیدا کنند.

ما یا مثل پوپولیست‌ها می‌گوییم که این نظم را به هم می‌ریزیم از طریق روش‌های خشونت آمیز، یا با ابتکار عمل دولتها مصادره‌های گسترده انجام داده و این مشکل را حل می‌کنیم یا به دنبال روشی خواهیم بود که افراد را با ترغیب به اصول اخلاقی دگراندیشانه و نودوستانه، بتوانیم رفتار انسانها را تغییر دهیم. محمد یونس دنبال می‌کند که چگونه شرکتهای بزرگ و مردم را ترغیب کنیم در کنار اینکه به منافع شخصی خود می‌اندیشند، به دنبال منافع جمعی و نوع دوستی باشند. نوع دوستی باید بتواند منافع دیگران را به عنوان یک اصل بپذیرد و منافع شخصی را تعدیل کند. برای این کار محمد یونس که بانک تاسیس کرد و، به دلیل روش‌هایی که برای فقرزدایی انتخاب کرد برنده جایزه نوبل ۲۰۰۶ شد، در کشورهای مختلف دعوت کرده از شرکتهای بزرگ که جنبش‌هایی

اخلاقی است و می‌تواند همه انسانها را برای حفظ محیط زیست و کاهش فقر و نابرابری و اینکه بتوانیم بیکاری را از طریق کسب و کارهای اجتماعی کاهش دهیم، فعال کند. محمدیونس فرامین اخلاقی را با شرکتهای بزرگ پیوند داده و از آنها دعوت کرده و در این کار هم فعال بوده است. بسیاری از شرکتهای بزرگ دنیا در امریکا، کانادا، فرانسه، آلمان، ژاپن، به جنبش محمد یونس پیوسته‌اند و این جنبش اخلاقی سوار بر مرکب اقتصاد شده است. شرکتهای اقتصادی که فقط به سود شخصی خود فکر می‌کردند، امروز به حفظ محیط زیست، کاهش فقر و نابرابری و کاهش بیکاری فکر می‌کنند و از این طریق بحرانهای دامن گیر بشری کاهش پیدا کرده است. این یک الگوی نظری و عملی است که در جامعه می‌توان برای حل بحرانها از آن استفاده کنیم.

دولتها در کنترل بر آحاد انسانها ناتوان هستند. تاریخ بشر، در طول ۵۰ سال اخیر نشان داده که هرچقدر دولتها مالیات سبز وضع کردند، جرایم بر تخریب محیط زیست وضع کردند، ما همچنان در حال تخریب محیط زیست هستیم. این نشان می‌دهد، نمی‌توانیم اهرم‌هایی را که تاکنون گفته شده مثل کنترل اجتماعی، کنترل مطبوعات، کنترل دولتی، را هرچند که لازم است، دولت باید بدون شک برای جلوگیری از تخریب محیط زیست، نابرابری، فقر فعال باشند. اما آن چه دولتها را به حرکت وادار می‌کند، رفتار اخلاقی است. یعنی یک عده باید بگویند تخریب محیط زیست بس است و همه باید از محیط زیست مراقبت کنند و اجازه ندهند هموعان ما در چرخه اقتصادی بی رحم نابود شوند. این حرکت،

سخنرانی های انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری در بهار ۱۴۰۱

مقدمه

مجموعه‌ای از معارف اخلاقی در قرآن و حدیث نقل شده، پرسشی که مطرح است این که دین اسلام چه سخنی فراتر از عقلا و جامعه فرادینی در حوزه اخلاق دارد؟ راه کارهای او برای تحقق عینی اخلاق چیست و آموزه‌های اخلاقی دینی دارای چه ویژگی‌هایی است. مهم‌تر ابعاد تعلیم اخلاقی اسلام چیست و چه مرزبندی با اخلاق غیردینی از اخلاق سکولار و غیر سکولار در جوامع مشرق زمین و خاور دور دارد؟

بررسی این پرسش‌ها وقتی اهمیت خود را نشان می‌دهد که بدانیم اولاً اخلاق جایگاه ماقبل دین دارد و سطحی از اخلاقیات مورد پذیرش همه عقلای جهان است. ثانیاً امروز در میان عقلا برای بسیاری از اصول اخلاقی مانند عدالت، کرامت انسان، قوانینی الزامی در جهت صیانت آن وضع کرده و حتی در مثل قاعده زرین (آنچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگران میسند) نیز در همه ملل و ادیان اصلی مورد پذیرش در نظام قضائی است و همچنین اصل احسان که از جامع‌ترین مفاهیم اخلاقی است، بمثابة قاعده مهم اخلاقی مورد تأکید جوامع انسانی قرار گرفته است.

از سوی دیگر تصدیق اخلاق ما قبل دین به این معنا نیست که اخلاق را می‌توان از دین تفکیک کرد، چنانکه برخی مانند سکولاریسم چنین کاری کرده‌اند، بلکه به این معناست که دین با زبان عقلای جهان این اصول را بیان کرده است، حتی می‌توان از فهم خردمندان برای تحکیم و توسعه اخلاق سود جست و یا به زبان مشترک اخلاقی با جهان به گفتگو نشست. وقتی نزاع و جنگی میان مردم جهان رخ می‌دهد، بهترین راه داوری و ارزش‌گذاری اخلاق است. استدلال برای زیبایی و زشتی کاری و فروکاهش دادن نزاع، ارجاع به اصول مشترک اخلاقی مردم جهان است، بلکه معیار و سنجه حدود و قلمرو آن است. تصویب قوانین بین‌المللی در سایه همین اصول مشترک اخلاقی خواهد بود و اجتماعات جهانی با ارجاع دادن به اخلاق مشترک و مورد پذیرش جهان ممکن است.

وانگهی برخی از گزاره‌های دینی را در دستگاه اخلاق مانند اصل عدالت، اصل کرامت، اصل حق اراده انسان را می‌توان در امور دیگر پایه فهم و تفسیر دین قرار داد. یعنی اصل اخلاقی نشان می‌دهد که فهم این فقیه از احکام درست است و یا آن گزاره دینی برای همیشه بیان شده و یا تاریخ مصرف داشته و گفته دینی ناظر به شرایط و احوال دوره خاصی بوده است و یا معنا و مفهوم دیگری هم دارد. احکام زنان در ازدواج و

نشست فروردین ماه با عنوان :

"اخلاق دینی و نسبت آن با ارزش‌ها و ضد ارزش‌های غیردینی"

سخنران:

حجة الاسلام سید محمدعلی ایازی

تاملی مقایسه ای در
نظامات اخلاقی، دینی و فرادینی

سخنران:
حجة الاسلام سید محمد علی ایازی
قرآن پژوه، مجتهد شیعه و استاد دانشگاه آزاد اسلامی

زمان: ۲۲ فروردین ماه ۱۴۰۱
ساعت ۱۷:۰۰
به صورت آف لاین از شبکه جهانی اینستاگرام

@iranethics.ir

توجه: پرسش و پاسخ ساعت ۱۸:۰۰ به صورت آنلاین برگزار خواهد شد

انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری

نشست فروردین ماه انجمن ایرانی اخلاق در علوم فناوری در سال ۱۴۰۱ با سخنرانی جناب آقای حجة الاسلام سید محمدعلی ایازی، قرآن پژوه و مجتهد شیعه و استاد دانشگاه آزاد اسلامی انجام شد. در ادامه مشروح نشست ارایه شده است:

فردی دارد، مانند عبادت، دعا، اخلاص، عفت، حکمت و امیدواری، باز رفتار و منش انسان در پیوند با انسان‌های دیگر است، به طوری که اگر انسان تنهای تنها زندگی کند، بروز این فضیلت‌ها مفهومی نخواهد داشت. در ظاهر پاره‌ای از مفاهیم اخلاقی درباره انسان تنهای تنها، صادق است؛ اما این روشن است که هرچند آدمی فارغ از رابطه با غیر، در آراستن به فضائل و زدودن رذائل تلاش می‌کند و خود ارزش ذاتی دارد؛ برای کسب همین فضائل (همچون پیوند با جهان، معناداری، سپاس‌گذاری، شکیبایی، توکل، عزت نفس و زدودن رذیلت‌های تحقیرکننده او مانند پرُخوری و سَبْک‌مغزی) است؛ اما این رهنمودها، تنها به خود شخص محدود نمی‌شود و خاصیت فردی ندارد، یا شرایط اجتماعی در رفتار اخلاقی او بی‌تأثیر نیست، بلکه می‌تواند آهنگ اجتماعی و عطف به دیگران هم داشته باشد.

ب: مفهوم اخلاق سکولار

اخلاق دنیوی یا سکولار در حقیقت بخشی از پدیده سکولاریسمی (secularism) است که در جوامع سکولاری پدید آمده است.^۱ در نتیجه اخلاق سکولار، جنبه‌ای از فلسفه است که به اخلاقیات جدا از آیین‌های دینی می‌پردازد. این گرایش اخلاقی گمان می‌کند اصول و قواعد اخلاقی را باید تنها بر مبنای حیات این جهان و رفاه اجتماعی و بدون توجه به دین تعیین کرد و دین هیچ‌گونه مرجعیتی در امور اخلاقی ندارد. از دیدگاه اخلاق سکولار، عقل خودبنیاد و علم تجربی تنها مرجع تنظیم رفتارهای انسانی است.

بدون شک اخلاق سکولار در فضایی از تعارض با دین شکل گرفت و محل تولد آن در غرب بود که پس از تفتیش عقاید و دوره رنسانس شکل گرفت. آنان می‌دانستند که انکار اخلاق ناشدنی بود و از طرفی بسیاری از آموزه‌های اخلاقی محصول ادیان و ظرفیت‌سازی بود که دین در بستر اندیشه انسان قرار داده بود. کرامت انسان، منزلت انسان در میان موجودات دیگر و اهمیت عفو و احسان و سپاس‌گزاری اصل انکارناپذیر همه ادیان بوده است. پس وقتی به انکار دین می‌پردازیم باید به فکر تثبیت این دسته از مسائل اخلاق هم باشیم. سکولاریسم می‌خواست این مفاهیم را بدون اعتقاد به دین داشته باشد. دین‌زدایی از اخلاق یا فرایند سکولاریزاسیون اخلاق در غرب در دو مرحله پدید آمد. یکی در مرحله پشتوانه بودن دین برای اخلاق نفی شد

طلاق، شیوه مجازات مجرمان (سنگسار، پرتاب کردن از کوه)، روش اثبات جرم (قسامه، شهادت) نمونه‌ای از این موضوعات است که می‌توان در دستگاه داوری اخلاق، سنجه‌گذاری کرد.

از اخلاق برای فهم موضوعات علم کلام هم می‌توان سود جست. گزاره‌ای کلامی مانند صفات الهی، اوصاف فرستادگان پیامبر، با معیار اخلاقی سنجیده می‌شود. مثل این که گناه آنان با جایگاه آنان سازگاری دارد. جالب این که در زبان قرآن بسیاری از مسائل اعتقادی با استدلال اخلاقی تأیید و یا نقد می‌شود. مثلاً وقتی قرآن در باره شرک سخن می‌گوید، این گونه استدلال می‌کند: «يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» که شرک ظلم بزرگی است. یا وقتی در باره خدا سخن می‌گوید یادآور می‌شود که حاکمیت قسط و عدل بر نظام عالم ساری و جاری است: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (آل عمران / ۱۸)». خودش را نیز با همین معیار عدل و ستم نکردن معرفی کرده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا». (نسا: ۴۰).

بنابراین، برای پاسخ به این پرسش‌ها، لازم که ابعاد تعالیم اخلاقی اسلام شناسائی و بررسی شود. همچنین ظرفیت‌های اخلاقی هردو جریان و قلمرو آن مشخص شود. پیش از بررسی به شناخت دو مفهوم بپردازیم.

۱. مفهوم‌شناسی

مفاهیم اخلاقی بر اساس مبانی شکل گرفته است. در ادیان ابراهیمی منشأ اخلاق وحی و آموزه‌های پیامبران است. البته در شرق و غرب سنت‌های اخلاقی قوی وجود دارد که در آموزه‌های ادیان آنان، مانند بودائی، کنفوسیوس، هندو، برهمن و ده‌ها دین شکل گرفته است، چنانکه در غرب در این چند قرن، همین آموزه‌های اخلاقی در قالب دیگری ریخته شده که به شدت و صراحت بیان شده که جدای از دین است، بسا ضدیتی با دین ندارد، اما بر اساس مبانی دیگری تفسیر و پی‌ریزی شده است.

الف: مفهوم اخلاق دینی

اخلاق وارستگی و آراستگی انسان به فضائل و ارزش‌هایی است که در قالب رفتارهای هنجاری بروز و ظهور دارد. اخلاق دینی، منظور آن دسته از ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی است که از طریق وحی به انسان رسیده و در میان عقلا هم پذیرفته شده است و یا عقلا آن را هم می‌پذیرند، اما منبع آن آموزه دینی و الهی و غیبی است. اخلاق دینی را می‌توان به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم کرد. اما بخش اعظم مسائل اخلاقی قرآن، ناظر به رابطه فرد با انسان‌های دیگر است، حتی در آنجا که جنبه

۱. سکولاریسم به عنوان یک مکتب مبانی و مقدمات نظری خاصی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱/ روحیه علم‌گرایی یا علم‌پرستی. ۲/ عقل‌گرایی عصر روشنگری. ۳/ اومانیزم و اعتقاد به محور بودن انسان در هستی. ۴/ سنت‌ستیزی (anti taradition) و تجددگرایی (modernism) و اعتقاد به آزادی و آزاداندیشی. ۶/ فردگرایی و لیبرالیسم. (۴)

سازگار هم بوده است، اما در مناسبات جدید عقلای عالم، آن را خشونت و خلاف اخلاق می‌شمارند.

۲. ویژگی‌های اخلاق سکولار

تردیدی نیست اخلاق در سکولاریسم که بسا با دینداری منافاتی ندارد، برخاسته از دغدغه‌هایی بوده که خود آنان توضیح داده‌اند، که در جاهائی می‌توان این دغدغه را به حق دانست، چنانکه در بحث آسیب‌شناسی اخلاق دینی مطرح است، اما نسبت اخلاق با سکولاریسم از قبیل اقتصاد و سیاست نیست که بتوان از دین جدایش کرد. در سکولاریسم ویژگی‌هایی مطرح است که نه با اخلاق به معنای جامع آن سازگار است و نه با اهداف اخلاق مناسبت دارد. عدم تناسب را باید در این بخش و ناسازگاری را باید در بحث اخلاق دینی توضیح داد.

(۱) دنیوی بودن: از عناصر مهم اخلاق سکولار قلمرو و محدوده این اخلاق، یعنی این جهانی بودن آن است. از دیدگاه این مکتب آنچه برای انسان ارزش نهایی دارد، همین زندگی دنیایی و رسیدن به سعادت و کسب لذت‌های مادی در آن است. سعادت اخروی یا به طور کلی مورد انکار است و یا آنکه در طرح مسائل اخلاقی دیده نشده است.

اما اشکال این بُعد از نظریه این است که دنیوی بودن غایت اخلاقی ندارد. یا غایت اخلاقی آن محدود خواهد بود. مثلاً کسی که احسان می‌کند، توقع دارد در جایی نتیجه احسان خود را ببیند. کسی که برای تحقق عدالت تلاش می‌کند، اگر خودش فدای دفاع از عدالت و حقوق دیگران می‌شود، وقتی در این دنیا فرصت مواجهه با نتیجه نمی‌شود، انگیزه‌ای برای تلاش و کوشش نخواهد داشت. بی‌گمان عدم اعتقاد به جهانی پس از مرگ دایره نتیجه را محدود کرده است.

(۲) اهمیت آزادی در اخلاق: یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاق سکولار، نسبت آزادی و اخلاق است. در این اخلاق آزادی کمترین قید را دارد. تلاش عمده در این رویکرد از اخلاق این است که حداکثر آزادی برای افراد فراهم آید. اخلاق نباید آزادی‌های انسانی را محدود کند تنها قیدی که برای آزادی وجود دارد، عدم سلب آزادی دیگران است. طبعاً آزادی جنسی چون سلب آزادی دیگران نیست و در راستای لذت‌جویی مطلق است با اخلاق سکولار مطابقت دارد.

دفاع از حقوق و آزادی دیگران امر مطلوبی است. اما هر آزادی منجر به کمال انسانی نمی‌شود. لذت‌جویی مطلق، بنیادش با اخلاق ناسازگار است. وارستگی شخصی با لذت‌جویی ناسازگار است. کسی که همه تلاش خود را برای کسب انواع لذت‌های سبیری‌ناپذیر می‌کند، نمی‌تواند هواها و هوس‌های خود را کنترل کند. به عقلانیت و آینده‌نگری توجه لازم داشته باشد. همه محور زندگی برای خود خودش می‌شود. این گونه است که دروغ و فریب تا جایی که دیگران از آن با خبر نشوند، اشکالی

و این نکته بیان شد که اخلاق بدون دین هم می‌توان داشت و دیگری و در مرحله جلوتر این ایده قوت یافت که اساساً گرایش به دین برای اخلاقی بودن مضر است. بسیاری از کارهای غیراخلاقی جامعه محصول جوامع دینی است. بخشی از ترویج خشونت، جدانگاری‌های اجتماعی و مذهبی میان انسان‌های مخالف عقیده، تبعیض علیه زنان، در دستگاه دینی و جوامع دینی شکل گرفته است. برخی نیز گفته‌اند اخلاق سکولار از این جهت بر اخلاق دینی برتری دارد که اخلاق سکولار راه را بر نسبیت باز می‌گذارد. بر این اساس می‌توان قوانین اخلاقی را با دگرگونی‌هایی که در جهان رخ می‌دهد هم‌نوا ساخت این قابلیت در اخلاق دینی وجود ندارد.

این سخن نیز از سوی طرفداران اخلاق دینی چنین پاسخ داده شده که: اصول و پایه‌های اصلی اخلاق با تغییرات محیط دگرگونی نمی‌یابند، هر چند که چگونگی تحقق بخشیدن به این اصول می‌تواند به زمان و مکان وابسته باشد. این به معنای نفی دینداری نیست. اخلاق را از دین جدا نمی‌کند. بنابراین اگرچه ممکن است مثلاً عدالت و احسان در زمان‌های مختلف مصادیق متفاوتی داشته باشد، اما اصل عدالت و احسان همواره از خوبی اخلاقی برخوردار است.

از سوی دیگر بنابر نظریه‌ای خوبی و بدی ذاتی امر اعتباری است که مجوز برخی تغییرات احکام عقلانی گردد.^۲ مثل برده‌داری. یا شیوه تطبیق عدالت و کرامت در گذر زمان دگرگون شود. امروز کسی تردید ندارد که آداب اخلاقی در حال تغییر است، مثلاً شیوه تربیت در نظام آموزشی و شیوه برخورد با کودکان و یا رفتار با زندانیان و یا حتی چیزی در سطح پائین‌تر از آن، مانند رعایت نکردن نظافت و ریختن آشغال در کوچه و خیابان، که در گذشته بد نبوده، امروز امری قبیح و خلاف حق مردم و ظلم به دیگران و تجاوز از حق محسوب می‌شود. استفاده از ظروف یکدیگر پیش از این بد نبوده و امروز به دلیل آگاهی از انتقال بیماری‌های مسری، قبیح شمرده می‌شود. دیگر کسی تردید ندارد، که مجازات مجرم، به شیوه گذشته مانند از کوه پرتاب کردن مجرم، قطع کردن دست و پای مجرم، در روی زمین و در شهر چرخاندن مجرم، سنگسار کردن مجرم، مجازات علنی و در پیش دیگران، این امور تغییر پیدا کرده و در میان عقلا بماهم عقلا قبیح است، در حالی که پیش از این بد نبوده و عقلا آن را قبیح نمی‌شمردند، بلکه با مناسبات پیشین

^۲ . تفصیل این بحث در مقاله‌ای با عنوان: اعتباری بودن احکام اخلاقی و

حل چالش‌های فقهی دنیای معاصر». از نویسنده در مجله حیات معنوی، شماره ۲، ۱۳۹۸.

بسیاری از حیات انسانی را پیش از تولد تا پس از مرگ در قالب دستورانی پوشش داده است. مطالب و مسائل و مباحثی از اخلاق که در معارف بشری جایگاهی ندارد و به آن توجه نشده حکایت از این واقعیت دارد که اخلاق دینی دایره بسیار زیادی از حیات انسانی را در حوزه فردی و اجتماعی اشغال کرده است. این حوزه‌ها، اعم از روابط اخلاقی بین انسان با خدا، روابط خوب، ثواب و کارهای بد، عقاب، که آن عقاب جزء اخلاقیات محسوب می‌شود؛ یعنی حتی احکام فقهی مانند عبادیات و مقدمات آن مانند (وضو)، نماز و روزه یا احکام ارث، هرچند از فقه محسوب می‌شود، اما وارد اخلاقیات می‌شود. همچنین این معارف از مسائل کلان اخلاقی گرفته تا مسائل جزئی مانند جای دادن یک فرد تازه وارد در مجلس می‌شود.

در قرآن معارف اخلاقی، چنان همراه با موضوعات متنوع و بسیار پرمعنا آمده که نیازمند طبقه‌بندی مستقل است. در یک مطالعه فراگیر در آیات و سوره‌ها، این مفاهیم اخلاق فردی و اجتماعی، چنان درهم تنیده در سوره‌ها است که نیازمند دسته‌بندی کلان در سطح سوره‌ها و موضوعات عام است. کمتر سوره‌ای است که بحثی اخلاقی نداشته باشد. در حوزه اخلاق اجتماعی مثلاً در هفتاد سوره قرآن و بیش از ۲۵۰ آیه، رهنمودهایی مشتمل بر اخلاق اجتماعی آمده است. از سوی دیگر برخی از تعالیم اخلاقی مربوط به پیش از تولد انسان است. به پدر و مادر توصیه‌هایی کرده که چه کارهایی را برای فرزند آینده خود بکنند در تغذیه، نگهداری در دوران بارداری و نام‌گذاری و توجه به ابعاد معنوی چه پیش‌بینی داشته باشند. هدف این دستورها چیزهایی بوده است که سیر و سلوک و هنجار اخلاقی را در انسان به عنوان پایه و کنترل رفتار او قرار دهد. امروز ثابت شده که وراثت و سلامت خانواده تأثیر فراوان در سلوک اخلاقی شخص دارد. در فرهنگ دینی به این موضوع اهمیت داده شده است. همچنین وقتی شخصی می‌میرد، به بازماندگان توصیه‌هایی برای حفظ جسد مرده، یادآوری‌های خوب (استغفار، صدقه) بنمایند. زیرا این رفتار در حفظ و کیان خانواده و اعتماد به نفس و الگوگیری از آنان اثر دارد.

از سوی دیگر قرآن در بردارنده مجموعه‌ای پیونددار و گسترده از عناصر ضروری برای ایجاد نظام اخلاقی است. لذا برای اخلاق دینی، می‌توان نظامی اخلاقی قائل شد که شامل اصولی عام و حاکم است که همه آموزه‌های اخلاقی را به این بخش ارجاع داد، اصولی اخلاقی که مورد توافق همه عقلا هستند و در مقام طبقه‌بندی به تعیین جزئیات، تشخیص مصادیق، اولویت در مقام تراحم و تغییر در مناسبات کمک کرده و به آن استناد داده شود؛ زیرا در قرآن شاهد دسته‌بزرگی از این رهنمودها هستیم که نسبت میان آن‌ها و تعیین معیار راه‌گشا است؛ مانند:

ندارد. خانواده و فرزندان در حاشیه لذت‌جویی و قربانی آن خواهند شد. وانگهی دفاع از این لذت‌جویی با وارستگی اجتماعی هم ناسازگار است. کسی که همواره در پی کسب لذت است، چگونه می‌تواند در تعارض میان منافع شخصی و منافع دیگران عمل کند.

۳) شخصی بودن اخلاق: اخلاق سکولاری، اخلاق را یک امر شخصی به حساب می‌آورد و لذا هیچ کسی حق اظهار نظر درباره رفتار دیگری را ندارد. این مسئله موجب می‌شود که فاعل اخلاقی در مقابل دیگران هیچ احساس شرم و مسئولیتی نکند و یک نوع گمنامی را به وجود می‌آورد که دیگران برای وی ناشناس محسوب می‌گردند. لیکن در اخلاق دینی انسان هم در مقابل خدا و هم در مقابل دیگران مسئول است و حتی دین به ما می‌آموزد که حتی اگر هم رفتارهای ما از چشم دیگران پنهان بماند، از چشم خداوند پوشیده نمی‌ماند. «و قُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِيْرِ اللّٰهِ عَمَلَكُمْ وَ رِسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ وَ سَتْرُوْنَ اِلٰی عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةُ فِیْبَيْنِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ (توبه/۱۰۵) بگو: عمل کنید، خدا و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را خواهند دید و شما به نزد دانای نهان و آشکارا بازگردانده می‌شوید و او از اعمالتان آگاهتان خواهد کرد. همه نسبت به یکدیگر مسئول هستند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَ كَلِمَةُ مَسْئُوْلٍ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۸۴).

شاید مهم‌ترین فلسفه طرح رؤیت اعمال، سنجش و ارزیابی رفتار انسان در همین دنیا و اصلاح آن از سوی خود فرد و جامعه است. بسیاری مواقع ما در عطش کسب مال و قدرت قرار می‌گیریم و توجه به آثار اعمال خود نداریم، اما خبر از این دیدن باعث بیداری و هشباری ما و دیگران می‌گردد. این که دیگران و آن‌هم افراد خاصی که هیچ شائبه تحقیر و توهین ندارند و به تعبیر برخی از روایات مرأت او هستند، زشتی کار و یا خوبی کار را به او بنمایانند، می‌تواند تأثیرگذارتر در رفتار باشد.

۳. ابعاد تعالیم اخلاقی اسلام

تعالیم اخلاقی اسلام هرچند با اصول اخلاقی فردینی در تعارض نیست. اما دارای ویژگی‌هایی است که مرزبندی با اخلاق غیر دینی ایجاد می‌کند. به تعبیر دیگر تفکیک اخلاق از دین ممکن نیست، یا دایره اخلاق محدود به امور اجتماعی، و بلکه منفعت‌طلبانه می‌کند.

این ویژگی‌ها در حوزه اخلاق دینی استقصا نشده و ذکر این موارد به این معنا نیست که ابعاد دیگری وجود ندارد. مبنای انتخاب این امور نکاتی است که از خود آیات قرآن استفاده می‌شود و روشی منقح‌شده هم برای انتخاب آن نبوده و زمینه نقد و بررسی را دارد.

یکم: جامعیت و پوشش مسائل مختلف اخلاقی

منظور این است که یکی از ویژگی‌های اخلاق اسلامی تبیین جامع مفاهیم اخلاقی است. این تعالیم در قرآن به لحاظ کمی و کیفی سطح

جذب و انجذاب و دعوت به خیر است، از این طریق می‌خواهد حافظ و توسعه‌دهنده عدالت باشد. با ذکر اجر و پاداش، ضمانت دینی درست کند، به همین دلیل اگر قرآن بارها به آن توصیه می‌کند: «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ ... يَعْظُمُ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ** (نحل: ۹۰) از باب تذکر و یادآوری برای همان بیان معروف بودن است. **ثانیاً:** از این اصل برای سایر موارد اخلاق سود بجوید.

دوم: اهمیت کارکرد اعتقاد به خدا در اخلاق

در جهان بینی ادیان ابراهیمی به ویژه اسلام و متن مستند آن قرآن، محور پیوند همه این معارف اخلاقی الله است، (این نکته هم از بسامد بالای این کلمه در قرآن، و اصل شمول استفاده می‌شود) بمانند نخ تسبیح که نظام اخلاقی را با همه اعتقادات و تشریحات با هم این حقیقت (الله) وصل می‌کند، پیوندی که از جهتی با خود دارد (گسترده‌گی اسما و صفات او) و از جهتی با همه مفاهیم انسانی، همچون صفت علم، عدالت و حکمت این پیوستگی وجود دارد. زیرا وقتی گفته می‌شود انسان باید در پاسخ به‌خواست و اراده باری تعالی چنین و چنان رفتاری داشته باشد و باید خود را مطابق با اوامر و نواهی شارع تطبیق دهد، هم دین را آموخته‌ایم و هم اخلاق را. بدین معنا می‌توان همه آن مفاهیمی را که صبغه اخلاقی دارند و از گونه دسته اول هستند، به دسته دوم تبدیل کرد و برعکس؛ زیرا اگر این جهان‌بینی قرآنی را در رابطه با احکام و اخلاق پذیرفتیم (که خدا مرکزی است) همه تعالیم، دستورها و رهنمودها بر محور ذات باری تعالی می‌گردد و خداوند در همه جای این تعالیم حضور دارد.

فایده و کارکرد اعتقاد به خدا- که در اخلاق غیر دینی وجود ندارد، جهت‌دهی، انسجام بخشی و معناداری کردن مسائل اخلاقی است. قرآن با طرح مسئله الله محوری به مجموعه این معارف اخلاقی، جهتی خاص و معنادار می‌دهد و از سطح ایجاد انگیزش (الهی شدن) به بیان جهت‌گیری (قصد تقرب) و معنادهی و معناداری (اخلاص) ارتقا می‌دهد. این ویژگی به انسان اخلاقی کمک می‌کند که همواره نشاط لازم را برای رفتار اخلاقی داشته باشد، در برابر سختی‌های آن ایستادگی کند و با موانع مبارزه کند و در نهایت عمل اخلاقی بدون توقع پاداش از دیگران باشد و مهم‌تر از آن کشف نظریه‌ای می‌شود که هویت مستقل از نظام‌های اخلاقی دیگر را پیشنهاد می‌دهد و آن معارف را (با مرکزیت الله) در مقام توصیف و ترسیم نظام اخلاقی می‌کند.

سوم: پشتیبانی الهی در اخلاق دینی

انسان هرچند در سیر حیات معنوی و انسانی خود با زمینه و پشتوانه‌ای قوی از فطرت و گرایش به خوبی و نیکی برخوردار است؛ چون خوبی و بدی را درک می‌کند، به سمت آن تمایل دارد. اما نباید فراموش کرد که

محبت، احترام به دیگران، حُسن خلق، رازداری، امانت‌داری، حفظ شخصیت و حفظ کرامت دیگران، اصلاح بین مردم، وفای به عهد، رفق و مدارا، صلح رحم، همکاری و تعاون، نصیحت و خیرخواهی، عفو و گذشت، فرونشاندن خشم (کظم غیظ)، مهمان‌نوازی، رفع حاجت و همدردی با دیگران، ترویج سلام کردن، عذرپذیری، فروتنی، دفاع از حقوق دیگران، تذکر به‌خوبی و زشتی (امر به معروف و نهی از منکر)، پرهیز از سخن‌چینی، نهی از تجسس در حوزه خصوصی، اجتناب از سوءظن، نداشتن تکلف، منع از اهانت، اذیت، ایجاد تفرقه، غیبت، تهمت، دروغ، خیانت و... در تمام این موارد می‌توان برای این مجموعه اصولی عام قائل شد و گفت این آموزه‌ها گوهری دارند و صدقی، برخی آیات عُرر هستند و برخی غیر عُرر. نظامی که در آن عناصر اصلی و پایه‌ای که پیوند این مجموعه را مشخص می‌کند، برجسته و بطن آن معنایی نهفته، کاویده می‌شوند، که چگونه پیوند با دیگر مجموعه دارد و قابل تسری به اجزای آن است، (بمانند نخ تسبیحی که به همه آن مفاهیم ارتباط برقرار می‌کند).

برخی از آموزه‌های دینی مانند عدالت پایه و مایه دیگر اصول اخلاقی هستند و برخی تابع. به تعبیر دیگر برخی مفاهیم کلیدی هستند و از اصول حاکم بر آن تبعیت می‌کند. به نظر می‌رسد دو مفهوم عدالت و احسان، در مجموع رهنمودهای اخلاقی قرآن، نقش کلیدی دارند و این دو مفهوم، دو اصل بنیادین در نظام قرآن اجتماعی هستند.

معیارهای اصلی و فرعی شدن: شاید بتوان این مسئله را از ویژگی‌های زیر به دست آورد:

- ۱) پربسامدی عنوان در آیات دیگر،
- ۲) شمول موضوع نسبت به موضوعات دیگر،
- ۳) گستردگی عنوان، مثل مفهوم احسان که زیر مجموعه‌های بسیار خواهد داشت.
- ۴) حضور همه‌جانبه در همه عرصه‌ها.
- ۵) تأکید در میان همه عقلا بر موضوع.
- ۶) امکان ارجاع مفاهیم دیگر به آن که سطح و سقف مفاهیم قرآن را تشکیل می‌دهد.

بنابراین، اگر شرع در باره عدالت سخن گفته، اولاً ارشاد به همان درک عقلانی و بیش‌تر در جهت تأکید و اهتمام به آن است و بسا تبیین ابعاد و بیان مصادیق و توجه به جزئیات و خصوصیات است و چون زبان قرآن

^۲. اصطلاح جواهر در غزالی در کتاب جواهرالقرآن بر گرفته شده است و اصطلاح غرر آیات از علامه طباطبائی (المیزان، ج ۱۲، ص ۱۴۱) باز در آثار علامه به عنوان نمونه به المیزان، مراجعه شود: ج ۱۱، ص: ۳۳۵-ج ۱۲، ص: ۹۶-ج ۱۲، ص: ۱۴۳-ج ۱۳، ص: ۷-ج ۱۳، ص: ۲۲۴-ج ۱۴، ص: ۱۱۹.

اخلاقی است، آن را در حوزه عقاید و غیر عقاید بکار برده است. چون واژه استکبار با مشتقات آن، ۴۸ بار در قرآن کریم آمده است. ۴ مورد آن به استکبار ابلیس و بقیه به استکبار انسان اشاره دارد. استکبار، چون در بردارنده مفاهیم خودبزرگ بینی، فخر فروشی و برتری طلبی است، به طور کلی، خلقتی ناپسند و صفتی مذموم و محور مهم انحراف اخلاقی انسان است، به این جهت که ریشه بسیاری از مشکلات انسانی مانند استبداد، جنگ، غارت و رفتارهای غیردینی همین روحیه در اشکال مختلف است.

در بخش اخلاق حسنه صفت عدل و احسان پایه توسعه موضوعات دیگر شده است. به عنوان نمونه قرآن افزون بر بیان خود عدل و قسط مصادیق فراوانی از آن را برشمرده است مثلاً عدالت در حق ثروتمندان، روشن است که مبادا ثروت آنان باعث رانت، قدرت و سوء استفاده شود.

اما در باره فقرا گاهی ایجاد ترحم به فقیر مانع از تحقق عدالت بشود: «یا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدُوا وَ إِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا». (نساء: ۱۳۵). ای کسانی

که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا به زیان پدر و مادر و خویشاوندان شما باشد. اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد، باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است؛ پس از پی هوس نروید که در نتیجه از حق عدول کنید؛ و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. جالب این است که در این آیه برای مجازات و یا تقسیم مال نگوید چون این فقیر است، یا غنی. پس باید به او امتیاز داده شود، خیر مدیرانی که قانون را اجرا می‌کنند، باید به تساوی این قانون را اجرا کنند: «إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا».

اهمیت چنین عدالتی چنان است که حکومت در برابر کار زشتی که کسی انجام می‌دهد، اگر می‌خواهد مقابله کند، این مقابله حداکثر عمل به مثل باشد نه این که وقتی می‌خواهد کیفر دهد، به زن و بچه او هم رحم نکند و یا چون جرمی داشته، خانه و کاشانه او را هم خراب نماید، یا حقوق قانونی او را پایمال کند: «وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَ أَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ». (بقره: ۴۰) زیرا این هم مصداقی از عدالت در مقام اجرا و توجه دادن به اصلی پنهان است.

همین موجود دارای غرائزی هم هست که برای آن گرایش فطری شکننده و گاهی برباد دهنده، و دردسرساز است، مانند شهوت جنسی، غضب، کینه، حرص، طمع و قدرت خواهی که گاه او را از مسیر طبیعی و روال عادی خارج می‌کند و او را آسوده نمی‌گذارد و به سمت زشتی و پلیدی و سقوط و انحطاط و حتی جرم و جنایت سوق می‌دهد. از طرفی چون زندگی با موانع و فراز و نشیب فراوان همراه است که برای رسیدن به کمال با سختی و دشواری مواجه است که برخی ناخواسته و نادانسته است، مانند حوادث طبیعی، طوفان، بیماری‌های واگیر، فقر، جنگ، که عملاً موقعیت و انتخاب درست او را در زندگی لرزان می‌کند و آن خواسته‌ها را با چالش‌هایی از سنخ دیگر به خطر می‌اندازد و معلوم نیست که به چه سرنوشتی مبتلا خواهد شد. در چنین موقعیتی و گاه در شرایط بس خطیری انسان نیازمند پشتیبانی و حمایت و اعتقاد به وجود موجودی است که او را راهنمائی و دستگیری می‌کند. پیام این پشتیبانی دو نکته اساسی است:

۱) انسان در معرض خطا و ضعف است و در نظام الهی انسان نیازمند خویش‌بانی است که بتواند در برابر این تهاجمات گوناگون خودنگهداری و ایستادگی کند.

۲) یکی از مبارزات اصلی انسان در نظام اخلاقی الهی مبارزه با غرور و کبر است. محوریت مبارزه انسان در صفت مذموم خودبرتربینی و کیش شخصیت است، چیزی که موجب غفلت می‌گردد، کشش‌های بیرونی را می‌تواند درهم بشکند، هر کدام می‌تواند آن خواسته طبیعی و بسا آن مقاومت را نابود کند.

از میان آیات هفت‌گانه در باره پشتیبانی، مفهوم «فضل الهی» در آیه ۳۱ سوره نور با وضوح، صراحت و تأکید بیشتری در جهت اهمیت و کارسازی آن فضل در حفظ سلامت و پاک‌ی حیات معنوی بازگو شده است: «وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَّیٰ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَ لَکِنَّ اللَّهَ یُزَكِّیٰ مَنْ یَّشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ؛ و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نمی‌بود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی‌شد؛ ولی خداوند هر کس را بخواهد پاک می‌دارد و خداوند شنوای دانا است. این پشتیبانی، چیزی است که در نظام اخلاقی دینی معنا و مفهوم دارد، و در اخلاق سکولار زمینه سوختگی و لغزش بسیار فراوان‌تر است.

چهارم: توسعه مستمر در مفاهیم اخلاقی

کار دیگری که دین کرده آن ارزش‌ها و هنجارهای نیک‌ی که بشریت در سطحی آن قبول داشته، پایه ارتقای مراتب و درجات حیات معنوی و اخلاقی انسان قرار داده است. این توسعه در هر دو بخش اخلاق حسنه و اخلاق سیئه وجود دارد. مثلاً: کلمه استکبار و خودبرتربینی که واژه‌ای

يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران: ۱۳). خداوند به مؤمنین دستور می‌دهد تا به شکرانه احسان خدا با آن‌ها، به یکدیگر احسان نمایند: «وَأَحْسِنِ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ» نیکی کن چنانکه خدا با تو نیکی کرد. خداوند دوست می‌دارد نیکوکاران را «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره: ۱۹۵)

و همچنین اعتقاد به معاد پاداش و کیفر می‌خواهد تضمین‌کننده ارزش‌های اخلاقی از این طریق باشد. یا با یادآوری مرگ بگوید برفرض که حرص زدی و طمع کردی و ثروت انبوه به دست‌آوری، آخر چه؟ باید روزی این دنیای فانی را ترک کنی. دین انسان‌هائی را تربیت می‌کند که درس ایثار و گذشت را آموخته تا جایی که بتوانند از لذت‌های شخصی بگذرند و ترس از جهنم موجب می‌شود هرکاری نکنند و آنجا که پلیس دسترسی ندارد، در لایه پنهان از درون نگه‌دارنده وی باشد. قرآن وقتی ربا، تقلب، احتکار، کم‌فروشی را منع می‌کند، در جهت گذشتن از نفع شخصی برای رعایت مصالح جمعی است. در فرهنگ قرآن، اخلاق، افزون بر بُعد معنوی آن، موجب خودسازی انسان و کسب ثواب اخروی می‌گردد: مثلاً خویش‌داری افزون بر نتایج شخصی که برای خود شخص می‌گذارد و او را در رسیدن به هدف کمک می‌کند، پاداش الهی هم خواهد داشت: «وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (هود: ۱۱۵).

ششم: قدرت مانور بیشتر اخلاق دینی

در بسیاری از مواقع اخلاق غیر دینی تبدیل به قانون می‌شود، این در حالی است که در بسیاری از موارد قانون گریزگاه دارد. وقتی اخلاق دینی که در درون وجدان شخص را مورد خطاب قرار می‌دهد، نباشد، قانون هم تضمین‌کننده امنیت نخواهد بود. زیرا در قانون گریزگاه‌هائی هست که این اخلاق است که می‌تواند لایه‌های پنهان را پوشش دهد. اخلاق که نباشد، حتی با وجود قانون، همسایه نسبت به همسایه هم امنیت نخواهد داشت. هرکس نسبت به دیگری بی‌تفاوت خواهد بود. سیاستمداران به راحتی فریب می‌دهند. رفتار عوام‌فریبانه انجام می‌دهند. این است که اخلاق دینی این قدرت مانور را خواهد داشت که کنترل بیشتری نسبت به شخص و جامعه داشته باشد.

امروز در بسیاری از جوامع امور اخلاقی دنیوی را در قالب قانون درآورده‌اند، اما دیده می‌شود که کسانی قانون را دور می‌زنند و به عنوان فراهم کردن رأی مردم، افشاگری‌های شخصی و یا تجسس در حوزه خصوصی با آبروی افراد بازی می‌کنند. این در حالی است که در عرصه سیاسی تخریب و انگ‌زدن به امید و نشاط جامعه آسیب می‌زند. در عرصه اقتصادی، به عنوان بازار آزاد، ایجاد رقابت رقیب را به زمین می‌زند. در اصل اصل رقابت و حق اراده شخص که بخشی از آزادی‌های فردی

اهمیت توجه به این بخش توسعه اولاً نشان دادن صورت‌های یک اصل اخلاقی است. ثانیاً زمینه تجدیدپذیری و نوآوری در حوزه اخلاق می‌گردد. مثلاً در میان عقلا شاهد ارزشی مثل قاعده زرین هستیم که قرآن بر پایه آن ابعاد بیشتری از این اصل را بیان کرده که عقلا به آن توجه نکرده، اما در قرآن زوایای دیگر این اصل را بیان کرده است. مثلاً آیه: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن: ۵۵). آیا پاداش نیکی جز نیکی است، یکی از این آیات است. مفهوم این آیه این است که اگر کسی کار نیکی می‌کند، توقع دارد که دیگران در برابر آن به او نیکی کنند. قرآن بارها به این درک عقلایی انسان‌ها اشاره دارد که خوب وقتی شما به کسی احسان می‌کنید، توقع دارید که او هم احسان کند. حال اگر برای خودتان چیزی را دوست دارید، پس برای دیگران هم آن را دوست بدارید. مثلاً در بحث انفاق به همین شیوه استناد کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (بقره: ۲۶۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از پاکیزه‌ترین چیزهایی که بدست آورده‌اید و از آنچه ما برای شما از زمین رویانیده‌ایم، انفاق کنید و برای انفاق به سراغ قسمت‌های ناپاک آن نروید؛ زیرا اگر خود شما به جای آنان بودید: «وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ» حاضر به پذیرش آن نمی‌شدید. این معنا با آیه دیگری تأیید می‌گردد که می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران: ۹۷). هرگز نایل نمی‌شوید به برّ و احسان و تفضل الهی تا اینکه انفاق و بذل کنید از چیزهایی که دوست می‌دارید و علاقه‌مند به آن هستید به دیگران بدهید.

پنجم: دین تضمین‌کننده اخلاق

دین به اموری از اخلاقیات ارشاد می‌کند که هرچند عقل انسان آنها را درک می‌کند، اما دین تضمین‌بخش است. دین در حوزه اخلاق معرفت مستقیم می‌دهد. وقتی می‌گوید خدا به عدل و احسان فرمان می‌دهد، به عمل اخلاقی تقدس می‌بخشد. نقش انگیزی دارد. برای آن پاداش تعیین می‌کند. برای ناهنجارهای اخلاقی کیفر تعیین می‌کند. درست است که جوامع بشری به اصول اخلاقی تأکید و تأیید می‌کنند، اما در بسیاری از مواقع مشکل بشریت تنها نفهمیدن و ندانستن نیست. نزاع منافع و تضاد آن با ارزش‌های اخلاقی است. این تضاد باعث می‌شود که نتواند از هواها و هوس بگذرد. می‌داند انصاف خوب است، می‌داند عدالت خوب است، می‌داند ستم به دیگران بد است و ثروت و قدرت به هر قیمتی ارزش نیست، اما نمی‌تواند از منافع سرشار آن دست بکشد. نقش دین با اعتقاد به خدا او را به سمت محبت خدا جلب کند: «وَاللَّهُ

قرآن دگراندیشان را دو گروه می‌کند، گروهی که تنها عقیده مخالف ندارند، بلکه تهاجم و رفتار ستمگرانه هم دارند. در باره این گروه می‌گوید باید آنان را سر جای خود نشانند. اما نسبت به گروهی دیگر که این وصف تهاجم و ستمگری را ندارند در این صورت تنها عدالت کافی نیست، زیرا اقلیت بودن، نوعی کاستی و تأخیر را در حقوق آنان در فضای اجتماعی ایجاد و تحمیل می‌کند و این خود خطر است، لذا پیشنهاد دارد که نیکی کردن در دستور رفتاری مسلمانان باشد: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۸) إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». (ممتحنه: ۸-۹). از آنجا که کسانی که سرچنگ ندارند را مشخص نکرده که اهل ذمه باشند و یا پیرو هر دینی و مرامی باشند. آیه اطلاق دارد و شامل هر غیرمسلمانی می‌شود، از اهل کتاب و یا مشرکینی که با مسلمانان معاهده داشتند، یا ندارند و سر جنگ هم ندارند.

اهمیت روش دوم به این دلیل است که رعایت حقوق شهروندی دگراندیشان و ضرورت بر و نیکوئی کردن امری الهی و به کسب فیض و اجر الهی خواهد شد. شخص مؤمن می‌داند که عقاید دگراندیش با او سازگاری ندارد، اما با این همه دستور یافته که با او مهربانی کند و از حقوق او دفاع کند و تبعیض و بی‌عدالتی در حق او روا داشته نشود. این کار برای او پاداش اخروی خواهد داشت، در نتیجه دفاع از حقوق مخالفان نوعی آموزش و تربیت دینی خواهد بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اخلاق و ارستگی و آراستگی انسان به فضائل و ارزش‌هایی است که در قالب رفتارهای هنجاری بروز و ظهور دارد. اخلاق دینی، آن دسته از ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی است که از طریق وحی به انسان رسیده و در میان عقلا هم پذیرفته شده است. چنین اخلاقی در برابر اخلاق غیر دینی مثل سکولار و غیر سکولار است. از سوی دیگر تصدیق اخلاق ما قبل دین به این معنا نیست که اخلاق را می‌توان از دین تفکیک کرد، بلکه به این معناست که دین با زبان عقلای جهان از زبان مشترکی استفاده کرده و با آنان می‌توان به گفتگو نشست. تعالیم اخلاقی اسلام هر چند با اصول اخلاقی فرادینی در تعارض نیست. اما دارای ویژگی‌هایی است که مرزبندی با اخلاق غیر دینی ایجاد می‌کند. به تعبیر دیگر تفکیک اخلاق از دین ممکن نیست، یا دایره اخلاق محدود به امور اجتماعی، و بلکه منفعت‌طلبانه می‌کند. مهم‌ترین تعالیم اخلاقی

است، موجب ضایع شدن حقوق مصرف‌کنندگان یا تولید ملی است. خوب وقتی ناجوان‌مردانه زیر پای رقیب را خالی می‌کنند، چگونه می‌توان این رفتار را تفسیر اخلاقی کرد. تقلب، فساد و فزون‌خواهی مانع سلامت اقتصادی و رشد جامعه خواهد بود.

هفتم: پیوند اخلاق فردی با اخلاق اجتماعی

در اخلاق غیر دینی کمتر به مسئله اخلاق فردی توجه می‌شود و یا در میان جوامعی این سیر و سلوک را جنبه شخصی می‌دهند. اما بخش اعظم مسائل اخلاقی قرآن، ناظر به رابطه فرد با انسان‌های دیگر است، حتی در آنجا که جنبه فردی دارد، مانند عبادت، دعا، اخلاص، عفت، حکمت و امیدواری، باز رفتار و منش انسان در پیوند با انسان‌های دیگر است، به طوری که اگر انسان تنهای تنها زندگی کند، بروز این فضیلت‌ها مفهومی نخواهد داشت. در ظاهر پاره‌ای از مفاهیم اخلاقی درباره انسان تنهای تنها، صادق است؛ اما این روشن است که هر چند آدمی فارغ از رابطه با غیر، در آراستن به فضائل و زدودن رذائل تلاش می‌کند و خود ارزش ذاتی دارد؛ برای کسب همین فضائل (همچون پیوند با جهان، معناداری، سپاس‌گذاری، شکیبایی، توکل، عزت نفس و زدودن رذیلت‌های تحقیرکننده او مانند پرخوری و سبک‌مغزی) است؛ اما این رهنمودها، تنها به خود شخص محدود نمی‌شود و خاصیت فردی ندارد، یا شرایط اجتماعی در رفتار اخلاقی او بی‌تأثیر نیست، بلکه می‌تواند آهنگ اجتماعی و عطف به دیگران هم داشته باشد، زیرا خواه‌وناخواه این ارزش‌ها و زدودن ضد ارزش‌ها، هم واکنشی است از رفتار دیگران نسبت به او و هم تأثیرگذار بر روابط دیگران.

هشتم: دفاع از حقوق مخالفان

حقوق مخالفان دینی و نژادی و قومی و اقشار خاص مانند زنان، کودکان، عقب‌افتادگان، بیماران خاص، یکی از آسیب‌پذیرترین محورهای جامعه به ویژه جوامع دینی و جوامع بسته است. زیرا برای حمایت دسته اول یعنی مخالفان دو پیشنهاد داده شده است، یکی سکولارکردن جامعه تا نسبت به مخالف حساسیت‌ها کاهش پیدا کند. دیگری استفاده از آموزه‌های دینی برای به رسمیت شناختن مخالف و ضرورت احترام و دفاع از حقوق آنان. روشی است که قرآن پیشنهاد می‌دهد. این که کدام راه در تحقق عدالت بیشتر است، به دو جنبه از مسئله باید توجه کرد، یکی واقعیت جوامع، دیگری تحلیل جوامع سکولار است. جوامع سکولار خود را به عنوان یک عقیده و فرهنگ از دیگر جریان‌ها جدا می‌کنند و جوامع مذهبی را رقیب خود می‌دانند، لذا همان آسیب‌های جوامع بسته و نابردبار را دارند. در حالی که اگر تربیت دینی باشد، با این که دگراندیشی را مفروض گرفته، اما به رسمیت شناخته و دفاع از آنان را ضروری می‌شمارند.

فهرست منابع

۱. ایازی، سید محمدعلی اعتباری بودن احکام اخلاقی و حل چالش - های فقهی دنیای معاصر». از نویسنده در مجله حیات معنوی، شماره ۲، ۱۳۹۸.
۲. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، پنجم ۱۴۱۷ق

جامعیت و پوشش مسائل مختلف اخلاقی، تأثیر اعتقاد به خدا در استواری و تداوم اخلاق، پشتیبانی و کمک به خویشن‌بانی، توسعه مستمر در مفاهیم اخلاقی، قدرت مانور و پویائی اخلاق دینی، پیوند اخلاق فردی با اخلاق اجتماعی، دفاع از حقوق مخالفان به معنای خاص، خواهد بود.

بیشتری برخوردارند و پیشینه‌ی اخلاقی که نخست از آن می‌خواهم صحبت کنم.

اخلاق فضیلت‌گرا به یونان باستان می‌رسد، آثار افلاطون و سپس ارسطو این مکتب اخلاقی و فضیلت‌گرا ادامه می‌دهد، این یکی از مکتب‌های اخلاقی که به عنوان مکتب اخلاقی و آرمان‌گرا طبقه‌بندی می‌کنیم.

مکتب اخلاقی دوم هم که در این نام‌گذاری که کردم آرمان‌گرا به شمار می‌رود. گفتم امنیت ملی و منابع ملی نقش بنیادی در این تعریف دارد تعریف دیگری هم است که از اصطلاح سیاست استفاده می‌شود اما بیرون از علم سیاست و بین‌الملل قرار دارد. این علم سیاست چیست؟ این یک امر عارفی است که ویژگی‌هایش شخصی، فرمایشی، خودسرانه است و بنابراین چنین مفهومی است که در علم سیاست هیچ جایگاهی ندارد و برون داد چنین سیاستی (چیزی جز ویرانگری، در روابط با آن کشور و مسائل کشور ملی و بین‌الملل در جهت تخریب امنیت ملی چیز دیگری باقی نمی‌گذارد) مراد ما از سیاست همان تعریف نخست که بر پایه‌ی علم سیاست و روابط بین‌الملل است که اشاره کردم. تعریفی فشرده از این سه مکتب پیشنهادی اخلاقی که دسته‌بندی کردم می‌تواند روی سیاست تاثیر بگذارد و سیاست را اخلاقی کند طریقی را اینجا تقدیم کنم که طبیعتاً این طرح، طرح آرمان‌گرا خواهد بود چرا که ما در اخلاق فضیلت و در اخلاق وظیفه‌گرا با اخلاق آرمانی روبرو هستیم. به نظر من روشن است که چرا ما باید به بحث اخلاق و سیاست بپردازیم سیاست جوهر، طبیعت و هستی‌سختش قدرت است و قدرت وقتی که توفنده شود در واقع سرریز کند محیطی که در آن قرار گرفته یا تعریف شده دست به استعمار می‌زند، دست به اجحاف می‌زند و توسعه‌طلبی و کشورگشایی و تجاوز به همسایگان و کشورهای دیگر رویه‌ی سیاست می‌شود به این دلیل که اخلاق مثل درختی تناور سیاست را زیر سایه‌ی خودش قرار بدهد تا سیاست آرام شود تا سیاست مهار خود را در دست بگیرد.

نتوانستیم به آن لگام بزنیم و در منزل اخلاق این کار را انجام بدهیم و سیاست را مهار و کنترل کنیم، هیچ سیاستی بدون قانون و اخلاق نمی‌تواند سازنده باشد در مورد اخلاق فضیلت‌گرا و با سیاست من به شما عرض می‌کنم که این اخلاق اخلاقیست که فضائل اخلاقی و ردائل اخلاقی فهرست می‌کند این کاری است که افلاطون انجام داده که فضائل اخلاقی حکمتی از خویشتن‌داری، شجاعت و عدالت است. ردائل اخلاقی بدتر و بدتر از دروغ، عهدشکنی، ظلم و ستمگری است این کاری است که افلاطون انجام می‌دهد. یعنی ستون فضائل اخلاقی و ستون ردائل اخلاقی را تنظیم می‌کند بعد از افلاطون ارسطو می‌آید و رویه‌ی میانه‌روی را مبنای بر تکمیل اخلاق فضیلت‌گرا قرار می‌دهد در واقع ارسطو دنبال پیدا کردن یک حد وسطی بین افراطی و تفریطی است

نشست اردیبهشت ماه با عنوان :
"اخلاق آرمانگرا، اخلاق واقع‌گرا و سیاست"

سخنران:

دکتر سید علی محمودی

The poster features a central portrait of Dr. Seyed Ali Mahmoudi, a man with short dark hair and a mustache, wearing a dark suit and white shirt. The background is a vibrant mix of purple, pink, and blue with abstract circular patterns. At the top left, there is a circular logo with Persian text. The main title 'اخلاق آرمان‌گرا، اخلاق واقع‌گرا و سیاست' is written in large, bold Persian characters. Below the portrait, the speaker's name and title are listed. At the bottom, there is a date and time for the event, a social media icon for Instagram, and the website 'iranethics.ir'.

نشست اردیبهشت ماه انجمن ایرانی اخلاق در علوم فناوری در سال ۱۴۰۱ با سخنرانی جناب آقای دکتر سید علی محمودی، پژوهشگر و استاد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت خارجه انجام شد. در ادامه مشروح نشست ارایه شده است:

مسئله اخلاق و سیاست یک معضلی است که همواره با انتقادات و ایرادهای جدی همراه است بعضی اصرار میکنند که سیاست باید اخلاقی باشد و بعضی می‌گویند مگر می‌شود سیاست اخلاقی باشد. وقتی بر اساس سیاست وارد می‌شوید دیگر نمیتوانید براساس اخلاق و منش اخلاقی برنامه‌ریزی کنید و اخلاقی رفتار کنید من اینجا بر اساس سیاست و اخلاق توضیح کوتاهی بدهم می‌گوییم اخلاق، منظور کدام اخلاق است؟ بین مکتب‌های اخلاقی سه مکتب از برجستگی‌های

تکرار شود چون در مرحله ی اول تصور ذهنی دارد اگر قرار باشد که دیگران هم از این کار پیروی کنند (که ذات و هستی خودشان را ایمانوئل کانت تعریف می کند به شمار بیاورند) و اگر این کار بین دیگران تکرار شود دیگر تصور ذهنی نیست بلکه عمومی میشود چون همه میگویند ما ذات های خردمندی هستیم اصلی از این اصل دوم استنتاج می شود که این اصل سوم است که گزاره ی کانت به این صورت است که چنان رفتار کن تا بشریت را چه در شخص خود و چه شخص دیگر به عنوان غایت بشماری و نه هرگز تنها چون وسیله ای. اینجاست که کانت می گوید: انسان ابزار نیست، انسان غایت ذاتی و فی نفسه است یعنی هیچ وقت نمی توان ابزار دست خودش و دیگران قرار بگیرد.

این اخلاق آرمانی است و چرا فضیلت گرایی آرمانی است در ظرفیت فردی این اخلاق ها و این مکتب هایی که نام بردم میتواند به کار برود و ما در زندگی خودمان اتفاق افتاده که وظیفه گرا یا ن عمل میکنیم فردی دچار مرگ مغزی شده ممکن است ده سال کمتر یا بیشتر در وضعیت نباتی زندگی کند و بی هوش باشد، دستگاه به او متصل باشد و یک وظیفه گرا می گوید تا زمانی که با این دستگاه میتواند زنده بماند من وظیفه دارم تا او را زنده نگه دارم و نگذارم که دستگاه از او جدا شود و او از بین برود در حالی که شاید فرجی باشد و او زنده بماند.

اخلاق وظیفه گرا یا در بعد فردی هیچ مشکلی ندارد، اخلاق فضیلت گرا هم من گنم که اساسا به زودودن ردائل و اراستن فضائل خلاصه میشود اخلاق فایده گرا که در سیاست زیاد به کار می رود و کاربرد دارد خوب دوری از الام و روی آوردن به لذت شروع می شود که اخلاق فایده گرای کلاسیک است که این اخلاق سیر تطور پیدا می کند و در سده ۲۰ ما شاهد تغییرات هستیم در مکتب اخلاقی که در قرن ۱۹ جرمی بنتام آن را به وجود آوردند که نظم جدیدی به آن دادند اما باید تاکید کرد که بعد از لذت علم بیشترین سود را برای بیشترین افراد و کمترین زیان برای کمترین افراد دارد. ما اینجا قاعده نمی دیدیم در اخلاق فایده گرایانه تا رسیدیم به آخرین تحولی که در این مکتب اتفاق افتاده و آن فایده باوری یا فایده گرایی قاعده نگر است یعنی افراد جامعه از قواعدی پیروی کنند که بتوانند خیرهای گوناگون را برای آن ها به وجود بیاورد که منظور از چیز های گوناگون فایده باوری یا فایده گرایی مثلا: فضیلت، لذت، معرفت، حیات، زندگی و آزادی هست. این معیار و چارچوب بسیار اهمیت دارد برای اینکه اگر فضیلت گرایی قاعده مند نباشد و فقط جلب منفعت و ضرر باشد ترور، خشونت و هر عملی که سود و منافع شرکتی یا دولتی یا نهادهای اقتصادی و غیره... باشد اگر مینا فایده گرایی باشد و فقط به جلب منفعت و ضرر نگاه میکند و همه چیز

و از این طریق مثلا افلاطون می گفت: که شما یا ترسو هستید یا اینکه متحورین یا هراس و ترس دارید که بی حساب عمل میکنید ارسطو می آید و شجاعت را حد وسط قرار می دهد. بنابراین از نظر ارسطو هم ترس صفت ناپسندی هست و هم تحوق بی حساب. بی فکر به میدان رفتن اینجا هست که شجاعت صفت محمود و صفت خوب اخلاقی از نظر ارسطو هست. اهمیتی که اخلاق فضیلت گرا دارد این است که فرد با شناختن فضائل اخلاقی و با شناختن ردائل اخلاقی کوشش میکند که به فضائل اخلاقی آراسته شود و ردائل اخلاقی از خودش دور کند. به چنین فردی می گوئیم فرد تراز اخلاق هستند و بوده اند، شخصیت ها و مردمانی که دارای فضائل اخلاقی بودند و از طریق سیر و سلوک ردائل اخلاقی را از خودش دور کردند. این مکتب فضیلت گرا اساسا در همین چارچوب تعاریف فضائل و ردائل صورت بندی میشود، هیچ دستگاه معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، به نحوی که در اخلاق وظیفه گرا خواهیم گفت و تا حدی فایده گرا در این اخلاق مشاهده نمی شود. بنابراین تا فرد زنده و با فضیلت است می تواند سیاست مدار، خردمند و اخلاقی باشد

ایمانوئل کانت که در مکتب اخلاقی ثبت شده بحث درباره نظریه و تفسیر آن مهم و زمان بر است من فقط به آن هسته اصلی و نقطه مرکزی نظریه کانت یک اشاره هایی میکنم و بعد وارد اخلاق فایده گرایی می شوم. این اخلاق وظیفه گرا که اخلاق آرمانی است یا امر مطلق دارای اصول و قواعدی است که این اصول و قواعد ارکان چنین مکتبی را تشکیل می دهند. بنابراین این اصولی که به آن اشاره می کنیم پیشینه و ما قبل تجربی است و کانت آن را قضیه ی ترکیبی عملی پیشینی نام میرسد که جنبه ی ترکیبی و عمل محور است که یکی از حکم تنجیزی که برای ما پیوند بین اخلاق و سیاست خیلی اهمیت دارد این گزاره است که تنها بر پایه ی آن آیینی رفتار کن که بخواهد آن آیین را به صورت یک قانون عام در بیاید. یعنی تصور کنید فردی گرفتار خشونت و دست زدن به قتل به زندان افتاده و شخصی مانند کانت به سراغ او برود و از او بپرسد تو مرتکب قتل شدی آیا دوست داری قتل و آدم کشی به صورت عام در بیاید؟ کانت به ما جواب می دهد که جواب چنین فردی منفی است، درست است من این خطا و اشتباه کردم ولی نمی خواهم که چنین قاعده و رفتاری، به صورت عادی تبدیل شود و همه این کار انجام دهند.

دومین گزاره حکم تنجیزی این است که نهاد خردمند وجود دارد و نهاد خردمند انسانی است که میتواند خردورزی کند و یک تصویری از خودش دارد که این را از عقلش میگیرد و حال کانت می گوید: اگر ما فرض کنیم که این تصور ضروری که در انسان ها وجود دارد در همه ی افراد

این حرف را فرد در ظرفیت شخصی می‌تواند به کار ببرد برای اینکه پیامد های آن به خود او برمیگردد. ولی حاکم یک کشور نمیتواند و نباید این انگاری ذهنی را به ملتی القا کند، که ما مامور به وظیفه هستیم ما کاری نداریم که نتیجه چه میشود و هرچه خواهد شد. خیر شما مسئول هستید که به نتیجه توجه داشته باشید و توجه شما باید نسبت به نتیجه خیلی جدی باشد. اینجاست که من حدود بیست سالی است که روی این جنبه ی سازگاری اخلاق سیاست متمرکز شدم و همان طور که عرض کردم نمی توان سیاست را بدون اخلاق رها کرد بدون لگام خسارت بار است، نمی شود هم از فضائل اخلاقی و هم از اخلاق وظیفه گرایی کانتی صحبت کرد و بعد انتظار داشت که افراد مطابق اخلاق رفتار کنند یعنی شما یک پروژه یا برنامه ای داشته باشید که هم از منافع ملی و امنیت ملی تامین شود و هم اخلاق رعایت شود. حالا برویم به سراغ آن خطوط اصلی که پیشنهاد اخلاق تلفیقی که می خواهیم مطرح کنیم، از اخلاق فایده گرایی ما می توانیم بیشترین فایده و کم ترین زیان را برای اکثریت مردم بپذیریم منتها با شرط، که آن شرط این است که حتما فایده گرایی، فایده گرایی قاعده نگر باشد یعنی چارچوب وقواعد داشته باشد که من قبلا به این موضوع اشاره کردم.

از اخلاق فایده گرایی یک اصل دیگری را میتوانیم در سیاست وارد کنیم که اخلاقی است مثل همان بیشترین فایده و کمترین زیان برای اکثریت مردم قابل قبول است و آن قاعده هزینه فایده است یعنی شما هرکجا هزینه کنید باید فایده آن را در نظر بگیرید.

در امر جمعی چه یک شرکت تجاری یا اداره ی یک کشور باشد و هیچ هزینه ای را در قلمرو سیاست وقتی صورت می گیرد نمیتوانیم بپذیریم برای اینکه فایده ی کمی و کیفی آن از پیش تعریف شده باشد، آن هم در دایره ی علم سیاست بین الملل است که باید تعریف شود نه آنچه من می گویم یا ما می گوئیم، شما از کجا می گوئید، شما باید ملتزم به یک علم باشید که آن علم بتواند یک بیان عینی بین المللی قابل پذیرش یک ملت را به دنبال داشته باشد و از آن پشتیبانی کند. بنابراین ما راهی نداریم جز زبان علم که با هم صحبت کنیم هرگاه ما نتوانیم از زبان علم در این حیطة استفاده کنیم حرف یکدیگر را متوجه نمیشویم. بنابراین این قاعده هم از قاعده گرایی استخراج می شود که دولت ها موظف هستند که این کارها را انجام دهند که شما هزینه ای را در جایی خرج کنید و ندانید چه فایده ای دارد یعنی اموال مردم است و باید از آن ها اجازه گرفته شود که من این امکانات یا بودجه را که در اختیار دارم که برای مردم است و به وکالت به من دادند را کجا مصرف کنم و کجا مصرف نکنم و یا چگونه مصرف کنم و در تمام موارد باید از مردم اجازه گرفته شود که هزینه کجا و با چه فایده ای خرج شده است. این یک

در این مکتب مباح و جایز است به شرطی که بیشترین منافع را به بار بیاورد که این تصور خطرناک و هراس آوری برای بشریت است که خودش را به اخلاق فایده‌گرا متصل کند، اما اخلاق فایده‌گرا امکانات و منافعی هم در اختیار قرار میدهد و آن را من در این بخش اشاره میکنم که در واقع بحث ما وقتی تکمیل شد من وارد ارزیابی خواهیم شد.

در کنار اخلاق وظیفه‌گرا و اخلاق فایده‌گرا از قاعده‌ی زرین هم میخواهم اینجا صحبت کنم. فضیلت‌گرایی را به رغم این که منافع بسیاری دارد نمیتوانیم بپذیریم، در دنیای امروز که ما زندگی می کنیم چون بسیار سخت که افراد سالهای زیادی به فضائل اخلاقی و رذائل اخلاقی اشتغال داشته باشند و حالا به بحث قاعده زرین میپردازیم.

قاعده زرین چیست؟ قاعده زرین بسیار مورد توجه قرار گرفته و در دهه های اخیر سابقه ی خیلی طولانی دارد یعنی در دیانت یهود توسط پیشوایان سده‌ی نخست پیش از میلاد، ما منابعی داریم که به اخلاق فضیلت‌گرا و قاعده زرین توجه داشته و این پیش از مسیحیت و اسلام بوده و در مسیحیت در انجیل متی و انجیل لوقا چیزهایی مشاهده می-شود که من متن را برای شما می خوانم.

که ناظر به قاعده زرین است که از پیامبر اسلام نمونه هایی را از قصار دیدم که ناظر به قاعده زرین بود در مکتب علی ابن ابی طالب کمی با تفسیر بیشتری این قاعده توضیح داده شد و غیر از ادیان ابراهیم در آیین کنفوسیوس، هندو، دین زرتشت هم قاعده زرین ذکر شده است. قاعده زرین چیست؟ همین عبارت مشهوری است که آنچه بر خود میپسندد در همان موقعیت برای دیگری هم بپسندد و آنچه را برای دیگران نمیپسندی در همان موقعیت برای خود هم نپسند.

به شکل های مختلف این تکرار شده در مباحث بخشی از کلیات سعدی هم دو بیتی هست که همین قاعده ی زرین را تعریف و بیان کرده که این قاعده یک دستگاه اخلاقی منسجم و منظمی ندارد ولی گزاره ای هست که بسیار روی او در این فاصله‌ی بیش از سه و چهارهزار سال از او استفاده شده و خیلی میتواند به کار بیاید. در یک اخلاق سیاسی میخواهیم درباره ی امکان پذیری آن وارد بحث مربوط به اخلاق ترکیبی و تلفیقی شویم که تحت عنوان اخلاق فایده وظیفه گرایی و قاعده زرین است.

در این اخلاق فایده وظیفه گرایی، گزاره هایی از اخلاق فایده‌گرا و وظیفه‌گرا را من استنتاج کردم و همین طور قاعده زرین و ترکیب این ها می تواند یک مکتب اخلاق تلفیقی را پیشنهاد کند که بر اساس آن می شود اخلاق را وارد سیاست کرد و سیاست را از اخلاق بهره مند کرد به نحوی که سازگار باشد با الزامات سیاسی و سیاست ورزی، این استدلال که ما ملتزم به انجام وظیفه هستیم و کاری به نتیجه نداریم.

سومین منبع و آخرین منبع، قانون زرین است که با دیگران طوری رفتار کن که رضایت می‌رود که در همان موقعیت با تو رفتار شود. ببینید این قاعده را من به این صورت استنتاج کردم، فایده‌گرایی این قاعده را می‌پذیرد یعنی کاری که یک شخص حقیقی یا حقوقی یا دولت انجام می‌دهد و توقع دارد طرف مقابل هم در برابر، همان کار را انجام بدهد و مثل یک کشوری که نیازمند است از کشوری که دارای ثروت زیادی است وام می‌گیرد و آن کشوری که وام داد متقابلاً انتظار دارد که در زمانی که او نیاز دارد کشور وام‌گیرنده به او وام بدهد و به او کمک کند

نکته دیگری که در اینجا در مورد فایده‌گرایی می‌شود بر آن تکیه کرد و این را طبیعتاً می‌توانیم بگوییم وظیفه‌گرایی می‌تواند این کار را انجام دهد، کشوری به عنوان یک حرکت انسان دوستانه به کشورهای دیگر کمک‌هایی می‌کند و توقع ندارد که آن کشور به او پاسخ بدهد و بگوید من این را می‌دهم به عنوان وظیفه‌ی اخلاقی چون او وظیفه‌گراست و هیچ مشکلی هم نیست، بسیار شده که چندین هواپیما کمک‌های انسان دوستانه برای سیل، زلزله، بیماری و امثال این‌ها به کشورهای اهدا می‌کند و هیچ مطالبه نمی‌کند که شما باید چیزی به من بدهید. ولی آن کشوری که دریافت‌کننده‌ی وام یا دریافت‌کننده‌ی کمک‌های انسان دوستانه است خودش را موظف می‌داند در زمانی که آن کشور دچار مشکل شد باید او هم این کمک‌ها را انجام دهد. برای اینها شواهدی در تاریخ روابط بین‌الملل داریم که طبیعتاً اینجا جای مطرح کردن نیست که ما این کار را انجام بدهیم.

و آخرین بخش از سخن من درباره‌ی زمینه‌ها و شرط‌های اصلی به کارگیری اخلاق تلفیقی است. من اعتقاد دارم این بخشهایی که از اخلاق فایده‌گرا و وظیفه‌گرا و قاعده‌زرین ترکیب کردند و در منظومه‌ای که اینجا عرضه شد می‌تواند به نحوی اخلاق را وارد حیطه‌ی سیاست کند که اخلاق پیروز میدان سیاست باشد و در عین حال دست و پال سیاست‌ورزی و اداره‌ی کشور را مسئولیت ملی مقامات، حکومت، ساختارهای کشور، دستشان را ببندند که بتوانند از امنیت ملی و منافع ملی جانب‌داری کنند و آن را حفظ و نگهداری کنند. این می‌تواند اخلاقی بودن سیاست را امکان‌پذیر کند اما شرطهایی که فهرست وار عرض می‌کنم و به مطالب خود پایان می‌دهم.

نخستین شرط تردیدی است که در ابتدای سخنم اشاره کردم که به کار بردن اخلاق فایده‌گرای چطور می‌تواند پذیر است در سیاست مگر می‌شود دروغ‌نگفت و وارد بحث‌هایی شد که رک و راست گویی همراه باشد. ببینید پاسخ اینها روشن است که بسیاری از فیلسوفان اخلاق در این مورد اشتراک نظر دارند که سیاست‌مدار نباید دروغ بگوید

قاعده‌ای است که کدام مکتب اخلاقی می‌تواند این را رد کند، مگر مکاتب اخلاقی که بحث می‌کنیم منشأ آن خرد علمی به قول کانت نیست از عقل سلیم بر می‌آید در خصوص وظیفه‌گرایی و این که چه استفاده‌ای از اخلاق وظیفه‌گرا می‌توانیم انجام دهیم این است که واقعا بپذیریم به عنوان ملت، شهروندان جهان، انسان، غایت ذاتی و فی‌نفسه است و این را در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، در رفتار با انسان‌ها به کار بگیریم و طبیعتاً این رفتار حقوق بشر را نقض کند و این رفتار نباید به خشونت آلوده شود.

بایستی این وظیفه‌گرایی به ما بگوید که انسانی که غایت ذاتی و فی‌نفسه است باید نقش صلح‌آمیز داشته باشد ما می‌توانیم کمک‌های انسان دوستانه به مردم نیازمند انجام دهیم مشاوره، میان‌جگری، اعتماد سازی کنیم اینها همه چیزی است که به عنوان وظیفه‌ی اخلاقی می‌توان از آن سخن گفت و با او همراهی و همگامی کرد.

سومین دستاوردی که از وظیفه‌گرایی می‌توانیم در سیاست و اخلاق به کار بگیریم رفتار برپایه‌ی آن آیینی است که یک کشور بخواهد به صورت یک قانون عام در بیاید یعنی واقعا وقتی پوتین تجاوز وحشیانه به کشور اوکراین می‌کند قواعد بین‌الملل را نقض می‌کند اخلاق سیاسی را لگدمال می‌کند باید از خودش بپرسد آیا من به اوکراین حمله کردم حاضریم بپذیریم که تجاوز به کشورها به صورت یک قانون عام در آید و هر کشوری به خودش اجازه بدهد هر کشوری که ضعیف است یا به اندازه او قوی نیست را از بین ببرد و این شامل روسیه هم می‌شود مگر می‌شود قانون عام را در موردی استثنا قائل شد. بنابراین، این موضوع خیلی کمک می‌کند یعنی در نظامات بین‌الملل و قواعدی که سازمان ملل متحد تدوین می‌کند واقعا جای این گزاره‌ی اخلاق وظیفه‌گرا خالی است اگر چه در کنوانسیون‌ها و قوانین چنین مواردی اشاره شده است.

تجاوز نظامی، ترور، نسل‌کشی و امثال این‌ها خود به خود دزد ساز است و باید متروک شود و یک مشکلی هم به نام معضل تراحم اخلاقی وجود دارد، دو کاری که می‌خواهد انجام شود و باید همزمان انجام شود چه کار کنیم و راه حل چیست؟ من اینجا وارد بحث تراحم اخلاقی نمی‌شوم در کتاب‌ها و مقالات به این مباحث پرداختم ولی می‌توانم عرض کنم که اخلاق وظیفه‌گرا موضوع تراحم اخلاقی را حل می‌کند، یعنی وقتی این اخلاق وظیفه‌گرایی بتواند تراحم اخلاقی، دوفعل اخلاقی را حل کند خود به خود بقیه مکتب‌ها کارشان راحت تر و آسان تر خواهد بود. این که ما به عهد و پیمانها پایبند باشیم و امانت‌داری و راست‌گویی پیشه کنیم، اینها مسائلی است که ما به همان مسئله‌ی مربوط به امور ذاتی و فی‌نفسه که این صفات فی‌نفسه خوب اند و به طور ذاتی خوب اند از اخلاق وظیفه‌گرا استخراج می‌شود.

درسی و آموزش و پرورش کشورها و کشوری که آن قدر گرفتار منجلا ب و فساد شدیم به شکل کاربردی این آموزش ها صورت بگیرد. مسئله ی بعدی نکته چهارم این است که هیچ سرمایه بزرگی به اندازه ی این که امنیت کشور و منافع کشور تامین شود برای مردم در اولویت نیست. بایستی از طریق گفتگو و همکاری و هم افزایی این امر پدید بیاید و حذف بشود. شما نگاه کنید به شخصیت هایی مثل گاندی، دکتر مصدق، محمد علی فروغی، احمد قوام این ها در سیاست ورزی ملی، کجا مردم را فریب دادند، کجا ملت شان را تحقیر کردند، کجا راهی رفتند که بر خلاف منافع ملی و امنیت ملی کشور بود آیا موفق نشدند؟ آیا حکومت دست نشاندۀ را از ایران بیرون نکردند؟ آیا نفت شمال را به روس ها اجازه دادند که تصاحب کنند؟ این خردمندی و سیاست ورزی در جهت منافع ملی و امنیت ملی بوده همین یعنی اخلاق، یعنی امکان پذیر.

و اما نقطه ی آخر نقش اندیشه و رزان، روشن نگران و دانشگاهیان و نهاد های مدنی، احزاب سیاسی بسیار مهم است که فرهنگ اهداف سیاسی را از راه های مختلف ترویجی، آموزشی، پرورشی و همین طور گردهمایی ها و کارزارهای اجتماعی بتوانند ارتقا بخشند. ما به یک نهضت و جنبش اخلاقی نیاز داریم که آنچه را در بیست و بیست و پنج سال گذشته درباره ی اخلاق در این کشور کار کردیم و در انجمن برتر شمامه در این زمینه بسیار فعالیت کرده شود وارد عرصه ی عمومی کرد و شکل ترویجی به خودش گرفت.

اما در عین حال نبایستی هر راستی را به زبان بی آورد و این همان عبارات زرین است که می گوید چرا باید یک سیاست مدار دروغ بگوید که اگر دروغ بگوید دیگر راستش را باور نمیکنند و فاصله ی دولت و ملت افزایش پیدا میکند. دولت و ملت مقابل هم قرار می گیرند و مردم، دیگر از اقتدار دولت نمیتواند حمایت و همراهی کنند اگر راست گویی حاکم باشد پیوند ها تقویت می شود همکاری ها افزایش پیدا می کند و کشور ها می توانند، از جمله کشور خودمان مشکلات خود را پشت سر بگذارند و این چه منطقی است که ما دروغ بگوییم تا بتوانیم در کار مملکت داری پیشرفت کنیم. دروغ بگوییم تا مردم را فریب بدهیم این هم تعصب آور و مایه ی تعجب است که هیچ نفعی در آن نیست و حتی اگر نفع طلب هم باشیم نباید بگوییم اما هر راستی را نباید به زبان بیاوریم.

نکته دوم و زمینه ی شرط دوم این است که سیاست مداران بایستی یک زاویه ی دید اخلاقی را در دوران آموزشی که میبینند در شخصیت خودشان متجلی کنند یعنی نگاه باید نگاه اخلاقی باشد. نگرش، نگرش اخلاقی باشد دغدغه ذهنی اگر اخلاقی باشد روی تصمیمات هم این زاویه ی نگاه تاثیر گذار است.

نکته ی سوم که باز شرط محسوب می شود در ابعاد آموزشی و پرورش بایستی زمینه سازی اخلاقی و فرهنگی و به عنوان یک ارزش بزرگ ملی هدف قرار بگیرد تا کارگذاران حکومت بتوانند در اخلاقی بودن از یک دیگر سبقت بگیرند نه در فریب کاری و دروغ گویی، فساد، راندخواری، دورزدن قوانین امکان پذیر به شرطی که کتابهای درسی، برنامه های

می‌پیمود. هیچ کس مبانی و احکام این دو علم را انکار نمی‌کرد. هر دو علم با هر نظام فرهنگی و اجتماعی و حکومتی و عقیدتی سازگار بودند. به هر زبان می‌شد آنها را آموخت و به کار بست. موافق و مخالف نداشتند و کسی بر له یا علیه آنها قیام نمی‌کرد. در عین حال هیچ یک از مفاهیم نجوم و ریاضی وحی منزل تلقی نمی‌شدند و مقدس نبودند. هیچ منجم و مهندسی هم، هر چند دانشمند و بلند پایه، به مقام تقدس ارتقاء نمی‌یافت و تقدیر باقی می‌ماند. تاریخ به یاد ندارد هندسه دانی را به خاطر نظرات هندسی و یا منجمی را به سبب اینکه با اسطرلاباش مشغول تنظیم جداول نجومی بوده محکوم کرده باشند.

همه این تقواها از آن‌جا ناشی می‌شد که بنیاد هر دو علم بر مشاهده بود و برای تایید احکام خود به واقعیات تکیه داشتند. اگر اختلاف نظری بین دو صاحب‌نظر به وجود می‌آمد، در درجه اول با منطق ریاضی، و اگر منطق کفایت نمی‌کرد با مراجعه به مشاهدات عینی حل و فصل می‌شد. در آنچه که در زیر می‌آید خواهیم کوشید این طبیعت عاری از تش و تعارض نجوم و ریاضیات، و در دو سده اخیر فیزیک و بعضی از علوم دقیقه دیگر را به شکاف، روش مرسوم در آنها را به شناسم، و پیشنهاد کنیم که این روش به مواردی هم که تحت عنوان علوم دقیقه طبقه‌بندی نمی‌شوند قابل تسری است.

بر خلاف نجوم و هندسه، آفریده‌های دیگر ذهن آدمی تا یکی دو قرن پیش بر مفاهیم دقیق استوار نبودند فیزیک، فرزند خلف طبیعیات قدما، تنها از قرنهای شانزدهم و هفدهم میلادی به بعد به کوششهای گالیله و نیوتن، اولین گام‌های خود را در جهت دقیق شدن برداشته است و این فرایند همچنان ادامه دارد. علوم شیمی و زیستی هنوز در ایام صباوت خود هستند. علوم اجتماعی و انسانی، در بهترین صورت، تنها توانسته‌اند به بعضی قواعد آمپیریک دست بیابند که با زمان، مکان، و دیدگاههای اجتماعی اقوام تغییر می‌کنند. مفاهیم ماوراء طبیعی که ریشه در مشاهدات ندارند شاید هیچ وقت از تراز پندارهای عقیدتی فراتر نروند.

چرا علوم طبیعی این همه عقب‌تر از نجوم و ریاضی گام برداشته‌اند و قریب به دو هزار سال طول کشیده است که به درجه دقت قابل قبول امروزی برسند. شاید ساده انگارانه به‌شود گفت که آفریده‌های طبیعت پیچیده هستند و فهم‌شان آسان نبوده است. ولی یک خصوصیت کلی در نحوه تفکر اندیشمندان دو هزاره گذشته، که آثار مکتوب کافی از آنها در دست است، انسان را شگفت زده می‌کند. علمای سلف می‌خواستند همه ریزه‌کاری‌های همه آفرینش را یکجا بفهمند. کمتر می‌توان یک فیلسوف قرون وسطائی یا پیشتر، اعم از غربی و شرقی، پیدا کرد که به کمتر از این راضی بوده باشد و برای هر سؤالی که پیش می‌آمده جوابی حاضر و آماده نداشته باشد. تقسیم مسائل پیچیده به اجزاء کوچک‌تر و

نشست خرداد ماه با عنوان : "تفاهم با دیگران"

سخنران: پروفسور یوسف ثبوتی



نشست خرداد ماه انجمن ایرانی اخلاق در علوم فناوری در سال ۱۴۰۱ با سخنرانی جناب آقای پروفسور یوسف ثبوتی، فیزیکدان برجسته، عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تحصیلات تکمیلی زنجان انجام شد. در ادامه مشروح نشست ارایه شده است:

نجوم به معنای بررسی احوال آسمان از زمان‌های ابرخس و بطلمیوس به صورت علم دقیق درآمد بود. انسان کنجکاو با رصد اجرام سماوی به نظم حاکم بر حرکات آنها پی برده بود و حوادث نجومی، مانند خسوف و کسوف و تقویم طلوع و غروب اجرام سماوی، را با دقت قابل تحسینی پیش‌بینی می‌کرد. هندسه نخستین نیز که زاده کاربردهای روزمره معماری و مساحی بود، از همان زمان‌ها دقیق و مبتنی بر اصول موضوعه شده بود و در چهارچوب منطق خاص خود مسیر تکاملی آرامی را

اندیشه آن زمان متفاوت بود. علیرغم این که شیخ تعلق خاطری به جاه و مقام نداشت و در هر حال درستی یا نادرستی نظرات هر یک از دو طرف چیزی از دنیا و آخرت کسی کم نمی‌کرد یا به آن نمی‌افزود، فاجعه صورت گرفت و شیخ اشراق به فتوای علما به قتل رسید.

مثال از سده‌های شانزده و هفده اروپا بیاورم. نظریه زمین مرکزی بطلمیوس با بینش ارسطویی، اشرف مخلوقات بودن انسان، همراه شده و به کره زمین مقام والائی در نظام آفرینش داده بود. این نظر به مرور زمان جزو آموزه‌های مسیحیت و کلیسا درآمد. بیرون راندن زمین از مقام شامخ مرکزیت کفر بود. بنابراین کپرنیک، ۱۵۴۳-۱۴۷۳ میلادی، از ترس هم‌ترازان کلیسایی خود نظرات خورشید مرکزی خود (کتاب De revolutionibus orbium coelestium) را تا روز مرگ خود به تعویق انداخت. خوشبختانه گالیه، ۱۶۴۲-۱۵۶۴ میلادی، به قدر کافی عاقل بود که حرکت زمین را در پیشگاه دادگاه تفتیش عقاید انکار کند و از پیامدهای ناخوشایند رهائی یابد. ولی جردانو برونو، ۱۶۰۰-۱۵۴۸ میلادی، چندان خوش اقبال نبود. گفته بود در کنار عالم زمینی ممکن است عالم‌های دیگری هم وجود داشته باشند. به همین جرم در بالای دار سوزانده شد.

در همه مثالهایی که آورده شد، و مشتی نمونه از خروارند، الگو یک‌سان است

✚ دو حریف، به خاطر موضوع مهمی که تعریف دقیق ندارد و طرفین آن را یکسان نمی‌فهمند، رو در رو قرار می‌گیرند. موضوع مورد مناقشه ممکن است یک باور عقیدتی، یک ارزش اجتماعی، یک رفتار اخلاقی، یک نظر فلسفی، یک نفع مادی، یا هر چیز دیگری باشد.

✚ هر یک از دو طرف منطق خاص خود را دارد که برای طرف دیگر قابل قبول نیست. بینة عینی هم در کار نیست. اختلاف نظر به خشونت می‌انجامد.

موارد یاد شده مربوط به گذشته‌اند و به تاریخ سپرده شده‌اند. ولی داستان ادامه دارد. در آغاز سده بیست و یکم مباحث زیادی از علوم طبیعی، انسانی، اجتماعی، به درجه قابل قبولی از دقت و وضوح جهان شمول رسیده‌اند، و صاحب‌نظران و کاربران آنها بلوغ کافی پیدا کرده‌اند که موارد اختلاف خود را با منطقی که برای طرفین قابل قبول باشد حل و فصل کنند. ولی هنوز مباحث فراوانی به جا مانده که به قدر کافی علمی نشده‌اند و شاید هم هیچ وقت علمی نشوند. بذریه‌های مناقشه و خشونت عمدتاً در این معارف علمی نشده نهفته‌اند. به چند مثال زیر توجه شود

سعی در فهم همه جانبه جزئیات، سنت دانش‌های تجربی امروزی است و سابقه تاریخی طولانی ندارد. نتیجه این جاه طلبی دست نیافتنی این بوده است که متفکر، هر جا که دسترسی به شواهد بر گرفته از واقعیات نداشته، به پندارها و ساخته‌های ذهنی، در زیر عنوان تعقل، متوسل شده است. این ساخته‌های ذهنی بستگی به زمان، مکان، فرهنگ، عادات و رسوم، سلاقی شخصی و حتی عوامل طبیعی مانند شرایط آب و هوایی و اقلیمی داشته‌اند. مورد قبول همگان و همه زمان‌ها نمی‌توانسته‌اند باشند. بالقوه مناقشه انگیز بوده‌اند و در موارد متعدد مصیبت هم آفریده‌اند. به چند مثال اشاره کنم.

در قرن پنجم پیش از میلاد سقراط در برابر یک هیات منصفه ۵۰۰ نفری از برگزیدگان آتن محاکمه شد. اتهام او ناسازگاری آموزه‌های فلسفی و اجتماعی‌اش با ارزش‌های مرسوم جامعه بود. نظرات فلسفی سقراط و ارزش‌های اجتماعی جامعه آتن در پانصد پیش از میلاد هر دو معارف مبهمی بودند. متهم گواه ملموسی که مورد قبول قضات باشد نداشت. قضات نیز راهی برای قبولانندن ارزش‌های جامعه به متهم نداشتند. سقراط محکوم به نوشیدن جام شوکران شد. قرن‌ها بعد شاهد فاجعه مشابه و بزرگتری هستیم: آموزه‌های عیسی مسیح (ع) مغایر با تعالیم سنتی یهودیت بود. هر دو طرف متعهد به باورهای خود بودند. منطق مشترکی در میان نبود و شواهد ملموسی برای حل اختلاف وجود نداشت. عیسی (ع) محکوم و مصلوب شد.

از سده‌های چهارم و پنجم جهان اسلام مثال بیاورم. ابونصر فارابی، ۳۳۹ - ۲۶۰ هق، و ابوعلی سینا، ۴۲۸-۳۷۰ هق، بدون شک بلندپایه‌ترین فیلسوفان زمان خود و مسلمانان مومنی بودند. ابو حامد غزالی، ۵۰۵-۴۵۰ هق، نیز متفکرو فقیه عالی مقام زمان بود. ولی به فلسفه و علوم عقلی ارادتی نداشت. می‌گفت علوم فلاسفه از جمله ریاضیات^۴ پایه‌های ایمان را سست می‌کنند. فارابی و ابوعلی سینا و علی‌الاصول همه فیلسوفان را کافر اعلام کرد. خوشبختانه در سده‌های سوم تا ششم هجری در جوامع مسلمان تسامح کافی وجود داشت که فتوای امام غزالی نادیده گرفته شود و فاجعه نیافریند. ولی فقیه بلند آوازه از میان خواص و عوام پیروان فراوان داشت که در دراز مدت تعالیم و نظرات استاد را پی گرفتند، مراکز تفکر آزاد را در تنگنا گذاشتند و انحطاط فرهنگی و به تبع زوال اقتصادی و اجتماعی جوامع مسلمان را در سراسر جهان اسلام سرعت بخشیدند. فتوای علمای حلب به خون ارزان بودن شیخ اشراق، ۵۸۷-۵۴۹ هق، نمونه دیگری است. شیخ قلندر به صرافت ذهن خود، اندیشه‌های فلسفی‌ای داشت که با نظرات رایج در کانون‌های

^۲ غزالی، محمد ابوحامد، المنقذ من الضلال، ترجمه س. آئینه بند، انتشارات

امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰

که علوم طبیعی دقیق شوند و سنت تفکر تحلیلی و بحث منطقی را پی بریزند، آفریده‌های غیر علمی انسان، مانند ادبیات، شعر، هنر، موسیقی، ورزش و دادو ستد، مردم را فرا هم می‌آورده و سبب تفاهم بوده‌اند. هدف بذل توجه به نبض زمان حاضر است و چگونگی تپش آن است. در حال حاضر دانش‌های دقیق و مبتنی بر مشاهده نیرومندترین و همه جانبه‌ترین عوامل توسعه اجتماعات هستند. علی‌القاعده متدولوژی عاری از تنش آنها نیز باید بتواند زبان مشترک تفاهم بین مردم و جوامع باشد. سرمایه‌گذاری در این راستا به صلاح است. این را نیز می‌دانم که اهل "تفسیر بر مبنای دیدگاه‌های جامعه‌شناختی" (هرمنوتیک) یادآور می‌شوند که موضوع پیچیده‌تر از آن است که در این مقال ترسیم شده است. انسان هر اندازه هم که موشکاف و منصف باشد آراء و افکارش متأثر از افق فرهنگی و آموخته‌های پیشینی‌اش است.^۵ به گفته ویلم دلئی، جامعه‌شناس اوائل قرن بیستم، حضور انسان برای تفکر بی‌طرفانه همیشه رسوائی آفریده است.^۶

تشکر: در تنظیم این نوشته از نقد دو دوست فیزیک پیشه‌ام، محمدرضا حیدری خواجه‌پور و بهمن فرودی، بهره‌مند بوده‌ام. کمک‌های صندوق حمایت از پژوهشگران و مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی نیز مغتنم بوده‌اند.

این نوشته ویرایش سخنی است که در کارگاه "دانش - دروازه‌ای برای تفاهم"، تهران، مهر ۱۳۸۷، گفته شده است. ویرایش دوم آن در اوت ۲۰۱۷ به زبان انگلیسی در کارگاه "دانش و دیپلوماسی" در تریست ایتالیا در بزرگداشت پائولو بودینیج گفته شده است.

علم اقتصاد: اقتصاد مبتنی بر رقابت بازار آزاد و خطر پایداری شدن رقبای کم توان یا اقتصاد کنترل کننده تولید و مصرف با همه تقواها و معایب آن؟

فن حکومت: فرض کنیم که دولت دموکراتیک و منتخب مردم بهترین است. آیا چنین دولتی لازم است تنها مورد قبول مردم خود باشد یا همسایگان و دیگران هم باید آن را به‌پسندند؟

حقوق بشر: سازگار با خلق و خوی انسان غربی یا شرقی اخلاق آن چنان که یک مسلمان، یک مسیحی، یک یهودی، یا یکی با آئین دیگر آن را می‌پسندد؟

حقوق ملت‌ها در جای جای کره زمین و تا چه اندازه؟ داور کیست و داوری چگونه است؟

اخلاق در دانش‌ها و تکنولوژی‌های نوظهور؟

حقوق و تعهدات ملل در استفاده و حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست کل کره زمین؟

در عین حال که هر یک از مباحث یاد شده بخشی جدائی‌ناپذیر از زندگی روزمره همه مردم همه کشورهاست، هیچ کدام مبنای تعریف شده دقیق، با تعریفی که علوم دقیقه الزام می‌کند، ندارند، مناقشه برانگیزند و مناقشات هم روزمره اتفاق می‌افتند. قضات می‌توانند اختلافات را داوری کنند و احکام‌شان را می‌توانند به اجرا بگذارند. ولی قضات نمی‌توانند طرفین دعوا را قانع کنند که حکم‌شان درست و منصفانه است. استخوان در لای زخم می‌ماند تا کی و چگونه سر بر آورد.

مطمئناً مشکل بزرگ است و به آسانی از پیش پا برداشتنی نیست. ولی شاید توسل به روش‌های حل اختلاف مرسوم در علوم تجربی و دقیق شده بتواند آن را تحدید کند. در سنت رایج علوم دقیقه:

هیچ آموزه و مفهومی، هر چند شایع و مقبول، مقدس نیست و نقد پذیر است

هیچ کس، هر چند دانا و دانشمند، مقدس نیست و دست‌یافتنی می‌ماند

هیچ کس باورهای خود را گواه راست‌گوئی و راست‌پنداری خود عرضه نمی‌کند.

مراعات این قواعد به ظاهر ساده در موارد اختلاف در موضوعات غیر علمی آسان نیست ولی نفس اشرف به اینکه همین نکات ساده، مباحث علمی را عاری از تنش ساخته‌اند موهبت است و می‌تواند روزنه امید برای تفاهم با دیگران در موارد غیر علمی باشد. ارزش تمرین و توصیه دارد.

سخن آخر اینکه اذعان کنم موضوع "تفاهم با دیگران" را بیش از حد ساده‌سازی کرده‌ام. در مقام نقد می‌توان متذکر شد که قرن‌ها پیش از آن

⁵ <http://en.wikipedia.org/wiki/Hermerntics>

<http://plato.stanford.edu/hermerntics>

⁶ <http://preso.orange.fr/philopir/Lesson/2.htm>

پنجمین همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری دربارهٔ جامعهٔ ایران عنوان پنل: دانشگاه مستقل، آزاد و اخلاقی، متضمن امید برای گذر از بیم‌ها

سازی)، ۵. لطمه بر حق و حقوق شهروندان علم، ۶. استخدام ابزاری و استعمال متصرفانهٔ علم، ۷. رفتار دلخواهانه با علم (اخلاق در رفتار ما با علوم انسانی و اجتماعی)، ۸. کردار گفتمانی اسلامی سازی و بومی سازی، ۹. تظاهر به تعداد در علم، ۱۰. زمینه سازی برای اشاعهٔ فساد و انواع کژکارکردی‌ها در علم.

در پنجمین همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری دربارهٔ جامعهٔ ایران، جناب آقای اردشیر منصوری و جناب آقای دکتر مقصور فراستخواه به نمایندگی از انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری، پنلی را با عنوان: "دانشگاه مستقل، آزاد و اخلاقی، متضمن امید برای گذر از بیم‌ها" برگزار کردند که در ادامه چکیده‌ای از آن ارائه شده است.



اخلاق دانشگاهی؛ کنش حداقلی و حداکثری اردشیر منصوری

چکیده سخنرانی: کژکارکردهای نهادهای یک جامعه، زمینه‌ساز بحران است و تداوم وضعیت بحران موجب زوال امید اجتماعی و بروز بیم خواهد بود. نهادهای مختلف جامعهٔ مدرن، مانند: اقتصاد، سیاست، و علم (تعلیم‌تربیت)، بر هم اثر می‌گذارند و ضعف یا تباهی در یک نهاد می‌تواند زنجیره‌ای از بحران‌ها را پدید آورد. تشکیل این چرخه، یعنی تأثیر متقابل بحران در نهادهای دور باطلی را رقم می‌زند که ماندن در آن بیم‌انگیز و زوال را برای جامعه در پی دارد. خلاصی از این بن‌بست و یافتن برون‌شویی برای رهایی از وضعیت نامطلوب، در گرو ایجاد رخنه‌ای در این دور باطل است. کنشگران مسئولیت‌پذیر در نهادهای گوناگون جامعه، نباید بنشینند و صبر پیش گیرند تا دستی از غیب برون آید و کاری بکنند، بلکه هر یک باید به فراخور توان و شعاع تأثیرگذاری، برای

رفتار ما با علم در میزان اخلاق دکتر مقصور فراستخواه

علم یک میراث مشترک و ثروت مشاع بشری است. بابتی از ابواب معرفت که برای خود مبانی، روش‌شناسی، زبان و قلمرو متمایزی دارد. علم از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است. نهادها ساختارهای بادوام اجتماعی هستند که امکان حیات و انتقال قواعد و هنجارهایی را در طی تبدلات تاریخی فراهم می‌آورند. مسألهٔ مطالعهٔ حاضر این است که ما چه رفتار اخلاقی با این علم به مثابهٔ یک میراث انسانی (تاریخی و جهانی) داشتیم. روند تغییرات رفتارهای مان در نسبت ما با علم، طی چند دههٔ اخیر مورد تأمل و تحلیل علی قرار می‌گیرد: ۱. تفاخر به علم و عالمان، ۲. سیر تغلب مسلکی بر معرفت علمی (تسلط ارزشهای خاص‌گرا بر ارزشهای عام‌گرای علم)، ۳. تصرف نهاد علم، ۴. سلب استقلال و آزادی عمل و قلمروزدایی از علم (مستعمره

در آیات شریف قرآن کریم واحادیث نبوی وائمه اطهار ومجموعه تاریخ فرهنگ اسلامی ما نشان می‌دهد که علم وعلمی جایگاه بالایی دارد و جزو سنت‌های پذیرفته شده اسلامی است که علم وعلمی خیلی اهمیت دارند. برای اینکه به کمک اینها است که جامعه می‌تواند روی سعادت به خودش ببیند. دانشگاه حالا یک فضای جدیدی است. یعنی یک محیط علمی جدیدیست که در این سال‌های اخیر ایجاد شده و به یک عبارتی درپچه‌یی به سوی علم جهانی است. دانشگاه یک مرکز مهم برای توسعه‌ی علم است و از طرفی دیگر دانشگاه، جایگاهی است که جوان‌ها در آنجا تحصیل میکنند، و به مقامات عالی دست پیدا می‌کنند و سرمایه‌ی علمی کشور می‌شوند. پس دانشگاه هم محیط علم وهم پرورش علما وهم به لحاظ تخصصی می‌تواند راهنمای جامعه باشد.

از الزامات اخلاقی دانشگاه، یکی این است که دانشگاه خودش را یک جزیره تلقی نکند که در گوشه‌ای افتاده، بلکه خودش را در قلب جامعه تصور کند که وظیفه‌ی بسیار سنگینی دارد. هم از طریق توسعه‌ی علمی کشور و همینطور تربیت جوانان، علم، ارشاد و راهنمایی مسؤلان در تمام امور و همه باید توجه کنند که می‌بایست برای اداره‌ی شئون مختلف کشور، از کشاورزی، معادن، صنایع گرفته تا طب و پزشکی و تعلیم عالی دیگر بر دانشگاه تکیه کنند. پس دانشگاه یک جایگاه بسیار مهمی در اندیشه‌های اسلامی وجامعه‌ی امروز جهان دارد. حالا وقتیکه دانشگاه اینطور جایگاهی را دارد استادان که حکم رکنین دانشگاه هستند خودشان در واقع یک موقعیت خاصی را دارند که اگر به آن موقعیت‌های خاص توجه نکنند قطعاً هم خودشان زیان می‌بینند وهم جامعه وهم دانشگاه.

اولین مسئله این است که علم باید به معنای واقعی توسعه پیدا کند و هیچ‌گونه محدودیتی برای ارتقا علمی در سطح دانشگاه نباید وجود داشته باشد و علوم مختلف بهره‌مند شدند از دانشگاه‌های مختلف واز دانشمندان مختلف وکتاب‌ها ومجلات وسمینارهای مختلف همه‌ی چیزهایی که امروز در جهان مرسوم برای ارتقا علمی دانشگاه و دانشگاه باید از همه‌ی این موقعیت‌ها بهره‌مند بشوند. جامعه می‌بایست در تمام شهود خودش از این مرکزیت علمی استفاده کند.

پس دانشگاه سه وظیفه بر عهده دارد یکی ارتقا علم که باید در تمام حوزه‌های مختلف تلاش کند که علم را ارتقا بدهد. دومین؛ تربیت نیروی انسانی و پرورش دانشجویان و جوانان که در شئون مختلف اجتماعی مسولیت‌هایی را بر اساس دانش وتخصصی که کسب کردند بر عهده بگیرند. سومین؛ راهنمایی دولت و حاکمیت است که بتواند در تصمیم‌گیری‌ها ونقش‌ها و وظایفی که دارد کمک کند تا بتواند کارش را خوب انجام دهد. همه‌ی اینها مستلزم این است که دانشگاه این الزاماتی که برعهده اش است را بفهمد، بشناسد و متعهد باشد واگر

شناسایی ریشه‌های فساد و خشکاندن آن، و ترویج رفتار اخلاقی پیشگام شوند. حال اگر چشم‌ها به دنبال نهادی پیشران برای تحول و اصلاح باشند، در دنیایی که هر روز بیش از دیروز آموزش یا دانش و فناوری گره می‌خورد، سزاست نهاد «علم» بدین منظور در نظر آید. البته این نهاد در صورتی می‌تواند پیشران اصلاحات و ایجاد امید برای رفع مشکلات باشد که خود از فساد و کژی مبری، و به اصطلاح «اخلاقی» و «درستکارانه» عمل کند. مشاهدات حاکی از آن‌اند که با کمال تأسف انواع گوناگون سوءرفتار، سلامت این نهاد را تهدید می‌کند. آشکار است که اخلاق دانشگاهی را نباید به رفتار شخصی دانشگاهیان تقلیل داد، بلکه برای رسیدن به وضع مطلوب باید رویه‌ها و فرآیندهای نهاد علم به اخلاق بگرایند. اما اگر این فرآیندها دچار اختلال گسترده باشند، از کدام مرجع و ملجأ باید انتظار اصلاح داشت؟ به گمان نگارنده، این نقطه‌ی اثر را باید در میان خود این نهاد (نهاد علم) جست؛ در میان آحاد استادان، دانشجویان و کارمندان اخلاق‌مدار دانشگاه که فراتر از منافع آنی و شخصی، به خیر عمومی می‌اندیشند و حاضراند برای کشف و رفع موارد سوء بکوشند و الگویی برای درستکاری، اولاً در محیط علمی و سپس جامعه باشند.

اجتناب از پیوستن به شبکه فساد که ما آن را «رویکرد حداقلی» می‌خوانیم، و تلاش برای شفاف‌سازی فرآیندها، فعالیت مدنی برای افشای روندهای ناسالم، و تشویق به قانون‌مداری و ترویج درستکاری آکادمیک که ما آن را «رویکرد حداکثری» می‌خوانیم، لازمه امیدافزایی در شرایطی است که نشانه‌های بیم در آن کم نیست. محورهای این سخنرانی بر پایه تجربه زیسته سخنران و یافته‌های مطالعات کیفی گوناگون از دانشگاه‌های مختلف ایرانی، به‌ویژه دانشگاه‌های شهر تهران، فراهم آمده‌اند. و در مقام توصیه و تجویز، تجارب دانشگاه‌هایی از دیگر کشورها نیز مطرح نظر قرار گرفته است.



الزامات ارتقا منزلت وجایگاه دانشگاه ایرانی

دکتر نجفقلی حبیبی

وارد فضا شد خود به خود جایگاهش مشخص می‌شود و جامعه متوجه می‌شود که بدون دانشگاه نمی‌تواند زندگی کند. دانشگاه از نظر اخلاقی مسئولیت سنگینی دارد که آن مسئولیت همان ارتقا سطح علمی جامعه است و پرورش نیروی انسانی جامعه و حضور در حل مشکلات جامعه در شئون مختلف جامعه است.

دانشگاه متعهد به این مسائل نباشد نهادی نیست که بتواند موثر باشد. پس دانشگاه باید تلاش کند که در تمام شئون جامعه حضور داشته باشد. این الزامات اگر تحقق پیدا کند باعث ارتقا در جامعه ی دانشگاه می‌شود و هر گاه دانشگاه این مسئولیت را برای خودش تعریف کرد و

تاسیس کرسی یونسکو در زمینه اخلاق زیستی

کرسی یونسکو در زمینه اخلاق زیستی تاسیس شد

کرسی یونسکو به ریاست رئیس دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران، دکتر حسین قناعتی و با امضای موافقت نامه نهایی یونسکو، مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران به عنوان کرسی رسمی سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد (یونسکو) در زمینه اخلاق زیستی تعیین شد.

بر اساس موافقتنامه مذکور که به امضای مدیر کل یونسکو و رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران رسیده است، این مرکز علمی به مدت چهار سال در چارچوب قوانین و مقررات کشور به عنوان کرسی اخلاق زیستی به فعالیت در سطح بین المللی می پردازد.

اهداف این کرسی شامل تقویت آموزش اخلاق پزشکی و اطمینان از آموزش درست دانشجویان، برگزاری دوره های کوتاه مدت آموزش اخلاق پزشکی از جمله دوره تربیت مدرس اخلاق زیست- پزشکی، تقویت دسترسی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به منابع علمی و نتایج تحقیقات اخلاق پزشکی، شبکه سازی بین محققان و مدرسین حوزه اخلاق پزشکی در ایران و منطقه است.



انتشار شماره بهار (پیاپی ۶۵) سال ۱۷، شماره ۱
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری

فهرست مطالب: شامل عناوین و مقالات و نویسندگان در زمینه اخلاق در علوم و فناوری. همچنین بخش Abstracts شامل عناوین و نویسندگان مقالات به زبان انگلیسی.

تحلیل اخلاقی جرمه دپرکرد در گردش پول
دکتر علیرضا باریکلو، مجید حسن نژاد..... ۱۵
اخلاق نوع دوستی در آثار عطار نیشابوری
دکتر محمدامین شمس نیا، دکتر محمدامیر عبیدی نیا، دکتر محمدحسین خان محمدی..... ۳۳
نقش دادستانی در قضاوتی نظام کیفری از منظر اخلاقی و حقوقی
امیر حسین آذرمنش، دکتر طیبه بیژنی میرزا..... ۳۰
الزامات اخلاقی-قانونی پلیس ناظر بر اصل برائت در جرائم مواد مخدر در پرتو روانشناسی جنایی
دکتر مهدی حریری، دکتر حسام الدین علی دوستی، زهرا علیزاده..... ۳۶
بررسی کنش های اخلاق مدارانه کی خسرو در جنگ با تورانیان
فریبا دانشور، دکتر داریوش کاظمی، دکتر مریم شایگان..... ۴۳

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری یک فصلنامه علمی با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجوز علمی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با صاحب امتیازی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری می باشد که از سال ۱۳۸۵ تا کنون به شکل منظم منتشر می شود. بدینوسیله به اطلاع پژوهشگران حوزه اخلاق می رساند که شماره بهار ۱۴۰۱ فصلنامه علمی اخلاق در علوم و فناوری منتشر شد. مقالات چاپ شده در این شماره به شرح زیر می باشند:

فهرست مطالب:
اصول و راهبردهای اخلاق حرفه ای در محیط های آزمایشگاهی، کارگاهی و صحرائی
دکتر شهره میناپور، دکتر زهرا مختاری..... ۱
طراحی منظر راه و اخلاق زیست محیطی
سعید غلامپور، دکتر سیدامیر منصوری، دکتر آزاده شاهچراغی..... ۷

الگوی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در صنعت بانکداری با تأکید بر متغیر وابستگی به برند و اخلاق شهروندی سازمانی
آرین فرهنگ، دکتر حمیدرضا سعیدنیا، دکترشادان وهاب زاده، دکتر هرمز مهرانی..... ۱۳۲

الگوی شاخص‌های ارتقاء بهره‌وری کارکنان با تأکید بر متغیرهای اخلاقی
امین علی کرمی، دکتر محمد باقر آرایش، دکتر مرجان واحدی، دکتر حامد چهار سوقی امین..... ۱۴۲

تحلیل رابطه بین هوش اخلاقی و تاب‌آوری دانشجویان با میانجی‌گری سرسختی روانشناختی
ساناز روشن‌زهی، دکتر ناصر ناستی‌زایی..... ۱۵۲

اخلاق و مسئولیت اجتماعی: ارائه الگوی بومی در شرکتهای معدنی
مریم مسعودی، دکتر سنجر سلاجقه، دکتر محمد جلال کمالی..... ۱۶۲

ساخت و اعتباریابی پرسشنامه اخلاق حرفه‌ای مدیران مدارس ابتدایی
محمد حاجی محمدی، دکترهادی پورشافی، دکترمهدی زیرک، دکتر حسین مؤمنی مهمویی..... ۱۷۲

ارزش‌های اخلاقی، هویت اجتماعی و ایدئولوژی اخلاقی با تأکید بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت
مختار میرزایی، دکتر زهرا پور زمانی، دکتر علی بیات..... ۱۷۲

اثربخشی آموزش کیفیت زندگی فریش بر حریم رعایت اخلاقی و رفتارهای جامعه‌پسند
بتول حیدری سورشجانی، دکتر طیبه شریفی، دکتر احمد غضنفری، دکتر مریم چرامی..... ۱۹۱

رابطه اخلاقیات کسب و کار و مسئولیت اجتماعی شرکت با نگرش برند
دکتر لیلا آندرواز، دکتر ابراهیم آلبونعیمی، حسن افشاری..... ۱۹۶

Website: www.ethicsjournal.ir

تجلی مؤلفه‌های اخلاقی در پیوند اجتماعی مردم و مکان در خانه های سنتی
مرمر داودزاده، دکتر فریبا البرزی، دکتر جمال الدین سهیلی..... ۴۹

پیش‌بینی بهره‌وری نیروی انسانی براساس هوش معنوی، خوش-بینی سازمانی و دیدگاه وظیفه‌گرایانه اخلاقی کانت
لیلا کاوسی کامکار، دکتر محمود تعجبی..... ۵۸

طراحی و اعتبار یابی الگوی تلفیق مولفه‌های اخلاق حرفه‌ای با شایستگی‌های فنی رشته مکانیک صنایع
احمدرضا دورانیش، دکتر عزت‌الله نادری، دکتر مریم سیف نراقی..... ۶۶

رابطه بین جو اخلاقی، تعهد حرفه‌ای، ارزش‌های اخلاقی شرکت و ایدئولوژی اخلاقی با رفتار حساب‌رسان بخش عمومی
دکتر غلامحسین مهدوی، دکتر تابنده صالحی..... ۷۵

تبیین نقش فروافتادگی شغلی در پیش‌بینی رفتار غیراخلاقی پرسه‌زنی سایبری
احمدرضا کریمی مزیدی، دکتر فریبرز رحیم‌نیا، دکتر سعید مرتضوی، دکتر محمد مهرآیین..... ۸۵

رابطه دانش، اخلاقی‌پنداری و اعمال سرقت علمی دانشجویان
دکتر رویا پورنقی، مریم خسروی..... ۹۲

اعتبارسنجی مدل بومی رقابت‌پذیری مطبوعات ایران با تأکید بر مولفه اخلاقی نظارت و شفافیت
سید محمد زهیر غرضی، دکترعطاءالله ابطحی، دکتر حمیدرضا حسینی دانا، دکترندا سلیمانی، دکترفاطمه عزیز آبادی فراهانی..... ۱۰۰

تحلیل رابطه استراتژی‌ها و باورهای اخلاقی با کیفیت زندگی کاری : نقش میانجی سبک زندگی اخلاق مدار
دکترسید علی اکبر حسین زاده..... ۱۱۰

تحلیل نقش پیش‌سایندگی رهبری اخلاقی و پس‌سایندگی خود‌انگیختگی و بهروزی به عنوان مولفه‌های فضیلت سازمانی در بین معلمان
سلیم کاظمی، دکترعادل زاهد بابلان، دکترمهدی معینی کیا، دکتر علی خالق خواه..... ۱۱۸

هوش هیجانی و جهت‌گیری اخلاقی در دانشجویان حسابداری
کوروش عیسی‌خانی خسروی، دکتر سینا خردیار، دکتر بهمن بنی‌مهد..... ۱۲۶

انتشار شماره بهار (پیاپی ۱۳)، سال ۴، شماره ۱

International Journal of Ethics & Society

Content

ORIGINAL ARTICLE(S)

Analyzing the Relationship between Perceived Social Responsibility and Employees' Affective Commitment and Green Behaviors: Mediating Role of Ethical Climate
Samad Rahimiaghdam, Toktam Niroumand.....1

Investigating the Effect of Organizational Socialization and Social Capital on Employee Accountability Emphasizing the Mediating Role of Professional Ethics
This article was removed due to plagiarism.....11

Investigating the Effect of Organizational Culture and Team Work on Teachers' job Performance Emphasizing the Mediating Role of Professional Ethics
Mohammad Razzaghi, Hasan Ghalavandi, Seyed Mehdi Mousavinia20

Analysis of the Relationship between Self-Control and Social Desirability with the Ethical Report of Banking Delinquency (With Emphasis on Demographic Characteristics of Employees)
Mohammad Momenpour Taula, Ali Bayat, Ali Mohammadi.....29

The Effect of Professional Commitment on Auditors' Ethical Whistleblowing: Moderating Role of Gender and Age
Morteza Hajjabbasi, Mohammad Reza Vatanparast, Bahman Banimahdi, Mohammad Reza Azadchdel.....39

Testing the Pattern of Social Responsibility as a Component of Educational Ethics
Ali Reza Mohammadi, Mehri Daraei, Zeinab Toolabi.....47

Effectiveness of Motivational Patterns on Creativity, Self-Worth & Ethical Commitment to School
Mitra Azhdari, Zahra Eftekhari Saadi, Parviz Aagari, Sahar Safarzadeh.....52

Designing a Branding Model for a TV Talk Show with an Emphasis on Ethical & Social Factors
Amir Mohammadi, Ali Mohammad Mazidi Sharifabadi, Mohammad Soltanifar.....60

Presenting a Model for Creating a Glass Roof as a Factor that Reduces Organizational Justice
Parivash Mohammadi Gheshtlagh.....66

Designing and Assessing the Model of Developing Employees' Moral Courage
Nooralah Paknejad, Valid Chenari, Seyed Rasool Agha Davood, Seyed Ali Akbar Ahmadi.....75

انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری
Official Publication of Iranian Association of Ethics in Science & Technology

International Journal of
Ethics & Society
Scientific Quarterly



Vol 4, No. 1 2022

International Journal of Ethics & Society has been published since 2019.

This Journal is indexed in the following databases:
Directory of Research Journals Indexing (DRJI), Scientific Journal Impact Factor (SJIF), J-Gate, SID, Google Scholar, Magiran, Civilica, Ensani, Noormags, Iirisweb.

ISSN: 2676-3338

Tel: +98 21 66580217
Fax: +98 21 66125223
Email: info@ijethics.com
www.ijethics.com
Iranian Association of Ethics in Science & Technology, 2th floor, No. 56,
Western Nosrat St. Tohid Sq. Tehran, Iran.

Content

Original Article(s)

Analyzing the Relationship between Perceived Social Responsibility and Employees' Affective Commitment and Green Behaviors: Mediating Role of Ethical Climate

Samad Rahimiaghdam, Toktam Niroumand.....1

فصلنامه انگلیسی زبان اخلاق و جامعه (*I.J.Ethics Soc.*) یک فصلنامه علمی با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجوز علمی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و صاحب امتیازی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری می باشد که از سال ۲۰۱۹ تا کنون منتشر می شود. بدین وسیله به اطلاع پژوهشگران حوزه اخلاق می رساند که شماره تابستان ۲۰۲۱ فصلنامه علمی اخلاق در علوم و فناوری منتشر شد. مقالات چاپ شده در این شماره به شرح زیر می باشند:

Ali Reza Mohammadi, Mehri Daraei, Zeinab Toolabi.....47

Effectiveness of Motivational Patterns on Creativity, Self-Worth & Ethical Commitment to School

Mitra Azhdari, Zahra Eftekhari Saadi, Parviz Asgari, Sahar Safarzadeh.....52

Designing a Branding Model for a TV Talk Show with an Emphasis on Ethical & Social Factors

Amir Mohammadi, Ali Mohammad Mazidi Sharifabadi, Mohammad Soltanifar.....60

Presenting a Model for Creating a Glass Roof as a Factor that Reduces Organizational Justice

Parivash Mohammadi Gheshlagh.....66

Designing and Assessing the Model of Developing Employees' Moral Courage

Noorallah Paknejad, Vahid Chenari, Seyed Rasoul Agha Davood, Seyed Ali Akbar Ahmadi.....75

Website: www.ijethics.com

Investigating the Effect of Organizational Socialization and Social Capital on Employee Accountability Emphasizing the Mediating Role of Professional Ethics

This article was removed due to plagiarism.....11

Investigating the Effect of Organizational Culture and Team Work on Teachers' job Performance Emphasizing the Mediating Role of Professional Ethics

Mohammad Razzaghi, Hasan Ghalavandi, Seyed Mehdi Mousavinia.....20

Analysis of the Relationship between Self-Control and Social Desirability with the Ethical Report of Banking Delinquency (With Emphasis on Demographic Characteristics of Employees)

Mohammad Momenpour Taula, Ali Bayat, Ali Mohammadi.....29

The Effect of Professional Commitment on Auditors' Ethical Whistleblowing: Moderating Role of Gender and Age

Morteza Hajiabbasi, Mohammad Reza Vatanparast, Bahman Banimahd, Mohammad Reza Azadehdel.....39

Testing the Pattern of Social Responsibility as a Component of Educational Ethics

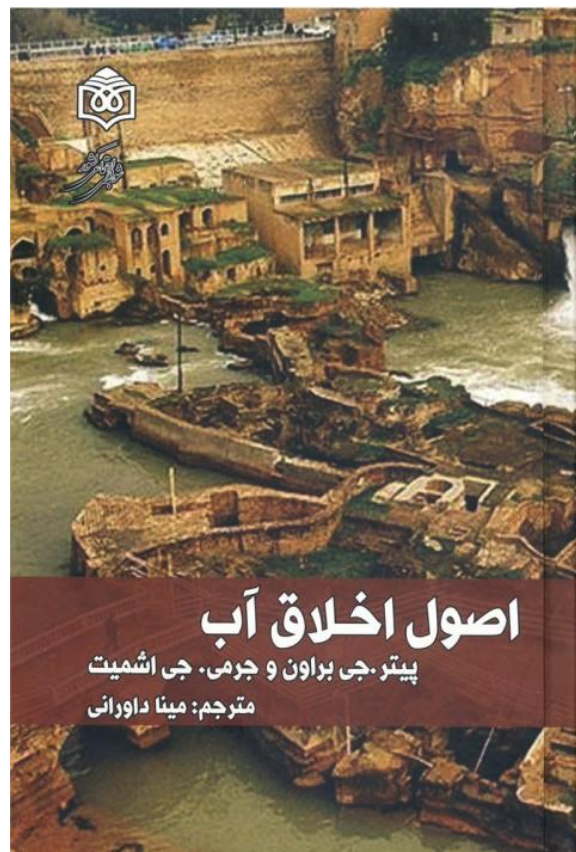
معرفی کتاب

گرفته و در درجه دوم، این مسئله بیش از پیش به چشم آمده که این منابع مانند همه منابعی که تا پیش از این در جهان وجود داشته‌اند، در صورت مصرف بی‌رویه روزی از بین خواهند رفت. در واقع افزایش نیاز به آب، از آشامیدن صرف به انواع کاربری‌ها در نهایت محدودیت‌ها و سقف وجودی آب را بیش از پیش برای بشریت آشکار ساخت. اصول اخلاقی وضع شده درباره آب نیز، نتیجه ملاحظاتی از این دست هست، مباحثی که بحث مسوولیت شخصی و گروهی را در برابر این منبع محدود در برمی‌گیرند و مسائلی مانند مدیریت منابع آب، صرفه جویی و اخلاق آب را در دستورکار داد. به هر حال اصول اخلاقی آب پاسخی به مسائل و ملزومات آب و بحران آب در زمان معاصر است، زمانی که ذخیره‌سازی و انباشت و توزیع آب به یک مسئله انسانی تبدیل شده است و قیمت و مصرف آن به محل پرسش تبدیل کرد.

به نظر نویسندگان این کتاب سئوالات حول آب ذاتاً اخلاقی هستند. براون و اشمیت، ضمن انتقاد از رویکرد تجربی به آب نشان می‌دهند که همه رویکردهای مدیریت آب، صرف نظر از نوع رویکردشان بر پایه مفروضات فرهنگی و قضاوت‌های ارزشی شکل گرفته‌اند. این کتاب دارای شش فصل است که در هر شش فصل مباحثی درباره رویکردهای فکری متفاوت درباره ارتباط بین آب و جوامع انسانی را مورد توجه قرار داده است: از سودمندگرایی (Utilitarianism) و اکوفمینیسم تا عقاید و ادیانی مانند هندویسم، مسیحیت و اسلام تشریح شده‌اند. هر بخش کتب توسط یک مقاله مقدماتی اصلی نوشته شده توسط ویراستاران تنظیم شده است.

کتاب اصول اخلاقی آب به خوانندگان کمک می‌کند تا تاثیر جنبه‌ها و چشم‌اندازهای اخلاقی متنوع را در هدایت غیرمستقیم سیاست‌های کلان حول آب را درک کنند. به عبارتی کتاب رویکردی بین رشته‌ای به مسئله آب دارد و تلاش دارد بحران آب را از منظر گوناگون در اختیار مخاطبان قرار دهد. آنها با ارائه برخی فکت‌ها و داده‌های میدانی چشم‌اندازی تاریخی فرهنگی به کار خود داده‌اند و از خلال این تنوع، نشان می‌دهند که فرهنگ و کنشگری ما تا چه میزان در بهبود یافتن وضعیت می‌تواند موثر باشد.

براون و جرمی اشمیت با نوشتن این کتاب ۳ چشم‌انداز مهم را به مخاطبان ارائه داده‌اند. در درجه نخست نویسندگان این کتاب یک مجموعه فوق‌العاده از چشم‌اندازها و دیسپلین‌های متنوع را گردآوری کرده‌اند، که هر یک از آنها به طرقی مسائل مهمی درباره اصول اخلاقی



عنوان کتاب: اصول اخلاق آب

نویسنده: پیتر جی براون و جرمی . جی اشمیت
مترجم: مینا داورانی

منطق ساختاری کتاب اصول اخلاق آب از جهان‌بینی‌های گسترده‌تر در مورد زمین، جایگاه ما در آن و همچنین آب نشأت می‌گیرد. کتاب اصول اخلاق آب نوشته پیتر، جی براون و جرمی، جی اشمیت و ترجمه مینا داورانی است که در سال ۱۳۹۶ توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر گردید.

با افزایش استفاده از منابع آبی در جهات مختلف اعم از کشاورزی، انرژی و مصارف شهری، انسان با دو واقعیت رو به رو گردید، نخست آنکه منابع آبی جدید به طرقی مختلف و متکثرتر از گذشته در دسترس انسان قرار

عنوان فلاسفه، نویسندگان مقاله در تلاشند تا مدیران آبی، محققان، سیاستگذاران و فعالین را با مسائل اخلاقی درگیر کنند. در بخش مقدمه اشمیت مسئله اخلاق را برای مخاطبان تشریح می‌کند. از خلال مطالب ارائه شده می‌توان به این امر پی برد که مباحث مطرح شده به نظر بیشتر با مباحث سیاست‌های آب و نه فلسفه آشنا مرتبط هستند. اشمیت اخلاق آب را چارچوب‌های هنجاری می‌داند که بر کنش‌های ما که به روی آب تاثیر می‌گذارند. اشمیت معتقد است که بدون اخلاق آب، امکان سیاستگذاری در حوزه آب وجود ندارد چرا که هر چارچوب تصمیم‌گیری به قضاوت‌های ارزشی وابسته است که به آنها در حل مسائل کمک می‌نماید. (صفحه ۶) مسئله تاثیرگذاری قضاوت‌های اخلاقی بر مدیریت آب در عمل، تم اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد.

آب بیان می‌دارد. در درجه دوم، نویسندگان مقاله یک چارچوب فکری درباره اخلاق آب فراهم کرده‌اند و در چند بخش موضوعی مختلف یعنی حق حاکمیت و دعاوی انسانی بر آب، (۲) سودمندگرایی، (۳) آب به عنوان منبع اجتماعی، (۴) آب: ثروت مشترک زندگی و (۵) اخلاق در سیستم‌های پیچیده به تشریح آن پرداخته‌اند. در درجه سوم نویسندگان این کتاب، در تلاشند تا اخلاق را در مدیریت منابع پایدار آب به شکل عملی پیاده سازند و این امر یعنی تاکید بر حیثیت عملی، که این امر سومین خدمت نویسندگان به مسئله آب می‌باشد. از این طریق می‌توان دریافت که هدف از نوشتن این اثر، به وجود آورد یک دست نوشته برای دانشجویان نیست بلکه کتاب اهداف عملی را نیز تعقیب می‌نماید. به